



استاد علی خلخالی:
ستاره تابناک
آسمان ادب و
فرهنگ آذربایجان

آغز سکه

نشریه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
شهر آذربایجان

هیس
جنگل‌های
قره داغ
فریاد نمی‌زنند



آذربایجان در هفته‌هایی که گذشت
بهمن علی جعفری ر.ه

رویدادها و حوادث اتفاق افتاده در آذربایجان طی روزهای گذشته به علت تعدد تنوع و همچنین اهمیتی که دارند قطعاً جداگانه شایسته توجه و در خور پرداختن و تحلیل می باشند اما بدلیل محدودیت های پرداختن به این رویدادها و همچنین تعدد آنها، در این مقاله نیز همانند یکی - دو مقاله قبل، سه رویداد و اتفاق را به طور مختصر واکاوی، بررسی و تحلیل خواهیم کرد!
آتش گرفتن جنگل های قره داغ و نابودی بیش از ۳۰۰ هکتار از این - ادامه ی مقاله در صفحه ۲

سازمان گلین ماهنیسینا یئنی باخیش

پروفسور نطقی نین پونز بامیزدا یئری

ایست به طرح تقسیم آذربایجان

- متأسفانه هر از چند گاهی افراد و جریانات خاصی یا انگیزه های متفاوت با دستاویز قرار دادن خدمات بیشتر و دلسوزی نسبت به یک قسمت از استان در صدد تقسیم و تفکیک استانی وارد ماجرای تکراری، مبهوده و دشمن شادکن تقسیم آذربایجان غربی می شوند!
- این طرح ها با هر نیتی که باشند در یک نقطه وجه مشترکی دارند: زوال نام آذربایجان از جغرافیای این مرز و بوم، تضعیف بافت مذهبی استان و کوچکتر کردن استانی که هرگز یک استان بزرگ نیست!
- این طرح و خواست نامعقول و تبلیغاتی هرگز مورد پذیرش مردم فهیم آذربایجان خصوصاً مردم فهیم شهرهای شمالی استان یعنی خوی، ماکو، بلدشت، جالدران، سلماس، قره ضیاء الدین، بازرگان و شوط نبوده و نیست!
- اگر قرار باشد استان ها به لحاظ بزرگی و وسعت جغرافیایی تقسیم شوند استان هایی مثل سمنان، یزد، کرمان، اصفهان و... در اولویت هستند! بی زحمت کمی تعقل نمائید و منافع ملی را فدای چند هزار رای و نمایندگی مجلس نکنید!

مطالبات مردم آذربایجان از نمایندگان مجلس

نگاهی کوتاه به تراختور مدعی قهرمانی

تبریز: پیشگام، پیشتاز و پیشاهنگ در میان شهرها
دلایر مازانی

در مجلس شورای اسلامی چه خبر است؟
هیس طرفی

تورم نازنده و گرانبهای فزاینده: آفریننده سفره های خالی محرومان
دلایر مازانی

اولین دولت تورک در آذربایجان

جنگ سالور غازان با زدهای ۷ سرا

مرکز تجاری تفریحی سیتادیوم ارومیه

0912 396 5555
WWW.CITADIUM.IR
التهای خیابان سعیدی ۲



هنرمند علی مصطفی زاده
فول ایستاس هنرمندی بروی - الکترونیکی

مردم بی صبرانه منتظراند آقای رئیسی!

برخوردها و اقدامات انجام گرفته قضایی ماههای اخیر با مفسدان اقتصادی که منجر به دستگیریهایی گسترده بعضی از اشخاص مشهور از منسوبین مسئولین عالی رتبه گرفته تا نمایندگان مجلس - نیز تردیده بارقه امید را در دل عموم و به ویژه اقشار ضعیف که از لحاظ اقتصادی و معیشتی علی الخصوص از ۱۵ ماهه گذشته وضعیت یفرنجی را پشت سر می گذارند همچنان روشن نگه داشته است.

بدون اغماض اگر بگوییم که اخبار متعدد و پرشمار اختلاس ها، زندهها و قارت بیت المال توسط عده ای از مدیران، افزاینده ها و - اعتماد عمومی نسبت به دولت و حتی حاکمیت را تا حدود زیادی دچار آسیب کرده است، چیزی به بیراهه نگفته و سیاه نمایی نکرده ایم!

نباید هم به عموم مردم در این بحث ایراد گرفت؛ آنها چشم و گوش دارند و وقتی می بینند و می شنوند که چگونه عده ای همچون راهزن و زانو به جان بیت المال و هستی مردم افتاده و هر جور که دلشان می خواهد می خورند و می برند مال و اموال و ثروت های کثیف و نامشروع شان را بیشتر و بیشتر می کنند و کسی هم به آنها نمی گوید بالای چشمتان ابروست، طبیعی است که دل سرد و ناامید شوند و اعتمادشان هم از بین برود! عموم مردم وقتی در گذران امورات معمولی زندگیشان با درآمدها و حقوق های حتی ۵ - ۴ میلیونی به شدت گرفتار شده اند و از تبوه مشکلات در عذاب و بحران هستند شب ها از کلبوس ناشی از خستگی روحی و فکر هجم تبوه مشکلات خویشان نمی برد و صبح ها هم شرمند اهل و عیال و ... هستند ولی در عوض می بینند عده ای جلوی چشم مسئولین و بدون واهمه تا آنجا که جا دارد تاراج می کنند و از شکم های پر و خوشی روزگار شب و روز را با هم قاطی کرده اند، کلاما محق هستند که سوالات مختلف درباره جرایبی این امر را از ذهنشان عبور دهند و به جامع نیز تسری دهند!

مردم حق دارند ببرند که مگر با پول حلال و حقوق مایعانه ۱۰ میلیون تومانی یک مدیر و یا مسئول و یا درآمد مشروع یک فعال اقتصادی چگونه می شود در عرض ۲ یا ۳ سال خالص چندین میلیاردی، باغ چند صد میلیونی، ماشین صدها میلیونی و حساب های بانک میلیاردی داشت؟! مردم، فرزندان و منسوبان هر چه ی یک بعضی از مدیران و مسئولان و اقتصاددین تازه به دوران رسیده را رصد می کنند و وقتی می بینند آنها از وضعیت اقتصادی و مالی خویشان (در طول چند ماه) صبح یک ماشین آخرین مدل و بعد از ظهر یک ماشین گران قیمت سواری می شوند و به اصطلاح خوشی زده زیردشان نامید می شوند و اعتمادشان نیز چرخه دار می گردد!

با هیچ منطق و قانونی در هیچ کجای دنیا سازگار نیست طبعی که همراه خانواده ها، منسوبین و اطرافیان، اقلیتی ۷ درصدی در جامعه را تشکیل می دهند دارایی های یک ملت را از تبه پدیشان محسوب کنند و با هر چه که در توان دارند برای ریخت و پاش، تاراج و چپاول آن اقدام نمایند! در هیچ عقل سلیمی نمی گنجد که تعدادی افراد حقیقی و حقوقی - که از قضا با بعضی از مدیران سرشناس هم روابط سببی و نسبی دارند - بدون داشتن صلاحیت ها و توانایی های لازم و بدون اخذ ضمانت های کافی و گذر از فیلترهای قانونی؛ موسسات مالی و اعتباری خصوصی تاسیس کنند و چند صد شعبه در سراسر کشور دایر نمایند و بعد از جذب داراییهای مردم و به جیب زدن آنها به راحتی آب خوردن اعلام ورشکستگی صوری بکنند و دولت هم برای جلوگیری از گسترش بحران و تبعات بعدی؛ بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومان از بیت المال را که باید صرف عمران و دارو و بهداشت مردم می شد، از صندوق توسعه ملی برداشت کند و به مال باختگان پرداخت نماید!

در هیچ کجای دنیا شرکت های خودرو سازی این جرات را ندارند که آهن پاره های بی کیفیت و فاقد ایمنی را با رقم های نجومی به مردم پیش فروش کنند و هر جور که دلشان خواست با مشتری رفتار کنند! بجز ۴-۳ کشور بحران زده و جنگی، اگر کشور دیگری را سراغ دارید که شرکت های خودروسازی مانند خودروسازان دولتی و غیر دولتی ما (اینچنین ظالمه با جان و مال مردم بازی کند، لطفا معرفی کنید تا مدیران و منسوبان بهره مند از این خوان نعمت گسترده حداقل حساس تنهایی نکنند! براساسی شرکت های خودروسازی وطنی - دولتی (ایران خودرو و سایپا) و شرکت های خودروسازی خصوصی چرا و با کدام پشتوانه و مصونیتی دهه هاست که اینچنین در بازار خودرو و - کشور تاخت و تاز می کنند و دلالی برده انداخته اند؟

اقتصاد کدام کشور این اجازه را می دهد که اینهمه رانت خواری و دزدی از بودجه عمومی و منابع ملی آن انجام بپذیرد؟ چرا و با چه جراتی در این کشور باید عده ای هر کاری که دلشان خواست انجام بدهند و بازار و معیشت مردم را قربانی منافع طلبی و زیاده خواهی خودشان بکنند و اعتماد عمومی را به پای منافع کثیف شان و طمع ورزیهای بی باباشان ذبح کنند؟

چرا باید موضوع خصوصی سازی و واگذاری شرکت های دولتی (ملی) به بخش خصوصی تا این اندازه سهل و ساده گرفته می شد که رئیس سازمان خصوصی سازی، شرکت های ملی چندین صد میلیاردی متعلق به بازنشستگان و - را مثل آب خوردن در برابر ۶ - ۵ میلیارد تومان چک بلا وصول به حراج می گذاشت؟

چرا و با کدام مجوز قانونی و شرعی اجازه واردات و انحصار انواع کالاها و خدمات در این مملکت به خانواده ها و اشخاص خاصی تعلق گرفته است؟ واردات ماشین های گران قیمت در اختیار یک یا چند خانواده، واردات کالاهای خدماتی لوکس در اختیار چند خانواده دیگر، واردات موز در اختیار خانواده های دیگر و -! مگر این کشور و داراییهای آن ارثیه پدری ۷ درصد مرفه بی درد است که هر جور دلشان می خواهد سودهای کلان و منافع آن را بین خودشان تقسیم می کنند؟

آدرس های باندها و محافل فساد (مالی، سیاسی و اخلاقی) در کشور، استانها و شهرها واضح و مشخص است و نیازی به تحقیق و تفحص ندارد! کفایت یقه ی تعدادی از این جرمه های فساد را گرفت؛ بقیه ی همدستان کثیف خودشان را فوراً لو خواهند داد!

مردم با برخوردها و اقدامات اخیر قوه قضائیه امیدوار شده اند! مردم و خصوصاً اقشار ضعیف جامعه منتظرند ببینند چگونه حرف های مردم پسند رئیس جدید قوه قضائیه به مرحله عمل خواهد رسید! افکار عمومی برخورد سنگین و قانونی با مفسدان را طلب می کنند!

مردم انتظار دارند بدون رعایت جایگاه و مناصب اشخاص و وابستگی جناحی و سیاسی مفسدان با آنها برخورد شود! مردم بی صبرانه منتظراند آقای رئیسی!

مدیر مطالعات پایه منابع آب شرکت آب منطقه ای آذربایجان شرقی خبر داد: حدود ۱/۵ میلیارد متر مکعب از آب دریاچه اورمیه تبخیر شد



آغری / علی محمدی: مدیر مطالعات پایه منابع آب شرکت آب منطقه ای آذربایجان شرقی با بیان اینکه پنجم تا هشتم خرداد ماه اسال بیشترین حجم آب دریاچه اورمیه به میزان ۵۲۵ میلیارد مترمکعب تبخیر شده است، گفت: اما تا زمان حاضر یک میلیارد و ۴۸۰ میلیون مترمکعب آب این دریاچه تبخیر شده است.

عقيل اقدمی اعلام کرد: حجم دریاچه اورمیه اسال در بیشترین حد خود به ۵۲۵ میلیارد مترمکعب رسید که در چندین سال گذشته رکورد محسوب می شد اما با صرف نظر از حجم ورودی به دریاچه از رودخانه های حوضه آبریز دریاچه اورمیه که موجب تاخیر در روند کاهش تراز می شود، مقدار تبخیر روزانه از هشتم خرداد اسال تا کنون یعنی در ۸۳ روز ۱۸ میلیون متر مکعب در روز برآورد شده است.

وی افزود: بیشینه تراز دریاچه اورمیه اسال ۱۲۷۱/۹۴ متر از سطح آب های آزاد بوده است که از تاریخ ثبت بیشترین تراز در هشتم خرداد سال جاری تا به امروز (۳۰ مرداد) به علت کاهش بارندگی های حوضه آبریز دریاچه اورمیه و کاهش جزئیات سطحی و افزایش میزان تبخیر نسبت به ورودی های دریاچه، ۴۹ سانتی متر کاهش تراز مشاهده می شود.

اقدامی ادامه داد: در ۸۳ روز گذشته به طور متوسط روزانه نیم سانتی متر از تراز دریاچه اورمیه کاهش یافته است و اکنون تراز آب دریاچه ۱۲۷۱/۴۵ متر از سطح دریاچه آزاد است که نسبت به هم سنجی سال گذشته ۱۰۴ سانتی متر افزایش تراز نشان می دهد.

وی اضافه کرد: این شاخص نسبت به تراز اول مهر سال گذشته (سال آبی) ۱۱۸ سانتی متر افزایش داشته اما نسبت به متوسط دراز مدت ۲۲۴ سانتی متر کاهش دارد.

اقدامی اعلام کرد: حجم آب دریاچه اورمیه ۲۱۸۷ میلیارد مترمکعب است که در مقایسه با اول مهر یعنی آغاز سال آبی اسال ۲۱۸۲ میلیارد متر مکعب افزایش یافته است.

به گزارش ایرنا، تراز دریاچه اورمیه از سال ۱۳۲۴ تا سال ۱۳۷۲ خورشیدی حد فاصل یک هزار و ۲۷۴ متر تا یک هزار و ۲۷۸ متر متغیر بود، اما از این تاریخ به بعد روند کاهش تراز دریاچه آغاز شد و تا سال ۱۳۹۳ کاهش متوسط سالانه ۴۰ سانتی متر و در مجموع ۸ متر از تراز دریاچه اورمیه به ثبت رسید.

پس از تصویب طرح نجات دریاچه اورمیه و با وجود تغییر نداشتن چشمگیر بارش های حوضه در چهار سال گذشته، تراز دریاچه اورمیه نسبت به تراز احتمالی از روند گذشته با افزایش همراه شد که این نشان دهنده توقف روند کاهش و تثبیت وضعیت دریاچه است.

به واسطه بارش های مناسب سال آبی جاری امیدواری به احیای تگین فیروزه ای آذربایجان و تحقق اهداف برنامه ریزی برای بازگشت به تراز واسط دریاچه (۱۲۷۲ متر) بیشتر شده است.

حوضه آبریز این دریاچه با مساحت ۵۱ هزار و ۸۷۶ کیلومتر مربع یکی از ۶ حوضه آبریز اصلی کشور است.



alimustafazade@yahoo.com
فول ایستاس هنرمندی بروی - الکترونیکی

آذربایجان در هفته هایی که گذشت

ادامه ی مقاله از صفحه اول

... سرمایه ی خدادادی که در شبکه های اجتماعی (خصوصاً شبکه های اجتماعی منطقه ای آذربایجان) نیز بازتاب گسترده ای داشته، بدون تردید مهمترین اتفاق قابل بررسی و تحلیل روزهای گذشته است.

اهمال کاری و بی توجهی مسئولین ذریبط - خصوصاً مسئولین ستاد بحران کشور - به این موضوع حساس و نابودی بیشتر این ثروت خدادادی در سایه ی این کم توجهی به شدت مورد اعتراض مردم، مسئولین و نمایندگان آذربایجان در مجلس قرار گرفت. به گونه ای که همه ی اشخاص حقیقی و حقوقی فوق به اهمال کاری و عدم توجه کافی و نهایتاً اتلاف زمان توسط مسئولین ذریبط که به نابودی بیشتر این جنگل ها منجر شد، معترف و معترض بودند!

معلوم نیست جنگل هایی با این عظمت که به ثبت مجامع بین المللی نیز رسیده چرا باید فاقد وسایل اولیه و ساده ی ایمنی حریق باشند؟ چرا باید یکی یکی کوپتر مجهز به تجهیزات آتش خاموش کن در جنگل هایی با این عظمت مستقر نباشند؟ چرا باید مسئولین کشوری ذریبط به آتش سواری این جنگل ها این چنین دیر عکس العمل نشان دهند؟

چرا باید مسئولین ستاد بحران کشور با اقدامات کند و یا تاخیر خود موجبات نابودی بیشتر این گنجینه ی بی همتای آذربایجان را فراهم کنند؟ چرا مسئولین ذریبط عادت به پیش گیری و پیش بینی حوادث را برای یکبار هم که شده امتحان نمی کنند؟ و بسیاری از سوالات دیگر که جهت تنویر افکار عمومی شایسته ی پاسخ گویی هستند!

اما ارائه طرح تشکیل استان آذربایجان مرزی از سوی نماینده خوی به مجلس شورای اسلامی، از دیگر اتفاقات تاسف برانگیز روزهای گذشته در آذربایجان بود که با واکنش های بسیار تند نیز از سوی نمایندگان، شخصیت های مختلف و دلسوز و همدل مردم آذربایجان مواجه گردید.

معلوم نیست چرا باید نماینده خوی در مجلس شورای اسلامی ۶ ماه مانده به انتخابات مجلس یازدهم با ارائه طرحی که تبلیغاتی و بی نتیجه بودن آن اظهار من الشمس است، یاد محرومیت و عقب ماندگی خوی بیاقت و بخواهد با ارائه ی طرحی که دشمنان آذربایجان را شادمان و دوستداران آذربایجان را غمگین ساخت، مردم فهیم و قهرمان خوی را با سوابق بزرگ تاریخی و شخصیت های کم نظیر از پیکره آذربایجان (در خیال خود) جدا کند؟

قطعاً مردم شریف و قهرمان خوی از تبلیغاتی بودن این گونه طرح ها در استانه انتخابات مجلس باخبر هستند و همچنین اوضاع حساس منطقه و نگاههای نامحرم و پلید به آذربایجان را رصد می کنند و می دانند که تجزیه و جدا شدن از پیکر آذربایجان هیچ یک از خواست های به حق آنها را محقق نخواهد کرد، همانگونه که اردبیل نیز با جدایی از آذربایجان شرقی هیچ چیز بیشتری را بدست نیاورد!

براساسی مگر اورمیه با جمعیت ۱۳۰۰/۰۰۰ نفری و آنهمه سابقه و پتانسیل از قافله ی پیشرفت و توسعه چه بدست آورده که مانع شود برادر کوچکش خوی به آن برسد؟

نماینده مردم قهرمان خوی قطعاً می داند که این کارها و حرف ها آدرس غلط داندنی بیش نیست! شایسته نیست وی برای رای آوردن در انتخابات مجلس پیش رو دست به هر اقدامی بزند ولو اینکه این اقدامات و گفتارها حتی محلی از عمل نداشته باشند!

اما حواشی بوجود آمده در روز خبرنگار که طبق هر سال به همت شهرداری اورمیه و مدیر روابط عمومی کارخان، کارپلد و نوامند این ارگان برگزار شد، نیز با اقدامات یک عضو معلوم الحال شورای شهر اورمیه و جو سازی او علیه شهردار اورمیه که تا بید صلاحیت رد شده خود را مدیون اوست، چند روزی در صدر اخبار سراسری و شبکه های معناد و نژادپرست خارج نشین قرار گرفت!

اشخاص و طیف های معلوم الحال در هجمه ای سازمان یافته و هماهنگ با کانهای معناد و برانداز و تروریستی و اشخاص مریض التفكيری که از ماجرا خبری نداشتند و با ماجرا را بازگونه شنیده بودند، نتوانستند لوح نژادپرستی خود را پنهان کنند و شروع به موضع گیری و هجمه های خنده دار علیه ترکی صحبت کردن شهرداری کردند که در شهر و دیار خود طبق روال معمول به زبان مادری خود سخن می گفت!

عجیب است عضو شورایی که انواع و اقسام اقدامات ساختار شکنانه و ضد وحدت و امنیت ملی (حمایت از گروهک های قومی توسعه طلب در آن سوی مرز در پیج اینستاگرامی، تعلق پیش از دستور تفرقه افکنانه در مورد غائله ی مدرسه ی اسلام آباد امتناع از حضور در سر مزار حجت الاسلام حسینی مجاهد نستوه آذربایجان که مزارش نیز خاری در چشم دشمنان این مرز و بوم شده، سخنان تفرقه انگیز و جعلی در جستارهای بازیهای محلی سیلوانا و صحن علنی شورای شهر و بیان آرزوی به هم پیوستن چهار منطقه ی و تشکیل کشور ک - بزرگ - به نقل از اعضای شورای شهر -) را در کارنامه خود دارد، جسارت را - در سایه ی مملات مسئولین ذریبط - به حدی رسانده که در شهر اورمیه (پایتخت فرهنگی ابدی آذربایجان) به ترکی حرف زدن شهردار این شهر معترض می شود و خواهان صحبت به زبان فارسی می شود! براساسی یک عضو شورای شهر دیگر باید چه کارهایی انجام دهد که مسئولین ذریبط در مورد او تصمیم نهایی را بگیرند؟

ائمه طبیعی است در شهری که ۳۰۰ نفر افراد متومه حوس عضو شورای شهر شدن به سرشان بزند و با حضور خود رای پراکنده کنند و تشتت آرا را سبب شوند، فرصت برای افرادی با این تفکر هم فراهم شود که به شورای شهر راه پیدا کنند و اقداماتی چینی را هم انجام دهند! به امید اینکه از این اقدامات درس های لازم را بگیریم!



مدیر کل دفتر بازرسی استناداری:
علت و ریشه بروز تخلف در ادارات باید خشک شود

مدیرکل دفتر بازرسی، مدیریت عملکرد و امور حقوقی استناداری آذربایجان غربی در جلسه کمیته سلامت اداری و صیانت از حقوق مردم که در محل سالن حوضه استنادار تشکیل شد، گفت: تشکیل پرونده و برخوردهای مکرر موردی در مقابله با نارسایی ها و تخلفات هر چند لازم و باارزنده هست ولی چاره ساز نیست، لذا علت و ریشه بروز تخلف و جرم شناسایی و بسترهای زایش و رویش تخلف در ادارات باید خشک شود. رسول مقابلی افزود: بررسی ها حاکی از این است که گفاه سیاست ها، انتصابات نابجا، روبه های سنتی مورد عمل و در برخی موارد نیز کار کردهای سلیقه ای تعدادی از کارکنان در بخش های مختلف موجب تمرکز شکایات و ناراضیاتی ها در دستگاهها و ادارات شده و کلیت دستگاهها و مردم را با چالش مواجه می کند.

مدیرکل دفتر بازرسی، مدیریت عملکرد و امور حقوقی استناداری خاطرنشان کرد: لازم است مدیران قرائنی شکایات مردمی در بخش های زیر مجموعه خود هم در ستاد استان و هم در شهرستانها را مورد سنجش و رصد موثر قرار داده و نقاط آسیب را در روبه های مورد عمل را برای تسهیل و تسریع در امورات رفع و اصلاح نمایند. در ادامه برخی از مدیران حاضر در جلسه گزارشی از اقدامات اصلاحی خود را در امر ارتقاء سلامت اداری ارائه و نکته نظرات خود را بیان کردند.

اخبار کوتاه شهر قوشچی

برگزاری جشنواره بادام برای اولین بار در سطح آذربایجان غربی
آغری / مجتبی ازجمند: جشنواره بادام برای اولین بار در سطح آذربایجان غربی با حضور مسئولین محلی و با همکاری بخشداران انزل، شهرداری و شورای شهر قوشچی، سازمان جهاد کشاورزی استان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همزمان با برداشت بادام در این منطقه طی دو روز در پارک ملت قوشچی برگزار شد.

لازم به ذکر است که انزل شمالی به مرکزیت شهر قوشچی قطب اصلی بادام در آذربایجان غربی محسوب می شود. سطح زیر کشت بادام در منطقه انزل شمالی ۷۵۰ هکتار است و هنوز میزان برداشت بادام مشخص نشده است و با توجه به اینکه خاک و اقلیم منطقه انزل کاملاً مساعد برای کشت بادام می باشد، امید است سطح زیر کشت بادام در این منطقه افزایش یابد.

در این جلسه قرار شد کمیته راهبری پس از تحقیق درباره زمان، مدرس و نحوه آموزش، ظرف یک ماه آینده این طرح را در صحن شورای آموزش و پرورش بررسی کند تا مراحل نهایی آن تکمیل و سپس اجرایی شود.

به گفته مدیرکل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی طرح آموزش زبان ترکی آذربایجانی فعلاً هفته ای دو ساعت و در مجموع ۶۰ ساعت، طی سال تحصیلی جدید در برخی مدارس استان به صورت پایلوت اجرا می شود.



مدیرکل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی خبر داد:

اجرای طرح آموزش زبان ترکی آذربایجانی به صورت پایلوت

آغری / اوجده محمدی: آموزش و پرورش آذربایجان شرقی قصد دارد طرح آموزش زبان ترکی آذربایجانی را در برخی مدارس این استان به صورت پایلوت اجرا کند.

جعفر پاشایی، مدیرکل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی در حاشیه جلسه شورای آموزش و پرورش این استان گفت: همزمان با بازگشایی مدارس در مهرماه سال ۹۸، آموزش زبان ترکی در برخی مدارس آذربایجان شرقی به صورت پایلوت تدریس می شود.

جعفر پاشایی درباره جزئیات این طرح افزود: قصد داریم در سال تحصیلی جدید در کنار برنامه های آموزشی، برنامه ویژه مدارس را که وزیر آموزش و پرورش به استانداران استانها ابلاغ کرده در مقاطع

جناب آقای قاسم قنبری
و خانواده محترم قنبری

مصیبت وارده را محضر شما بزرگواران و خانواده محترم تسلیت عرض می نمایم، ما را در غم خود شریک بدانید.

غلامرضا غلامی قوشچی

جناب آقایان خانابانی آذر
و هاشم غزنوی

مصیبت وارده را محضر شما بزرگواران و خانواده محترم تسلیت عرض می نمایم، ما را در غم خود شریک بدانید.

غلامرضا غلامی قوشچی

کانال تلگرامی آغری!

@Aghriazerbaijan

وطن بوردان بیزی ایزله یین

قابل توجه مخاطبان محترم نشریه آغری:

اگر مایل هستید از طریق ارسال SMS به موبایل تان از زمان انتشار نشریه "آغری" و مراجعه به کیوسک های مطبوعاتی اطلاع یابید!

عدد ۱ را به شماره ۳۰۰۰۷۹۷۱۷۱۷۱ SMS کنید.

بدون هیچ تردیدی انتخابات مجلس شورای اسلامی در دوم اسفند ماه سالجاری و ترکیب آینده مجلس و سمت و سوی دولت آینده با علاقی و گرایشات نمایندگان مجلس هرگز مسائل جدا از هم و قابل تفکیکی نیستند.

سوابق گذشته انتخابات مجلس نشان داده است که شرایط خاص کشور باعث می شود که ترکیب و گرایشات نمایندگان ارتباط معنی داری با اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه داشته باشد. با توجه شرایط حساس کشور و منطقه و استمرار دشمنی های ملت شوم (آمریکا اسرائیل و عربستان) و تنگناهای اقتصادی مردم، ترکیب و بافت نمایندگان مجلس آینده (مجلس یازدهم) طور حتم با دگرگونی های قابل لسی روبرو خواهد شد و بر این اساس نمایندگان از اقبال عمومی برخوردار خواهند شد که توانمندیا و کارنامه آنها در مورد برنامه ریزی و مواجهه با مشکلات با تردید مواجه نباشد.

تحریم های ضد انسانی هیئت حاکمه دولت استعماری آمریکا و تهدیدهای مستمر جمهوری خواهان لجام گسیخته مستقر در واشنگتن می طلبد که نمایندگان با توان حداکثری به خاله ملت راه یابند تا در مصاف با بی منطق ترین ماجراجوترین وی بی ثبات ترین دولت میلیتاریستی آمریکا از حدود و صعور سیاسی، اقتصادی، معیشتی و فرهنگی ملت در مجلس قانونگذاری سیاست و حرالت کنند و توانمندی به چالش کشیند کنگره و دولت آمریکا را داشته باشند. از این منظر نمایندگان پاکدست، شجاع و توانمند و به تبع آن رئیس مجلس کارآمد و هیئت رتبه رسای ملت در مواجهه با دشمنان خارجی باشند و در کنار دو قوه دیگر یعنی قوه مجریه و قوه قضائیه حافظ و پاسدار منافع ملی باشند. بر این اساس تأمین نیازها و معیشت مردم، اشتغال و ازدواج جوانان، توسعه و ترقی کشور و اقتدار نظامی و خراست از امنیت و تمامیت ارضی کشور را می توان از اولویت های جامعه دانست.

در نگاه ملی، تمامی نمایندگان از تمامی استانها و شهرها و جناح ها حول محور خراست از معیشت، امنیت، تمامیت ارضی و اقتدار نظامی و حاکمیت قانون و تظلیف بی یکسان و هم سونی دارند و این مولفه ها چون دانه ها و حلقه های یک زنجیر بهم متصل بوده و تفکیک ناپذیرند.

اما با توجه به اینکه هر اقلیم، هر استان و هر منطقه از مناطق کشور علاوه بر مسائل کلی و سراسری به لحاظ جغرافیایی و ویژگی های اقلیمی شرایط و مشکلات خاص خود را دارند. از این منظر جامعه آذربایجانی نیز با جمعیتی بیش از ۳۰ میلیون نفر و شرایط جغرافیایی خاص و متعارف خود با تنگناها و مشکلات خاصی روبرو می باشد و در چارچوب قانون مطالباتی دارد که نمایندگان مجلس و دولت موظف به شنیدن آنها و نیز تکلف به حل آنها می باشند.

همانند همه استانها و مناطق گرانی، تورم، بیکاری، تأمین امنیت شهرها و مرزها، معضل اعتبار و مشکل بوروکراسی اداری، ازدواج جوانان، طلاق و بزه های اجتماعی، فقر و فعالیت باندهای ارش و اختلاس و ... از مسائلی هستند که



دکتر جواد جهانگیرزاده اورمیہ سوابق: سفیر ایران در آذربایجان، رئیس دانشکده علوم فرانسوی نماینده اورمیہ در مجلس ۱۳۰۲ (دوره ۳)



سعود حاجی علیلو اسلماس سوابق: عضو شورای شهر سلماس، رئیس شورای شهر سلماس، فرماندار شهرستان سلماس

مطالبات مردم آذربایجان از نمایندگان مجلس

استانهای متعدد آذربایجان نیز با آنها مواجه هستند که نمایندگان و دولت بعنوان خدمتگزار مردم و خادم جامعه مسئولیت دارند که آنها را از سر راه مردم بردارند.

اما مشکلاتی از قبیل راههای مواصلاتی پر حادثه و آمار پائین بزرگراه هلد ادامه بحران دریاچه اورمیہ، مشکل مهاجرت نخبه گان و صاحبان ثروت و تخصص و چهره های علمی به پایتخت، شرایطی گاه و بیگاه تجزیه طلبان و شهادت مرزبانان بدست تورپست های عامل بیگانه که در شمال عراق و یکی از همسایه های شمالی تردد دارند. هجوم ساکنان شهرهای مرزی کشور عراق به بازار اجناس شهرهای آذربایجانی و تحمیل کمبود و گرانی بواسطه کم ارزش شدن ارزش پول ملی، وضعیت بحرانی مطبوعات آذربایجانی خصوصا مطبوعات مستقلی که به سازمان ها و نهادهای دولتی اویزان نیستند، عدم تکمیل پروژه راه آهن اردبیل به میانه و طولانی شدن تعریض و استانداردسازی جاده بین المللی اتو اوغلو به ماکو و یا جاده پرتو درد اورمیہ به میاندوآب و یا تعریض و بهسازی جاده نرده به پیرنوشهر و سردشت و تکمیل نشدن جاده تبریز به اهر و سراب به اردبیل و ... غیر بومی شدن مدیر عامل منطقه آزاد ارس، وضعیت نابسامان بیمارستانهای فرسوده، شکار بی رویه حیات وحش در بیشتر مناطق آذربایجان، عدم تشکیل فراکسیونی کارآمد و تاثیرگذار آذربایجانی که نمایندگان آن دغدغه توسعه اقتصاد و فرهنگ آذربایجان را داشته باشند. رکود شهرک ها و نواحی صنعتی، مشکل قاچاقی از

مرزها و خسارت های بسیاری که از این ناحیه متوجه امنیت و تولید ملی می شود و چغالی بعضی از نمایندگان پس از انتخاب شدن نسبت به مولکین و شهرهای کوچک و روستاهای دور دست و ... تنها گوشه ای از مطالباتی است که مردم آذربایجان از نمایندگان مجلس آینده دارند.

همانند همه استانها و مناطق گرانی، تورم، بیکاری، تأمین امنیت شهرها و مرزها، معضل اعتبار و مشکل بوروکراسی اداری، ازدواج جوانان، طلاق و بزه های اجتماعی، فقر و فعالیت باندهای ارش و اختلاس و ... از مسائلی هستند که استانهای متعدد آذربایجان نیز با آنها مواجه هستند که نمایندگان و دولت بعنوان خدمتگزار مردم و خادم جامعه مسئولیت دارند که آنها را از سر راه مردم بردارند.

مردم حدود ۱۵۰ شهر و شهرستان استانهای آذربایجان خصوصا فرهیختگان و دوستداران فرهنگ و مدنیت این خطه از نمایندگان و دولت آینده انتظار دارند که اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی که در آنها حق قانونی تدریس زبان های مختلف در کنار زبان رسمی قید شده را عملیاتی کنند و مردم نواحی مختلف کشور خصوصا حدود ۳۰ میلیون ترک زبان هم از این فرصت و امکان قانونی و شرعی بهره مند شوند.

از دیگر مطالبات مردم آذربایجان از دولت، قوه قضائیه و خصوصا نمایندگان مجلس مبارزه بی امان و قاطع با باندها، محافل و شبکه های حمل مواد مخدر است که حواشی و متن این بدیده شوم زیلهای جبرن ناپذیری را متوجه جوانان و خانواده های آذربایجانی خصوصا اهالی آذربایجان غربی کرده است. این استان بواسطه قرار گرفتن در منتهی الیه شمالغرب کشور محل تجمع و تردد کاروانهای

حمل و پخش مواد مخدر به ترکیه، قفقاز و اروپا می باشد. زهم پاشیده شدن خانواده های معتادین و حتی قاچاقچیان مواد مخدر و گاهها شهادت ماموران مبارزه با مواد مخدر و عواقب پولهای کلان و خیرت اور حاصل از خرید و فروش و حمل مواد مخدر خصوصا شبکه های بزرگ و بین المللی، تلطفت بی شماری را

متوجه جامعه اقتصاد و سلامت روانی و جسمانی خانواده ها می کند. رواج اعتیاد، طلاق، بزه های اخلاقی و جنایت از دیگر دست آوردهای شوم حمل، توزیع و قاچاق مواد مخدر می باشد که هر چند تمامی کشور و تمامی استانهای متعدد آذربایجان رابه چالش کشیده است. اما این پدیده غیر انسانی غرب آذربایجان را بیشتر تهدید کرده و می کند و خانواده های بسیاری را گرفتار کرده است.

متوجه جامعه اقتصاد و سلامت روانی و جسمانی خانواده ها می کند. رواج اعتیاد، طلاق، بزه های اخلاقی و جنایت از دیگر دست آوردهای شوم حمل، توزیع و قاچاق مواد مخدر می باشد که هر چند تمامی کشور و تمامی استانهای متعدد آذربایجان رابه چالش کشیده است. اما این پدیده غیر انسانی غرب آذربایجان را بیشتر تهدید کرده و می کند و خانواده های بسیاری را گرفتار کرده است.

فقط واکنش نماینده کلید را در شبکه مجازی دیدم؛ ابا جنگل های قره داغ متعلق به منطقه قره داغ هست یا مردم آذربایجان و ایران هم در منابع آن سهم هستند؟ گونه هایی که در اثر آتش سوزی از بین می روند چگونه جایگزین خواهند شد؟ آیا شرایط آب و هوایی آبی امکان احیای مناطق تخریب شده را فراهم خواهد کرد؟

ایا وضعیت حاصلخیزی خاک منطقه با این آتش سوزی که باعث از بین رفتن ماده آلی خاک و ریز جفتداران خاک خواهد شد ترمیم خواهد شد؟ نوشته ام را با آه و حسرت و امید به آینده به پایان می برم به امید روزی که جنگل های قره داغ در سایه می تندبیری و سومدیریت و تلاشستن برنامه منسجم مدیریت بحران دچار چنین وضعیت وحشتناکی نشود!

امیدوارم همه مسئولان کشوری محیط زیست، منابع طبیعی و وزارت کشور و ... قدر، اهمیت و ارزش جنگل های قره داغ را بیش از پیش بدانند.

اشغال پایدار، برنامه های هشدار دهنده و مبارزه اصلی و بی امان در میادی ورودی مواد مخدر یعنی شرق کشور و تصویب قوانین مناسب در این حوزه از طرف نمایندگان مجلس می تواند در این راستا بسیار مشر شمر باشد.

مردم حدود ۱۵۰ شهر و شهرستان استانهای آذربایجان خصوصا فرهیختگان و دوستداران فرهنگ و مدنیت این خطه از نمایندگان و دولت آینده انتظار دارند که اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی که در آنها حق قانونی تدریس زبان های مختلف در کنار زبان رسمی قید شده را عملیاتی کنند و مردم نواحی مختلف کشور خصوصا حدود ۳۰ میلیون ترک زبان هم از این فرصت و امکان قانونی و شرعی بهره مند شوند.

مردم حدود ۱۵۰ شهر و شهرستان استانهای آذربایجان خصوصا فرهیختگان و دوستداران فرهنگ و مدنیت این خطه از نمایندگان و دولت آینده انتظار دارند که اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی که در آنها حق قانونی تدریس زبان های مختلف در کنار زبان رسمی قید شده را عملیاتی کنند و مردم نواحی مختلف کشور خصوصا حدود ۳۰ میلیون ترک زبان هم از این فرصت و امکان قانونی و شرعی بهره مند شوند.

این شهرها اقدام اساسی و تعجیلی انجام دهند که در راستای اشتغالزایی و جلوگیری از مهاجرت جوانان جوانی کار این مناطق به دیگر مناطق کشور بسیار مفید می باشد. انتظار برای تأسیس صنایع مرتبط با سنگ های معدنی و معادن میکا و نمک منطقه انزل شمالی، قره باغ، قوشچی و اورمیہ از دیگر خواسته های مردم آذربایجان از نمایندگان خود در مجلس پانزدهم می باشد.

این شهرها اقدام اساسی و تعجیلی انجام دهند که در راستای اشتغالزایی و جلوگیری از مهاجرت جوانان جوانی کار این مناطق به دیگر مناطق کشور بسیار مفید می باشد. انتظار برای تأسیس صنایع مرتبط با سنگ های معدنی و معادن میکا و نمک منطقه انزل شمالی، قره باغ، قوشچی و اورمیہ از دیگر خواسته های مردم آذربایجان از نمایندگان خود در مجلس پانزدهم می باشد.

این شهرها اقدام اساسی و تعجیلی انجام دهند که در راستای اشتغالزایی و جلوگیری از مهاجرت جوانان جوانی کار این مناطق به دیگر مناطق کشور بسیار مفید می باشد. انتظار برای تأسیس صنایع مرتبط با سنگ های معدنی و معادن میکا و نمک منطقه انزل شمالی، قره باغ، قوشچی و اورمیہ از دیگر خواسته های مردم آذربایجان از نمایندگان خود در مجلس پانزدهم می باشد.



در مجلس چه خبر است؟

یک موبور به نام موگرینی به مجلس می رود از کان مجلس متشنج می شود، به خاطر چند رای بیشتر، فردی از خوی استان می خواهد، یکی دیگر از جنوب استان آن را حق خود می داند! لایحه رئیس جمهور هنگام عبور از خیابان های خوی، نظر سنجی نموده است. هنگام عبور از آسمان اورمیہ هم نظر سنجی کرده و فهمیده است که اورمیہ مرکزیت خود را به حراج گذاشته است!



محمد علی



هیس جنگل های قره داغ فریاد نمی زنند!

فقط واکنش نماینده کلید را در شبکه مجازی دیدم؛ ابا جنگل های قره داغ متعلق به منطقه قره داغ هست یا مردم آذربایجان و ایران هم در منابع آن سهم هستند؟ گونه هایی که در اثر آتش سوزی از بین می روند چگونه جایگزین خواهند شد؟ آیا شرایط آب و هوایی آبی امکان احیای مناطق تخریب شده را فراهم خواهد کرد؟

ایا وضعیت حاصلخیزی خاک منطقه با این آتش سوزی که باعث از بین رفتن ماده آلی خاک و ریز جفتداران خاک خواهد شد ترمیم خواهد شد؟ نوشته ام را با آه و حسرت و امید به آینده به پایان می برم به امید روزی که جنگل های قره داغ در سایه می تندبیری و سومدیریت و تلاشستن برنامه منسجم مدیریت بحران دچار چنین وضعیت وحشتناکی نشود!



قره داغ؛ قربانی فراموشی ها

حال و روز جنگل های قره داغ (ارسلان) این روزها خوب نیست، هنوز زخم تیر سودجویان بر تن درختان قره داغ خشک نشده بود که خیر آتش سوزی در قلب تنیده آذربایجان، بار دیگر داغ دل مردم آذربایجان و دوستداران محیط زیست را دوجندان کرد.



محمد علی

۲۸ مرداد بود که اخبار اولیه از آتش سوزی در جنگل های ارسلان در شبکه های اجتماعی دست به دست می شد. اما از آنجایی که قبضه به نظر برخی ها زیاد جدی نمی آمد برای مهار آن اقدامی موثر هم صورت نگرفت تا اینکه ۳۱ مرداد خیر آتش سوزی گسترده در جنگلهای قره داغ از زبان مدیرکل مدیریت بحران استانداری آذربایجان شرقی شنیده شد.

این در حالی است که چند سال پیش تفاهم تیز برای اطفاء حریق است.

این در حالی است که چند سال پیش تفاهم تیز برای اطفاء حریق است.

این در حالی است که چند سال پیش تفاهم تیز برای اطفاء حریق است.

تاچند به جور و ظلم، تصمیم کنید
در کیسه خویش ز زر و سیم کنید
هر منفعتی که حاصل مملکت است
خوب است که عادلانه تقسیم کنید

«فرخی بزدی»

در این شرایط پیچیده، حساس و خاص داخلی و بین المللی، وضعیت فقیران و محرومان جامعه به لحاظ اقتصادی و معیشتی، بیش از پیش سخت تر، بدتر و وخیم تر می شود و تورم و گرانیهای لحام گسیخته، امان نهدی دستار و بیبوابان را بریده و آنها را در پرنگاه مرگ و زندگی قرار داده است.



غلام باوند نقده

تورم تازنده و گرانیهای فزاینده؛ آفریننده سفره های خالی محرومان

کارشناسان اقتصادی می گویند «واقعیت جامعه مانگر فقر و نابرابری شدید است. هر سال بر فقر فلاکت محرومان و ثروت و مکنث ثروتمندان به سستی سرسام آور افزوده شده و شکاف و فاصله بین این دو قشر فقیر و غنی بیشتر و عمیق تر می گردد. مسئولان باید دریابند که حکومت کردن به نام مقدس الهی، امری پس بزرگ و خطیر است و مسئولیت های فراوان و سنگینی را به دنبال دارد. بیاید نام مقدس خداوند را با اعمال نیک و حقیقت جویی و عدالت خواهی برافرازیم.»

در دوران سازندگی چهار میلیارد دلار از بانک جهانی وام با بهره سنگین اخذ شد که در آن زمان ایران جزو متروض ترین کشورها محسوب گردید این وام بین فن سالاران و دیوان سالاران (شما بخوانید تکنوکراتها و بوروکراتها) تقسیم شد که استی را هم گذاشتند اعلام!

بازار سنتی کسیرال و فن سالاران و دیوان سالاران تولیبرال و نوکیسه با تشکیل سرمایه داری مالی، با خام خوری و داد و ستد پول، واردات و صادرات، صنعت بیمه گری و ایجاد بانکداری، موسسات پولی و اعتباری و خصوصی بازبهای انجمنی، بخش اقتصاد تولیبرالی را بدست گرفتند. نه مالیات می دهند و نه به کسی پاسخگو هستند این حضرات نه درد دین دارند و نه درد مردم.

دیندارشان نیز از نوع دینداری عاملیانه و مصلحت اندیش و به تعبیر صحیح تر دینداری عایبانه و منفعت اندیش است. مسئولان نظام نباید اجازه بدهند که سرمایه سالاری بر انقلاب و نظام جمهوری اسلامی حاکم شود.

حمایت و تقویت مردم سالاری در این مقطع حساس، نه تنها ضروری، بلکه امری بسیار مهم است چرا که در غیر اینصورت سرمایه سالاری و سرمایه داری مالی بمنزله حاکمیت سرمایه بر نظام تلقی خواهد شد.

در تحولات اقتصادی کشور نباید آرمانهای اسلامی،

الگوهای اعتقادی و شعارهای رهبران انقلابی و اصول قانون اساسی نادیده گرفته شود. اندیشمندان و دلسوزان انقلاب مارها گفته اند که: انقلاب اسلامی ایران به دست پرتوان طبقه محروم و پارهنگان، گود نشینان و مستضعفان جامعه به نبر نهشته است و بقینه زامندان کارگران نظام و کل جامعه سیاسی جدید

عناهی مولد فقر نیز باطل و قسط حق است و عدل حق. لذا مبارزه با فقر وظیفه ای ایمانی است و مبارزه با فقر، مبارزه با عوامل پدید آورنده فقر است.

رئیس دولت تدبیر و امید در دیدار با اصحاب رسانه ها خاطرنشان کرد: «هر مقلد انتقاد از دولت، دست آوردهای دولت را نیز بازگو کنید

عامل اصلی تورم در ایران عرضه زیاد پول است. پدیده تورم ریشه در تقدینگی و کسری بودجه دارد و کسری بودجه ریشه در تعهدات ارزی و بدهی دولت به سیستم بانکی و گستردگی بخش دولت و فعالیت های دولتی و عدم توازن های موجود در بخش دولتی دارد. بخش خصوصی نیز در طول سالهای گذشته دچار بدمآموزی شده و از زمان قاجار به تا کنون نتوانسته با عزت مندی در جهت منافع ملی حرکت کند.

اتیانت نقدینگی در جامعه موجب بروز تورم و گرانی، عدم اشتغال مولد، کاهش ارزش پول ملی و پائین آمدن قدرت خرید مردم به ویژه اقشار فقیر و محروم می گردد. سرمایه داری مالی هیچوقت در ایران در جهت تولید و اشتغال سرمایه گذاری نکرده است، بلکه همیشه در فکر منافع شخصی خود فعالیت و حرکت نموده است.

در تحولات اقتصادی کشور نباید آرمانهای اسلامی، الگوهای اعتقادی و شعارهای رهبران انقلابی و اصول قانون اساسی نادیده گرفته شود.

مرحون کوشش ها و رنج های این طبقه می باشند. شرط اسلامی بودن یک جامعه و نظام حکومتی، استقرار آن در مسیر عدالت خواهی و رفع تبعیض می باشد. حق و باطل نیز مصادیق گوناگونی دارد!

در زمینه معیشت و اقتصاد، فقر باطل است و

داشته باشد و این دست آوردها را خود دولتها قبل از همه اعلام می نمایند، ولی دولت هیچ وقت نمی آید از عملکرد خودش انتقاد کند!

گفتنی است بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (ره) معتقد بودند که انتقاد نعمت و تحفه آسمانی است و اگر انتقاد نباشد جامعه به رشد و کمال نمی رسد بنابراین مسئولان نباید هر انتقاد و اعتراضی را تخریب، توهین و یا مخالفت با نظام تلقی نمایند. در جامعه باید

سلاقی و علاقی مختلفه افکار و اندیشه های متنوع مجال بروز و ظهور داشته باشند. در جامعه باید صداهای مختلف شنیده شود.

انعکاس صداهای مختلف هیچ وقت وفاقی ملی را خدشه دار نمی کند بلکه تک صدایی به وفاقی و منافع ملی لطمه می زند. امنیت ملی این نیست که هیچ کس حرفی نزند، انتقاد و اعتراضی نکنند. انتقاد و اعتراض نشانه پویایی، نشاط و زندگی است و نبود انتقاد و اعتراض نشانه رخوت و مردگی است. آری حکومت بر وادی خموشان هنر و ارجی نیست و اعمال زور و فشار هم دوامی ندارد.

همچنین رئیس دولت در نشست فوق با اهالی رسانه ها اظهار داشتند: «ما کالاهای اساسی مردم را بطور کامل تامین نموده ایم.» اما نکته باریکتر از مو اینجاست که آن گروه از

اکنونیک با همان اقتصاد، بعنوان اصل و زیربنای هر جامعه فارغ از سیستم های سیاسی، نقشی اساسی در نحوه زیست انسانها دارد.

قلاً، مسکن، بهداشت، دارو و درمان، امنیت، اشتغال، پوشاک، بیمه و... مولفه هایی هستند که اندامی زندگی در جوامع مختلف بدون آنها غیر ممکن می باشد.

تجارب چندین هزار ساله ی ملت ها و قومیت ها در طول تاریخ حداقل در یک برآیند مشترک به این نتیجه منتهی شده است که بر طرف کردن نیازهای اساسی انسان ها بدون برنامه ریزی، سیستم و سیاست تکوین شده به سرانجامی نمی رسد و دولت های برآمده از دل ملت ها مسئول و مکلف تامین و گذران مردم جوامع خود هستند.

حداقل این تعابیر در یکصدسال اخیر در بستر واحدی نمود عینی داشته اند یعنی دولت ها و حاکمان هر جامعه تنها به عنوان فرماوتوالین که بر سرنوشته سرزمین های وسیع استیلا سیاسی و نظامی داشته و دارند، شناخته نمی شوند و معیشت و زندگی متعارف و آسایش مردمان از اصلی ترین وظایف و مسئولیت های دولت ها و حکومت های عصر حاضر تلقی می شوند.

به عبارتی وقتی اختیارات معادن و منابع یک ملت و سرزمین های آن بواسطه قانون در اختیار هیئت حاکمه و یا دولت های انتخابی قرار می گیرد و مالیات و عوارض گوناگون از اقشار مختلف اخذ می شود در مقابل دولتها و حاکمان



فضا و آرامش را برای غارتگران اقتصادی ناامن کنید

آن شکاف طبقاتی حاصل نشود و یا مناطقی از کشور بواسطه تعلق خاطر هیئت حاکمه و یا بستگی قومی، نژادی، مذهبی و زبانی مسئولین طراز اول مملکتی از امتیازات ویژه برخوردار نباشند و یا

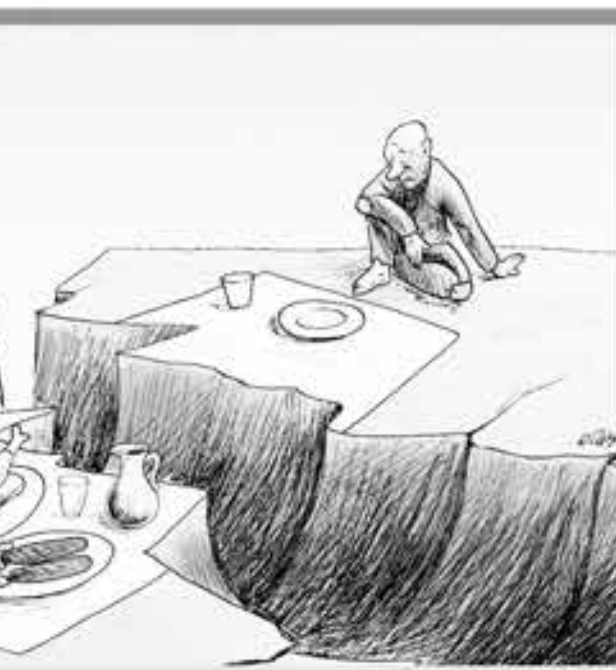
از سال گذشته بدنبال تحریم های فزاینده دولت توسعه طلب آمریکا و مثلث شیطانیه این حاکمیت یعنی ترامپ، بولتن و یمینو و خوش رقصی دولت فاشیست و اشغالگر اسرائیل و حاکمان قرون وسطائی و ضد بشری آل سعود و شیوخ فاسد امارات و فرصت طلبان؛ محفلی از غارتگران داخلی که می توان آنها را ستون پنجم دول مورد اشاره در دستور قبلی دانست، فشار اقتصادی بر مردم خصوصاً اقشار آسیب پذیر و کم درآمد وارد مراحل دشوار و گاه جانکاهی شده است!

با کم ارزش شدن ارزش پول رایج کشور و ازدیاد قیمت های کالاهای اساسی و یا به عبارتی تمامی کالاها و خدمات، عرضه معیشتی و اقتصادی بر کارگران، کارمندان، افراد تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی، مستأجران و... تنگ شده است و در این میثت قیمت دارو و درمان، مواد غذایی، اجاره ی منزل، خدمات فنی، کاغذ، پوشاک، نوشت افزار، گوشت، مرغ، لبنیات، صیفیجات، میوه جات، حیوانات و بسیاری از مایحتاج عمومی و روزانه ی مردم به حد سرسام آور و بدون ضابطه و قانون و خارج از انصاف افزایش چند برابری داشته و زندگی حدود ۸۵ درصد جامعه ۸۲ میلیونی کشور را به چالش کشیده است!

مسئول و موظفند که ثروت و امکانات را بطور عادلانه و متوازن به نسبت جمعیت و وسعت ایالت ها، استان ها، شهرها و بخش ها تقسیم کنند و این تقسیم ها باید به قسمی باشد که در

اقتصادی بر مردم خصوصاً اقشار آسیب پذیر و کم درآمد وارد مراحل دشوار و گاه جانکاهی شده است!

با کم ارزش شدن ارزش پول رایج کشور و ازدیاد قیمت های کالاهای اساسی و یا به عبارتی تمامی کالاها و خدمات، عرضه معیشتی و اقتصادی بر کارگران، کارمندان، افراد تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی، مستأجران و... تنگ شده است و در این میثت قیمت دارو و درمان، مواد غذایی، اجاره ی منزل، خدمات فنی، کاغذ، پوشاک، نوشت افزار، گوشت، مرغ، لبنیات، صیفیجات، میوه جات، حیوانات و بسیاری از مایحتاج عمومی و روزانه ی مردم به حد سرسام آور و بدون ضابطه و قانون و خارج از انصاف افزایش چند برابری داشته و زندگی حدود ۸۵ درصد جامعه ۸۲ میلیونی کشور را به چالش کشیده است!



فضا و آرامش را برای غارتگران اقتصادی ناامن کنید

در حقیقت هر چقدر قوانین و نظارت های عادلانه تدوین و اجرایی شوند به همان اندازه شاهد مملکتی آباد خواهیم بود که در آن دلبستگی به مام مبین و حدود و صفور و مولفه های هویتی در دل و جان شهروندان جایگاه ابدی خواهند یافت و مردمان این جامعه در هر جایگاهی و در هر گوشه ای از کشور خود را شریک همان جامعه می دانند و در قبال همه مسائل کشور خود را مسئول می دانند.

این زیباترین حس همبستگی است و نام دیگری ندارد بر این اساس تمامی ارگان های دولتی و حکومتی در تمامی سطوح جز خدمتگزار ملت و سرزمین نام دیگری ندارند و افراد و مدیران جز و کلان عنوانی بغیر از خادم و سرباز مردم و جامعه را یادک نخواهند کشید. از سال گذشته بدنبال تحریم های فزاینده دولت توسعه طلب آمریکا و مثلث شیطانیه این حاکمیت یعنی ترامپ، بولتن و یمینو و خوش رقصی دولت فاشیست و اشغالگر اسرائیل و حاکمان قرون وسطائی و ضد بشری آل سعود و شیوخ فاسد امارات و فرصت طلبان؛ محفلی از غارتگران داخلی که می توان آنها را ستون پنجم دول مورد اشاره در دستور قبلی دانست، فشار



فضا و آرامش را برای غارتگران اقتصادی ناامن کنید

محاصره اقتصادی، انتخابات و مناسبت های دینی و ملی بعنوان رکن رکین پایداری و مقاومت در صحنه حاضر بوده و وفاداری خود را ثابت کرده اند.

تعدد اختلاص ها و دزدیهای کلان و فرار به خارج غارتگران بیت المال که گاه متاسفانه در لایه های میانی مدیریتی کشور هم جا خوش کرده اند، تاسف بارترین نوع دهن کجی شبکه های فساد به ملت و جامعه می توان آنها را ملاحظه نمود.

هر چند ورود قوه قضائیه و دستگیری و محاکمه این محافل، باندها، تیم ها و شبکه ها در نوع خود قابل تقدیر است، اما پیدایش متعدد این جریانات مخوف مافیائی که سرمایه های افسانه ای، فصرهای فرعونیه، عیش و نوش و ریخت و پاش ها، املاک و حقوق های نجومی شان خوراک تبلیغاتی شبکه های همچون BBC، VOA و کانال های سلطنت طلیان را تامین کرده و می کند و سران و سرمایه گذاران این جریانات را به وجد می آورد، باعث دلسردی و سلب اعتماد مردم و خصوصاً اقشار کم درآمد می شود. این جرنومه های فساد و غدد چرکین باید هر چه سریع تر، محکم تر و قاطعانه با وضع قوانین به روز و سختگیرانه، رصدهای دقیق و اعمال مجازاتهای سنگین از بدنه بخش های مختلف جامعه جراحی شوند!

دشمنان رنگارنگ داخلی و خارجی با وجود تفاوت های ظاهری در صفی واحد نارضایتی مردم را نشان گرفته اند که گاه می توان آنها را در انقلابات مخملی یا کودتاهای اقتصادی

بردمی که در سراسر روستاها، فاقد زمین و ملک، باغ و احشام هستند و باصطلاح خوش نشین می باشند، نه زمینی برای کشاورزی، نه باغی از بهر باغداری و نه احشامی جهت دامداری دارند و همچنین کارگران فصلی ساکن در شهرها، این جمعیت کثیر از تهیدستان و فقیران جامعه، سالی بطور متوالی یا متناوب، نهایتاً بیش از سه ماه مشغول به کار نیستند و بقیه ایام سال بیکارند و بدون ممر درآمد مستولان باید به این موضوع توجه داشته باشند که هر چه قدر کالا حتی به وفور هم وجود داشته باشد، باز هم ایشان از خرید و تهیه آن حقیقتاً عاجز و درمانده اند. لذا از وظایف ذاتی و ایمانی هر دولت اسلامی است به هر طریقی که شده بویژه از بیت المال، حداقل معیشت و رفاه نسبی محرومان و بیبوابان را تامین کنند.

اما اجرای یکسان سازی و پلکانی حقوق شاغلین و بازنشستگان که از سوی دولت و سازمان برنامه و بودجه که رئیس سازمان به جانیباری از کارمندان سطوح بالا اشتباه دارند در عمل بازگشته و برعکس اجرا شد!

یعنی حقوق کارمندی که دارای دریافتی بالاتری بودند ۱۸ درصد و کارکنانی که از حقوق پائینی برخوردار بودند ۳ درصد افزایش یافته است! چند تن از نمایندگان و رئیس دیوان محاسبات هم گفتند که ایراداتی در زمینه اجرا صورت گرفته است.

پاسخ دولت با تفرعن، خوی استکباری و استبداد رای اینگونه بود: اظهار نظر رئیس مجلس و رئیس دیوان محاسبات برای ما کافی است و اعتراض چند نماینده هم اصلاً وارد نیست.

بنابر تحلیل یکی از دین پژوهان که می گویند ما مدافعان قسط و عدل و افسردگان از محرومیت محرومان، تا پیش از ظهور دولت عدل قرآنی، قدرتی نداریم و جز زنده نگاه داشتن، گفتن و نوشتن درباره عدل، کاری از ما ساخته نیست، لیکن سنگی که اکنون دهان این مروجان تفاوت، ظلم، تبعیض و تشبیت کنندگان نکات و زور اندوزی و این ذبح کنندگان ارزش های مقدس الهی را خرد کند و غائله ارقام آفرینی و عوام فریبی را بخوبیاند و جانیباری آنان را از سرمایه داری و زندگانیهای ضد ارزشی و اشرافی نامشروع سازد، سخنانی است که در این باره، امام خمینی (ره) گفته اند:

«باید سعی شود تا از راه رسیده ها و دین به دنیا فروشان، چه کفر زدایی و فقر سستری روشن انقلاب ما را خدشه دار نکنند.»

مشاهده کرد
اما در این بین تعدد اختلاص ها و دزدیهای کلان و فرار به خارج غارتگران بیت المال که گاه متاسفانه در لایه های میانی مدیریتی کشور هم جا خوش کرده اند، تاسف بارترین نوع دهن کجی شبکه های فساد به ملت و جامعه می باشد که در بخش های مختلف می توان آنها را ملاحظه نمود

هر چند ورود قوه قضائیه و دستگیری و محاکمه این محافل، باندها، تیم ها و شبکه ها در نوع خود قابل تقدیر است، اما پیدایش متعدد این جریانات مخوف مافیائی که سرمایه های افسانه ای، فصرهای فرعونیه، عیش و نوش و ریخت و پاش ها، املاک و حقوق های نجومی شان خوراک تبلیغاتی شبکه های همچون BBC، VOA و کانال های سلطنت طلیان را تامین کرده و می کند و سران و سرمایه گذاران این جریانات را به وجد می آورد، باعث دلسردی و سلب اعتماد مردم و خصوصاً اقشار کم درآمد می شود. این جرنومه های فساد و غدد چرکین باید هر چه سریع تر، محکم تر و قاطعانه با وضع قوانین به روز و سختگیرانه، رصدهای دقیق و اعمال مجازاتهای سنگین از بدنه بخش های مختلف جامعه جراحی شوند!

به عبارتی عادلانه نیست همه، نیت و سرمایه ملت خصوصاً طبقه محروم و مستضعف کشور در ادارات نهادهای و سازمانهای مختلف پاره ها پاره به وسیله شبکه های غارتگر به بنما برده

تعدد اختلاص ها و دزدیهای کلان و فرار به خارج غارتگران بیت المال که گاه متاسفانه در لایه های میانی مدیریتی کشور هم جا خوش کرده اند، تاسف بارترین نوع دهن کجی شبکه های فساد به ملت و جامعه می توان آنها را ملاحظه نمود.

هر چند ورود قوه قضائیه و دستگیری و محاکمه این محافل، باندها، تیم ها و شبکه ها در نوع خود قابل تقدیر است، اما پیدایش متعدد این جریانات مخوف مافیائی که سرمایه های افسانه ای، فصرهای فرعونیه، عیش و نوش و ریخت و پاش ها، املاک و حقوق های نجومی شان خوراک تبلیغاتی شبکه های همچون BBC، VOA و کانال های سلطنت طلیان را تامین کرده و می کند و سران و سرمایه گذاران این جریانات را به وجد می آورد، باعث دلسردی و سلب اعتماد مردم و خصوصاً اقشار کم درآمد می شود.

این جرنومه های فساد و غدد چرکین باید هر چه سریع تر، محکم تر و قاطعانه با وضع قوانین به روز و سختگیرانه، رصدهای دقیق و اعمال مجازاتهای سنگین از بدنه بخش های مختلف جامعه جراحی شوند!

مشاهده کرد
اما در این بین تعدد اختلاص ها و دزدیهای کلان و فرار به خارج غارتگران بیت المال که گاه متاسفانه در لایه های میانی مدیریتی کشور هم جا خوش کرده اند، تاسف بارترین نوع دهن کجی شبکه های فساد به ملت و جامعه می باشد که در بخش های مختلف می توان آنها را ملاحظه نمود

هر چند ورود قوه قضائیه و دستگیری و محاکمه این محافل، باندها، تیم ها و شبکه ها در نوع خود قابل تقدیر است، اما پیدایش متعدد این جریانات مخوف مافیائی که سرمایه های افسانه ای، فصرهای فرعونیه، عیش و نوش و ریخت و پاش ها، املاک و حقوق های نجومی شان خوراک تبلیغاتی شبکه های همچون BBC، VOA و کانال های سلطنت طلیان را تامین کرده و می کند و سران و سرمایه گذاران این جریانات را به وجد می آورد، باعث دلسردی و سلب اعتماد مردم و خصوصاً اقشار کم درآمد می شود.

این جرنومه های فساد و غدد چرکین باید هر چه سریع تر، محکم تر و قاطعانه با وضع قوانین به روز و سختگیرانه، رصدهای دقیق و اعمال مجازاتهای سنگین از بدنه بخش های مختلف جامعه جراحی شوند!

مشاهده کرد
اما در این بین تعدد اختلاص ها و دزدیهای کلان و فرار به خارج غارتگران بیت المال که گاه متاسفانه در لایه های میانی مدیریتی کشور هم جا خوش کرده اند، تاسف بارترین نوع دهن کجی شبکه های فساد به ملت و جامعه می باشد که در بخش های مختلف می توان آنها را ملاحظه نمود

هر چند ورود قوه قضائیه و دستگیری و محاکمه این محافل، باندها، تیم ها و شبکه ها در نوع خود قابل تقدیر است، اما پیدایش متعدد این جریانات مخوف مافیائی که سرمایه های افسانه ای، فصرهای فرعونیه، عیش و نوش و ریخت و پاش ها، املاک و حقوق های نجومی شان خوراک تبلیغاتی شبکه های همچون BBC، VOA و کانال های سلطنت طلیان را تامین کرده و می کند و سران و سرمایه گذاران این جریانات را به وجد می آورد، باعث دلسردی و سلب اعتماد مردم و خصوصاً اقشار کم درآمد می شود.

ایست به طرح تقسیم آذربایجان



رضا ابروی نیار



کشور در مقایسه با استانهای جرگه های ۲ و ۱ یعنی استانهای بزرگ و متوسط، استانهای کوچکی به شمار می روند.

در این میان فقط می توان از استانهای البرز و قم بعنوان استانهای بسیار کوچکتر نام برد و ردیف چهارم مساحت استانها را نیز به آنها داد هر چند این دو استان را می توان به لحاظ توسعه یافتگی، امکانات متعارف و جمعیت از استانهای پرجمعیت به حساب آورد.

استانهای مانند: گیلان، اردبیل، مازندران، مرکزی، زنجان، کرمانشاه، همدان، ایلام، قزوین، آذربایجان غربی، لرستان، خراسان شمالی، گلستان و... با اندکی تفاوت مساحت هایی نزدیک به هم دارند بر این اساس استان آذربایجان غربی به مرکزیت شهر اورمیه با جمعیتی در حدود ۲۳۰۰۰۰ نفر و مساحتی در حدود ۲۷ هزار کیلومتر مربع با ۴۰ بخش، ۱۷ شهرستان و ۴۲ شهر هرگز یک استان وسیع و بزرگ نیست و مرکز این استان یعنی شهر اورمیه تقریباً به لحاظ مسافت در مرکز این استان قرار گرفته و فاصله شمالی ترین شهرهای استان یعنی ماکو، بازرگان، بلدشت و چالدران با مرکز استان با فاصله جنوبی ترین شهرهای استان یعنی تکاب، بوکان و سردشت تقریباً با اندکی تفاوت با اورمیه یکسان است.

این استان به لحاظ همسایگی با کشور ترکیه، جمهوری آذربایجان و عراق و نزدیکی به ارمنستان در نقطه تلاقی مرزهای نخجوان با ترکیه، یک استان حساس، مهم و استراتژیک و به لحاظ فعالیت و استقرار گروهک های تروریستی و تجزیه طلب در شمال عراق و مسائل امنیتی هرگز قابل مقایسه با استانهای مرکزی مثل همدان، قزوین، زنجان و... نیست. آذربایجان غربی با استانهای آذربایجان شرقی، زنجان و کردستان همسایه می باشد.

انواعهای ارضی گروهک های توسعه طلب تروریستی

استانهای مهم و حساس کشور تلقی می شود و هر نوع نگاه غیرستعارف به جایگاه این استان قطعاً یک خطا و رویکرد منفی محسوب می گردد.

متأسفانه هر از چند گاهی افراد و جریانات خاص با انگیزه های متفاوت با دستاویز قرار دادن خدمات بیشتر و دلسوزی نسبت به یک قسمت از استان در صدد تقسیم و تفکیک استانی وارد ماجرای تکراری، بیهوده و دشمن شاد کن تقسیم آذربایجان غربی می شوند! گاه این ستاریوز جنوب و اینک این طرح نامعقول در شمال استان به روی صحنه آمده است! این طرح ها با هر نیتی که باشند در یک نقطه وجه مشترکی دارند: زوال نام آذربایجان از جغرافیای این مرز و بوم و تضعیف بافت مذهبی استان و کوچکتر کردن استانی که هرگز یک استان بزرگ نیست!

این گونه طرح ها ناخواسته در نهایت با طرح های گروهک های توسعه طلب و مسلحی که دستشان در طول ۴۰ سال گذشته به خون ۱۰ هزار آذربایجانی مرزدار و هزاران مرزدار مرزدار آغشته است، همخوانی دارد! تعضیف جایگاه شیعیه بر آینده کلی این طرح است. بی زحمت کمی تعقل نمائید و منافع ملی را فدای چند هزار رای و نمایندگی مجلس نکنید!

و شاهیندگی شهرهای مهم این استان می باشند.

در شمال، مرکز و جنوب شرقی آذربایجان غربی، ترک های شیعه مذهب و در جنوب غربی کردهای سنی مذهب بافت جمعیتی استان را تشکیل می دهند و رودهای چون آراز، زنگمار، نازلو، چای، شهرچای، جغتای و زولا و جلگه هایی مثل دشت میاندوآب و خوی به این استان جان و حیات می بخشدند و اورمیه بعنوان دهمین شهر بزرگ کشور از کانونهای اصلی استقرار و توسعه امنیت در شمالغرب محسوب می شود.

همچنانکه اشاره شد آذربایجان غربی از

کشی شدند و حوادث اوایل انقلاب که موجب شهادت ۱۰ هزار مرزدار کشور در این استان شده است و بوسطه بزرگانگی چون آیت الله خونی، شهید سرلشکر مهدی باکری، تعلق لشکر عاشورا به این خطه، رشادتهای لشکر ۶۴ اورمیه، مراسمات پرشکوه عاشورا و محرم، حضور دلاوران بسیجی مرزدار که در حال حاضر هم از بورآلان تا سردشت در سرمای ۲۰ درجه و برف های سنگین ۴ متری و کوهپای ۴ هزارمتری و دره های عمیق از امنیت و تمایب ارضی کشور حرست می کنند و... یک استان ویژه و ممتاز محسوب می شود.

آذربایجان غربی در عین حال مهد فرش افشار،

کشی شدند و حوادث اوایل انقلاب که موجب شهادت ۱۰ هزار مرزدار کشور در این استان شده است و بوسطه بزرگانگی چون آیت الله خونی، شهید سرلشکر مهدی باکری، تعلق لشکر عاشورا به این خطه، رشادتهای لشکر ۶۴ اورمیه، مراسمات پرشکوه عاشورا و محرم، حضور دلاوران بسیجی مرزدار که در حال حاضر هم از بورآلان تا سردشت در سرمای ۲۰ درجه و برف های سنگین ۴ متری و کوهپای ۴ هزارمتری و دره های عمیق از امنیت و تمایب ارضی کشور حرست می کنند و... یک استان ویژه و ممتاز محسوب می شود.

آذربایجان غربی در عین حال مهد فرش افشار،

کشی شدند و حوادث اوایل انقلاب که موجب شهادت ۱۰ هزار مرزدار کشور در این استان شده است و بوسطه بزرگانگی چون آیت الله خونی، شهید سرلشکر مهدی باکری، تعلق لشکر عاشورا به این خطه، رشادتهای لشکر ۶۴ اورمیه، مراسمات پرشکوه عاشورا و محرم، حضور دلاوران بسیجی مرزدار که در حال حاضر هم از بورآلان تا سردشت در سرمای ۲۰ درجه و برف های سنگین ۴ متری و کوهپای ۴ هزارمتری و دره های عمیق از امنیت و تمایب ارضی کشور حرست می کنند و... یک استان ویژه و ممتاز محسوب می شود.

آذربایجان غربی در عین حال مهد فرش افشار،

در چهار چوب تمامیت ارضی و نقشه سیاسی کشور حدود و صفور جغرافیایی استانها از دیدگاه سیاسی، تاریخی، فرهنگی، هویتی، اجتماعی و حتی امنیتی و مردمی که در آن سرزمین زندگی می کنند مهم و در نوع خود حساس می باشد و موقعیت این استانها با توجه به شرایط اقلیمی، سیاسی، قرار گرفتن در مرز و ترکیب جمعیتی چه از نظر قومی، مذهبی و زبانی مولفه های قابل تاملی بشمار می روند.

بر این اساس هر نوع تصمیم درباره ی جغرافیای استانها و با تفکیک و تقسیم استانها هرگز مسائل ساده و یا تبلیغاتی تلقی نمی شوند، خصوصاً استانهایی که ترکیب جمعیتی آنها به لحاظ نژادی، مذهبی، قومی، زبانی و تفاوتهای فرهنگی خاص است و یا با استانهای مرزی که مسائل سیاسی، جغرافیایی و جمعیتی آنها با موضوعات امنیتی گره خورده است.

قطعاً طرح تشکیل یک استان جدید مثلاً در استانی مثل سمنان و یا یزد که ترکیب جمعیتی آنها به لحاظ دینی، مذهبی و زبانی ترکیب یک دستی می باشد، از مرزها فاصله دارند مسائل غیر متعارف در آنها وجود ندارد و جغرافیای وسیعی دارند با استانهایی مثل آذربایجان غربی، خوزستان، سیستان و بلوچستان و... بسیار متفاوت است، مسائل جهانی، منطقه ای، سوابق تاریخی و شرایط امنیتی این دو طیف از استانهایی که مورد اشاره قرار گرفتند یقیناً به لحاظ ظاهری و ماهوی نیز با هم فرق دارند و در نوبه خود می توانند در صورت عدم توجه چالش برانگیز باشند.

نگاه کلی به ترکیب و جایگاه استانهای کشور نشان می دهد که به لحاظ قرار گرفتن استانها در نقشه جغرافیای کشور ترکیب، تعدد و فشردگی استانها در غرب کشور ۲ برابر بیشتر از قسمت شرقی کشور است.

در حالی که در نیمه شرقی کشور فقط ۱۰ استان سیستان و بلوچستان، خراسان های سه گانه، کرمان، سمنان، گلستان، یزد، اصفهان و هرمزگان قرار گرفته اند در نیمه غربی کشور حدود ۲۱ استان قرار گرفته است و از این لحاظ اکثر استانهای غربی کشور مسافت های کوچکتری دارند، هر چند به لحاظ جغرافیایی، شرایط آب و هوایی و جمعیت، نیمه غربی کشور تقریباً دو برابر قسمت شرقی کشور است و از این نظر تعداد کلاتشهرها و استانهای توسعه یافته بیشتر در نیمه غربی کشور قرار دارند.

اما قطع و یقین مسافت و مساحت جغرافیایی یک استان یکی از مهمترین شاخصه های است که می تواند در تقسیم و یا تفکیک آن مدنظر باشد. از منظر مسافت و مساحت جغرافیایی استانهای کشور در سه دسته ی وسیع، متوسط و کوچک قرار می گیرند. در میان استانهای وسیع، کرمان، یزد، سیستان و بلوچستان، سمنان، اصفهان، خراسان جنوبی، فارس و خراسان رضوی دارای جایگاه و رتبه های برتر هستند و در چرخه استانهای متوسط، خوزستان و آذربایجان شرقی قرار دارند و بقیه ۲۰ استان

گفتمان معیوب ناسیونالیستی که تلاش دارد وحدت موجود میان مردم ایران را خدشه دار کند و در این راه حتی از تخطئه نام ایران و اسلام ابایی ندارد، وارد کارزار اقتصادی شده و تلاش دارد در اقدامی جدید واحد پول خرد جدید را به عنوان قومگراییه "پارسه" تغییر دهد!

حذف چهار صفر از پول ملی و تغییر واحد از ریال به تومان که از سال های گذشته در میان محافل مختلف اقتصادی و سیاسی اعم از تیم های اقتصادی دولت های متفاوت در مورد آن بحث می شد طی هفته های گذشته روند جدی تری به خود گرفته و هیئت دولت پیشنهاد بانک مرکزی برای حذف چهار صفر از پول ملی و نیز تبدیل واحد پول ملی از ریال به تومان (معادل قرار دادن ده هزار ریال با یک تومان) را که با واقعیت های موجود در میان مردم و معاملات بازار ارتباط ملموس تری دارد، پذیرفت و با تصویب در هیئت دولت برای تصویب نهایی به بهارستان فرستاد.

سیاست در پیش گرفته شده برای تغییر واحد پول و حذف چهار صفر، از منظر ترمیم حیثیت پول ملی و همچنین برقراری ارتباط با آنچه در معاملات واقعی بر مبنای تومان صورت می گیرد، قابل درک بوده و اقدام مناسبی به نظر می رسد اما در کنار این واقعیت های اقتصادی و تا حدودی سیاسی، جریان معلوم الحال پنهان در پستوهای نهادهای دولتی وارد کارزار شده و واحد پول خرد کشور را که قرار است بر اساس سنت موجود در میان اکثر کشورها بر مبنای ۱۰۰ تعریف شده و هر ۱۰۰ ریال معادل یک تومان جدید باشد، با ناسی از سیاست های ناسیونالیستی باستانگرایانه به "پارسه" تغییر دهد!

در این میان از جریانی که در تاملی عرصه ها سعی دارد چماق ناسیونالیستی خود را در میان چرخ های توسعه، رفاه، یکپارچگی و وحدت ایران اسلامی فرو کند باید پرسید؛ واقعا چه مشکلی با نام ایران دارید که هر جا سخن از نام ایران است، به اسرار سعی دارید به جای آن از واژه ی تنگ و نظرانه و محدود کننده و قومگراییه پارس استفاده کنید؟



حذف نام ایران، از روزنامه های ورزشی تا واحد پول ملی

واحد پول خرد جدید؛ ریال پارسه یا ریال ایران؟

استفاده کنید؟ با حذف چهار صفر، حیثیت پول ملی ترمیم شده و با تغییر نام واحد به تومان مردم عادی از عنوان رسمی واحدی استفاده خواهند کرد.

با عنوان ارائه شده صورت خواهد گرفت: از عنوان "ریال پارسه" استفاده کرده است! از پیشنهاد دهندگان این طرح باید سوال شود: در از جریانی که در تمامی عرصه ها سعی دارد چماق ناسیونالیستی خود را در میان چرخ های توسعه، رفاه، یکپارچگی و وحدت ایران اسلامی فرو کند باید پرسید؛ واقعا چه مشکلی با نام ایران دارید که هر جا سخن از نام ایران است، به اسرار سعی دارید به جای آن از واژه ی تنگ و نظرانه و محدود کننده و قومگراییه پارس استفاده کنید؟

آقایان بفرمایند با افزودن پسوند "پارسه" به ریال، دقیقاً چه گره ای از مشکلات مردم باز خواهد شد؟ غیر از اینکه عامل غیریت سازی و ایجاد تفرقه در بین پارس و غیرپارس در کشور شده و تقویت و باز تولید قومگرایی را در پی خواهد داشت.

حالی که مدت ها به صورت غیررسمی مورد استفاده قرار می دادند، آقایان بفرمایند با افزودن پسوند "پارسه" به ریال، دقیقاً چه گره ای از مشکلات مردم باز خواهد شد؟ غیر از اینکه عامل غیریت سازی و ایجاد تفرقه در بین پارس و غیرپارس در کشور شده و تقویت و باز تولید قومگرایی را در پی خواهد داشت.

حالی که ۱۰۰ ریال بوده و از آن به ریال ایران تعبیر

شود؟ واقعا دلیل حذف نام ایران در عرصه های مختلف از سوی جریان پنهان مذکور چیست؟ گفتنی است این جریان در عرصه ورزشی بارها علیرغم تذکرات جدی در باب تأثیرات منفی قومگراییه به اسرار از عنوان پارس یا پرسی برای نامیدن بازیکنان تیم های ملی استفاده کرده اند.

به نظر می رسد این جریان دایره فعالیت خود را گسترده تر کرده و از عرصه ورزشی به عرصه اقتصادی نیز ارتقا یافته و سعی دارد یک عنوان قومی را که دایره دربرگیری آن برای تمامی ایرانی ها محدود بوده و به شدت روند غیریت سازی هویت های متنوع موجود در ایران را موجب می شود، وارد دایره واژگان اقتصادی کرده و به زعم خود مثلاً خدمتی به سیاست های ملی گرایانه خود کند!

غافل از اینکه شهدایی که از چهار گوشه ایران اسلامی بدون در نظر گرفتن تفاوت های قومی، تباری، مذهبی و... برای دفاع از وجب به وجب خاک کشور و ناموس و حیثیت مردم مسلمان، هشت سال مردانه در مقابل دشمنان ایستادند، نه برای دفاع از دایره تنگ گفتمانی کوروش پرستان و متوهمین سیاسی نژادپرستانه و هخامنشی پرست، بلکه در دفاع از ایران اسلامی راهی جبهه ها شده بودند.

هزینه از نظام اسلامی با پشتوانه این شهدا برای پیشبرد اهداف سیاسی نژادپرستانه و قومگراییه که در تحلیل کلان دقیقاً بر علیه نظام طراحی شده اند آنچنان هم ساده و راحت نخواهد بود.

به نظر می رسد گفتمان معیوب ناسیونالیستی که عده ای با پیروی از آن تلاش دارند تا وحدت موجود میان مردم ایران را نشانه رفته و در این راه حتی از تخطئه نام ایران و اسلام ابایی ندارند، وارد عرصه اقتصادی نیز شده است و لازم است مسئولین امر و نمایندگان مردم در این زمینه هشیار بوده و اجازه فعالیت های تفرقه افکننده این اقلیت خائن سوز را در مجلس شورای اسلامی و نهادهای اجرایی ندهند.



سیمه محمد مهدی شهیدی

انتظار داشت که همین پول خرد ناچیز موجب فعال شدن گسل های قومی در کشور و وقوع تنش شود؟

در شرایطی که مرکز گرای ساختاری در کشور به عنوان میراث به جامانده از پهلوی اول به اندازه کافی مسبب انواع تنش های قومی و ایجاد احساسات نسبت به فارس ها در کشور است، چه معیاری باعث شده که برای انتخاب واحد پولی کشور نامی انتخاب شود که در بهترین حالت موجب کاهش بیشتر آستانه تحریک پذیری قومی در جامعه است؟ درست به همان اندازه که اگر نام یکی دیگر از اقوام ایرانی به عنوان واحد پولی از میان اقوام ترک، بلوچ، عرب، ترکمن، کرد، لر، و... انتخاب می شد وقوع تنش و اعتراض های گسترده از سوی رسانه های مرکز نشین قابل انتظار و پیش بینی بود، انتخاب پارسه نیز همانگونه است.

برابر دانستن ایران و پارس / فارس خطایی راهبردی است که احتمالاً دلیل انتخاب این نام بوده است. خطایی که متأسفانه در بخش هایی از سطوح حاکمیتی، مدیریت اجرایی و حتی آکادمیک کشور به منته حقیقت پنداشته می شود و ورود برای نقد آن هدف این یادداشت نیست. توصیه می شود دولت محترم با تجدید نظر در این واژه گزینی زمینه ی وقوع تنش بی مورد و نابجا را منغی کند. کوتاه سخن آنکه، هویت های قومی کشور را قربانی پول خرد نکنیم.

کشور را قربانی پول خرد نکنیم.

کشور را قربانی پول خرد نکنیم.

بیر بیگلیکی دانشگاه استادی و با پورنجیپینی
دوشونون کی بیلگی و تکنولوژی پاردمیسیلا
میترجه حیوان یتتیشدیربیر اولکه بازارینین
ات مسئله سینی اله الیب ایداره الله بیرو
سوزون فیسانی ساوادلیلایمیز ایشله
مه لی دی
(تورلی/ تبریز)

۰۹۱۴ - ۱۸۸۶

باشاسین اورمییه و باشاسین حضرت پوره اورمییه
نبین شهرداری

۰۹۱۴ - ۲۰۲۸

سلام ایستردیم دایم کی تورکجه یولولاریبیز
نییه آزدی لوطفن چوخراق یازیلارینیزی
تورکجه یازین و آذربایجان لاتین خطنینده ده
قابلالین، تا الله کزمه بی ایله اوز گوزل
دیلیمیزی قورویق و اوندان صاحب اولاق
(علی/ اسلام)

۰۹۱۴ - ۵۲۳۰

منه مرنه دلمه
منیم مرثیه یاغدییر ماغا
گوز یاغیم قالمایب
منه نییه لردن لندن لردن داتیش
نفر تیمی یاغدییر ان یتری تانییم
(ایگید قوشاچایی)

۰۹۲۶ - ۰۹۹۳

گونش گندیب باتان یترون
اولکه میزه یاز گتیره
اورک دولو سئوگی
بیروده ساز گنتیره سوز گتیره
تاریدان آرزیم بودو هنج بیر آرزیمیز آزی
قلمسین
(عزیز حمیدی)

۰۹۱۲ - ۱۵۶۰

از جلیله گردشگری شهرستان ملایره مقبره
سیت الوده پارک تاریخی سفینه و پنجال
تاریخی- صنایع دستی، میل و منبت- سوغات
شیره انگور، کتمش، گردو و نقل و نبات و
عسل
از لطفتون سپاسگذارم و باید بگم به زبان
تورکی عشق می ورزم- باشاسین-
(میلاذ غلامی/ ملایره)

۰۹۲۶ - ۵۷۹۹

۱- بو نجه اوز گورلک سنه هنج دوشمز
فریبری کیسه گوزمیز گوروشمز
ظالمییز دیشیر ده مظلوم دیشمز
التریمه جان چکیشن جان قاراباغ
۲- دیلیم دیلیم دوغرادیلار دیلیمیزی
دیلیم دیلیم آیدر دیلار تلمیزی
آنا دیله مدرسه دیر حاقیمیز
خوش دندیک بیز قانمادیلار دردیمیزی
۰۹۱۴ - ۰۱۲۱

با سلام، ضمن عرض ادب و خسته نباشید،
مباحثه ای با مدیریت مسئول و سردبیر نشریه
داشته باشیم.

۰۹۱۴ - ۷۷۳۸

بیر گون گننه گوله جکسن
بیلمیرم آذربایجان
بیر گون گننه
دولاجقان بیلمیرم
بو شووق ایله
گوز یاغیمی سیلیرم
اورمو گولوم
(جاوید کرج)

۰۹۱۴ - ۸۱۶۴

سلام، سیزدن ایستیرم هر سایینا گون سایار
بولومو آیریب، باش و ترن تاریخی اولایلاردان و
آذربایجانیمیزین آدیم و بیلیم اینسانلاریتدان
قیساجیق تلتیم پارسیمیز.

۰۹۲۱ - ۲۴۳۹

۱- آنا دیلیم اولن دنیل
باشقا دیله دوتن دنیل
۲- هر جانی نین آنادیلی وار، هر آدامین سوپو
وار کونوروا بیزیم دیل و کونوروموز آذربایجان
تور کجه سی قولتاسین دونیادا

۰۹۱۴ - ۴۴۷۱

ساع اولاسیز -

۰۹۱۴ - ۴۸۹۳

آغری درگی سنین جانلیقان میلی فعاللارینا
لوغورلار اولسون

۰۹۳۰ - ۱۸۱۰

باشام نفس المافسا
اؤلوم نفس وئر مکتدیر
دبلیز میللت ایلوشور
(ایبوند سنجرالی/ آذربایجان/ سولدوز)

۰۹۰۵ - ۹۲۷۵

سلام، بو وکیل لردن سوزوشون گورک
گراکسیون نمایندگان تورک زبان مجلس
هزار چاندی و نه ایشلر گورولور؟ تشکور.

۰۹۱۴ - ۲۴۹۳

آغری درگیسین تورکو دیله یاییلماسی
دیبری و رنگین بیر ایشدر، الرینیزه سالیق
اما بیر نوقضان بو ایشده گورولور- او دا بوکی
بیرینجی صفحه ده تورکو دیله یازلی
گورولور؟

۰۹۱۴ - ۳۰۰۱

چوخ سئویم کی آغری درگی سیله تلبش
اولموشام. الاله سیزه پاردیمچی اولسون و من
سیزه عومور بوبو دوغانتده چم
باشاسین تبریز، باشاسین اورمو، باشاسین
تورک میللیتی
(حسین/ تبریز)

۰۹۱۴ - ۷۵۴

بیزیم تورکو شیرین دیل دیر
خوش صدالی رنگین دیل دیر
دیل گونش دیر ایشیق ساجار
آزادلیغا قاپی آچار

۰۹۱۴ - ۲۷۱۲

سلام آغری، بو ایلک دفعه دیرکی آغری نی
اوخویورام، چوخ گوزل و کوچلودور، بولونوز
داواملی اولسون
(اللهمان/ تبریز)

۰۹۱۴ - ۱۹۲۵

مطبوعات آذربایجان باید پروژه های زیر را
پیگیری کنند

- توسعه پتروشیمی های اورمییه و تبریز
- انویان و خط راه آهن تبریز به بازرگان و اتوبان
و خط راه آهن تبریز به اهر، مشکین شهر و معان
و باکو

- توسعه پالایشگاه تبریز
- توسعه نیروگاه های تولید برق آذربایجان
- جذب شرکتهای سرمایه گذار خارجی به
آذربایجان

۰۹۱۷ - ۷۶۹۶

به دکه روزنامه فروشها مراجعه می کنیم اما از
لنشار شماره ۱۸۹ بی اطلاع هستیم

۰۹۱۴ - ۴۸۹۳

بورولمایین، ماکی شهینده آغری نی دها
سایلملار. لوطفن بو قزنته نی بیزه چاندیرین،
تشکورلر.

۰۹۱۴ - ۴۱۰۴

یاغیش یاغسا دریا سوپون تئیتیرم
گول اولماسا یاغمانی تئیتیرم
منیم بو قلمیده اولان سنسین
سن اولماسان بو دونیانی تئیتیرم
عزیز آذربایجانیم

۰۹۱۲ - ۲۰۱۴

منی باقیقیلا اورمو گولو، آغلادیم گوزومون یاشی
گلمه دی، هاقیرماق ایسته دیم اما دپلیس نجه
هاقیرما بیلدریم، سن سوسوز، من دپلسیر.

۰۹۱۴ - ۹۰۶۸

ترک های تردید اربابان واقعی تاریخ اروپا و آسیا
بوده اند. (Kayzerling/ فیلسوف آلمانی)

۰۹۱۴ - ۲۸۵۱

تمام تاریخ بشر را کلیدیم، به نظر می رسد
خدایند تمام مقتها را فرمباردار و ملت ترک را
فرمبارا آفریده است. (رنه گروسه) پدر تاریخ
فرانسه
(اورمودان)

۰۹۳۵ - ۸۰۶۱

سلام، گوزوموز بولدا قالیر نه زمان آغریندان
مشلا گل جک کی، «آغری درگیستی -
سایستی مطبوعات دکه لرین ایسته بین»

۰۹۳۵ - ۱۶۳۷

بولبول اولسام اوچارام
اوز گولومون ساغلیغینا
غونچه اولسام اچارام
بولبولومون ساغلیغینا

۰۹۱۴ - ۳۲۱۸



قابل توجه مخاطبان محترم نشریه آغری:

اگر مایل هستید از طریق ارسال SMS به موبایل تان از زمان انتشار نشریه "آغری" و مراجعه به کیوسک های مطبوعاتی اطلاع یابید؛ لطفاً عدد ۱ را به شماره ۳۰۰۰۷۹۷۱۷۱۷۱ SMS کنید.

چیچک گوله دولار گنندر
بولبول گوله قونار گنندر
هره هیکل بوتار گنندر
بو دونیادا اولن اولمازا

۰۹۱۲ - ۰۶۳۱

لوطفن (اس آز) ائلینده ده مطلب یازین.
۰۹۲۶ - ۹۶۷۹

سنسبیز ای دوست منیم
خوش گذرانیم یوخدور
سن کی یوخسان الله بیل
جیسیمیده جانیم یوخدور
بو یامان گونده منیم
بیر جه اومودوم سنسین
سنسبیز هنج بیر کسه
عالمده گومانییم یوخدور

۰۹۱۴ - ۲۰۳۶

سلام، سیزدن ایستیرم هر سایینا گون سایار
بولومو آیریب، باش و ترن تاریخی اولایلاردان و
آذربایجانیمیزین آدیم و بیلیم اینسانلاریتدان
قیساجیق تلتیم پارسیمیز.

۰۹۲۱ - ۲۴۳۹

گنتمه ترسا بالاسی منده سته سایه گلیم
یاییشیم دامنتندن منده تبریزه گلیم

۰۹۲۱ - ۲۹۵۱

سلام، ایملکی اولسا آغری نی لتزلی یه ده
بولایین.

۰۹۱۲ - ۳۵۱۰

سلام، لوطفن آغری نی استرا شهینده ده
گونده رین

۰۹۱۲ - ۳۶۴۱

دنیزلر سنسین اولسون
دانغالار منیم
بولودلار سنسین اولسون
دامچی لاز منیم
دونیادا هر شتی سنسین اولسون
تکجه سن منیم!

۰۹۲۶ - ۲۲۵۶

آغری نین ۱۸۹ - جی سایی سیندان،
اوزلیکله مهندس علی مصطفی زاده
بازیلاریتدان تشکور ائدیرم.
(تبریزدن)

۰۹۳۷ - ۲۸۴۷

کنجن خاطیره لر یاتار اود کیمی
کونلومو یاندیریو یاتیرام هر گون
اومود منه دئییر: قانج، گویلرده اوچ
یاد سویله بیر من: تور اقاد سورون
تور اقاد سورونمک منه یاراشماز
ایشیقلی اوره یه ظولمت دولاشماز

۰۹۱۲ - ۵۱۹۰

سلام آغری، لوطفن اورمو گولوموزو یادندان
چیخارتمایین!

۰۹۱۴ - ۲۲۷۱

بیزیم تورکو شیرین دیل دیر
خوش صدالی رنگین دیل دیر
دیل گونش دیر ایشیق ساجار
آزادلیغا قاپی آچار

۰۹۱۴ - ۲۷۱۲

سلسله عشق گنجه - گوندوز آدینی
اورک هله اونوتمایب دادینی
گوزلریمده گزدریرم یادینی
داغلار بیلیر یوللار بیلیر سن ده بیل
سندن اوتور داغی داشی آشارام
دنیز تکین دالغالایب داشارام
بیر سن اولسان گورر منی یاشارام
داغلار بیلیر یوللار بیلیر سن ده بیل

۰۹۱۹ - ۵۰۷۱

باشاسین گوزل آنا یوردوم آذربایجان،
(میتا/ تبریز)

۰۹۳۰ - ۵۰۳۱

چوخ او یونلار سنه یارار
یالان دونیا دنیلیمی سن؟
دون بوشالیب بو گون تکرار
دولان دونیا دنیلیمی سن؟
(ساری/ اورمو)

۰۹۳۸ - ۵۹۳۳

استان - ی سنندج ده کی تورک لردن ده بیر
یاد الله بینا
(اللهام/ تهران)

۰۹۱۴ - ۲۰۳۱

قورخورام عملی سوزوم سینه ده
خاموش اولسون
سرونشیم کیمی عشقمیده
فراموش اولسون
ساقیبسیز باده یاییشیر منه
ای باده ساتان
ایکی پیمانله گتیر باهم ایچک
نوش اولسون

۰۹۳۵ - ۲۱۸۹

سلام، از آقای غلامرضا غلامی فوشچی سردبیر
محترم نشریه ی آغری برای مقالات جامع و
آموزنده ای کی می نویسد، تشکر می کنم.
(ساخان/ تبریز)

۰۹۱۴ - ۲۳۳۸

جای دمله دیم دم آلدی
گوزلریم نی آلدی
یامان دوشدون یادیم
اوره ییمی غم آلدی

۰۹۱۴ - ۷۸۲۵

کونلوم یارادیر، کدرلی دیر
اوجقون دور
چنده بوغولان دنیز کیمی
توتون دور
هر دن کی سیز یلداییر
چالیر غم سازینی
فیکر آتیه بیرم نسیمی دیر
وورغون دور

۰۹۱۴ - ۷۸۲۵

(محمد/ مرند)

بیلدین نه قدر آتش - ی
هیجر ایتنه یاندیم
بولبول کیمی داییم سر - ی
کویینده دولاندیم
یادتدی هامی راحت ولی من
بستر - ی غمده
شهلا گوزون یادینه هنی
یاندیم او یاندیم

(ساری/ تل/ اورمو)

۰۹۲۷ - ۷۲۲۷

سلام، سیزدن ایسته بیرم کی هر دونه تور کجه
کلیمه لردن بیر لئجه سینی یازیب قیایغیندا
اونون فارسجا معناسینی پارسیمیز.

۰۹۱۴ - ۵۰۳۸

فیر لاندیقجا بو دونیا،
یوخدا دوتوب وار اولور
قورویان چشمه لردن سولار
یئنه جار اولور
بو دونیاین خنیری ده
شری ده تکرار اولور
نییه تکرار اولماسین
آخی دونیا فیر لایبر...

۰۹۱۹ - ۴۵۹۲

سسبیز گلیم، سسسبیز ایسه گنده چه ییم
آردیمجا بیر دومان قالاجاق
تیکانلار ایچره سینده چیچکلر آچاجاق
او چیچکلرین هر بیر یاغیندا
سنسین آدین یاز یلاجاق

۰۹۳۳ - ۲۶۵۲

دونیا اوچ ششی چوخ ایستیرم
داغلار دا داشی، گوزده یاشی، سنسین گیمین ناز
بولدایسی، (علین/ تبریز)

۰۹۱۴ - ۳۱۰۹

ستو گیلیم عشق اولماسا
وارلیق بوتون افسانه دیر
عشقیدن محروم اولان
اینسالیغا بیگانه دیر

۰۹۱۴ - ۲۵۸۴

سیردلاشلام هنج زمان اونوتمایین کنجه نین
ان قارلیق اولدوغو زمان، سحرین اینشیغینا
یاخین اولان زاماندی

۰۹۱۹ - ۵۳۹۰

بو شهیر گرباد گولوم
گیر دادما مهتاب گولوم
قله بین بیر سوپو وار
سو دئییر کذاب گولوم

۰۹۳۳ - ۷۲۵۶

گوزل معلوماتلار یازیرسیز، اینشالله بوز امانتین
"ماقورولاری" طیبسیمی سیندیریب اوز
هویت لرینه قایتسینلار!
(جوواد/ اورمو)

۰۹۱۴ - ۳۹۰۴

یاز قلم یاز، بوکونول
پاسلی دمییر تک چورودو
توزلو طوفانه دوشوب
عشقیمی طوفان بورودو
بیر سینیق کشتی کیمین
هنی آخارام ساغ سولوما
ناخدا عشقیم اولوب
هر یتره سئودی سورودو

۰۹۳۹ - ۵۲۹۷

مستولین محترم استان؛ لطفقا به اقدامات
تفرقه افکنانه یک عضو شورای شهر اورمییه
ورود پیدا نکنیدا

۰۹۱۴ - ۵۲۶۸

چشیران اولسام سن داغیمسان
بولبول اولسام سن یاغیمسان
سونبول اولسام تور یاغیمسان
سیرین سولار سندن آخار
گوزل یوردوم آذربایجان

۰۹۳۹ - ۳۴۶۱

برای فروش بیشتر نشریه از تشرهای تورکی
استفاده کنید که باعث جلب توجه شود
آشنایی ما تورکیا با تاریخ و فرهنگ اجناد خود
باعث غرور مان می شود.

۰۹۳۶ - ۶۲۶۳

قوجالیشام جاوانلیغا آغلارام
کنچیب گندن نادانلیغا آغلارام
گندننیمرم دوستلار یما باش چکم
قدیم اولان قوناقلیغا آغلارام
چیراقلا گوندوز گزیب تایمادییم
تاپیلمایان اینسانلیغا آغلارام
چوبانلیغی هنج شاهلیغا وئر مه رم
دوستان دوشن اوزاقلیغا آغلارام
(محمد/ تهران)

۰۹۲۱ - ۱۹۲۲



سلام آغری، سنی چوخ سئویریم هاینله گوزل
گوزل سوزلریم، آذربایجان صداسی تبریزی
ده یادان چیخارتما -
(یوسف/ تبریز)

۰۹۱۴ - ۷۶۹۸

غریم یوخدو آرخام
قاتادیم یوخدو قانجام
چیخام اوچا داغلارا
وطنه ساری پاخام

۰۹۱۹ - ۲۲۵۹

منیم چوخ کسبیز و سوسوز قالدیم گونوم چوخ
اولوب، اما اومودسوز قالدیم گونوم هنج
اولمایبم -

۰۹۱۴ - ۰۶۱۹

سلام یورولمایین، اسکی تاریخیمزدن دها
چوخ یازین

۰۹۱۴ - ۲۵۷۵

ویقارلی ساوالان باشاسین
بوتون آذربایجان باشاسین
(آردیل دن)

۰۹۱۴ - ۳۹۱۸

گندین دینین خان چویانا
گلومه سین بو اویل موغانا
موغان باتیب ناحاق قانا
آپاردی سنلر سارانی
(لننار/ موغان)

۰۹۱۴ - ۱۳۳۵

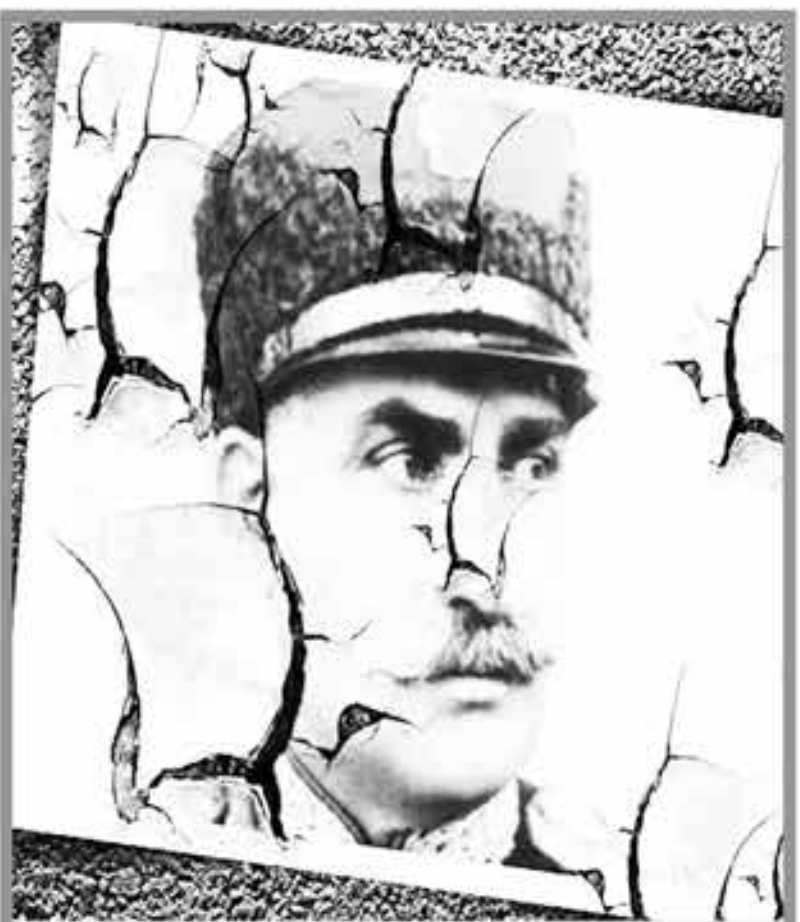
سلام، البیزره ساغلیق، آقای علی مصطفی زاده
و آقای غلامی فوشچی نین یازیلاریتدان تشکور
ائیرم
(حسین/ اورمو)

۰۹۱۴ - ۵۱۲۳

لوطفن حیدرخان عمو اولغول، اورمییه نین نامی
مشروطیت لیبرلریندن بیر تانتیم بیزلره
یازین
(آرز)

۰۹۳۷ - ۳۹۰۷

مقدمه:
به استناد منابع تاریخی می توان اثبات کرد که اولین حمله ها علیه زبان، هویت و فرهنگ مردم آذربایجان در دوران پهلوی شکل گرفتند. دلایل شکل گیری این سیاست برای تداوم حکومتی که رگه های نژادی و سیاست یکسان سازی آن برای اولین بار در تاریخ ایران شکل می گرفت کاملاً ضروری و اجتناب ناپذیر بوده است.
نحوه شکل گیری سلسله پهلوی و نبود پایگاه اجتماعی که برای کسب قدرت به پادشاه مشروعیت ببخشد نیاز به ایجاد ساختاری داشت که متکی بر نفی دیگران با تأکید بر عنصر نژادی مبتنی بر باستان گرایی باشد.
شیانگذار سلسله پهلوی (شاهنشاهی) یک فرد مصلح اجتماعی، یک مبارز، یک سیاستمدار، یک تدبیرمند و یک نخبه سیاسی - نبود پس با این اوصاف انتظار برای استقرار جمهوری به مانند آنچه که در همسایگی شمال غربی ایران یعنی ترکیه هم عصر او رخ داده و بیپایه و عیب می نماید دربار ملکه بریتانیا توانست برای اولین بار در ایران سلسله ای را سرنگون و شخصی را که حتی تولدندهبایی فردی برای اثبات به آنها نداشت (برخلاف پادشاهان قبل از خود) به عنوان پادشاه برگزیده ملت سوار کند.



متهم رذیف اول
رهبران سیاسی آذربایجانی

با تداوم حکومت پهلوی به موازات اعمال حداکثری سیاست های نژادی که سیاست خلق تاریخ بخش مهمی از آن بوده است قلب واقعیات و گمنام حقایق و مقصر پنداری قاجار بعد مهم دیگری از این ماجراست.
البته نمی توان این حقیقت را کتمان کرد که به نفع سیستم یکسان سازی متوجهانه همه آریایی پندارانه ایرانیان ورود پیدا کند.
این مرحله به طور حتم چالشی تر بود و باورپذیر کردن آن نیاز به تاریخ سازی و خلق تاریخ و باورهای جدید داشت. گام سلی این تفکر مبتنی بر نژاد گرایی انحصار گرایانه عمل می کرد و این موضوع را القا می نمود که آنچه که در تاریخ به اشتباه رخ داده این است که مردم آذربایجان نه به لحاظ نژادی ترک هستند و نه به لحاظ زبان شناختی ترکی صحبت می کنند.
در ادامه تاریخ سازی و جعل هویت وارد فاز تحقیر گرای می شود. زبان ترکی را محصول اشغال ایران توسط مغولان می دانند غافل از اینکه به لحاظ منطقی اگر مغولان نیت تحمیل زبانشان را داشتند زبان مردم آذربایجان می بایستی مغولی می شد. اتفاقی که هیچ رخ نداد و نمی توان هیچ استناد

به استناد منابع تاریخی می توان اثبات کرد که اولین حمله ها علیه زبان، هویت و فرهنگ مردم آذربایجان در دوران پهلوی شکل گرفتند. دلایل شکل گیری این سیاست برای تداوم حکومتی که رگه های نژادی و سیاست یکسان سازی آن برای اولین بار در تاریخ ایران شکل می گرفت کاملاً ضروری و اجتناب ناپذیر بوده است.
قضوئهای تاریخی در موضوع عهدنامه گلستان و ترکمانچای بدون اینکه اشاره ای به دلایل شکست ها و زمینه های تاریخی آن گردد، به مثابه سرپوش گذاشتن بر واکنش و سرزمینهایی است که در دوران پهلوی نه در جنگ با بیگانگان بلکه در تعامل با آنها برای همیشه از دست رفت. واگذاری منطقه راهبردی قره سو و آغری، بخشش مناطق نفت خیز خانیقین به عراق، بیلاقات زیبای قصبه فیروزه در ترکمن صحرا، دشت نامید و حق آبه های هیرمند در شرق کشور به انگلیس، اروند رود به عراق (که بعدها یکی از دلایل عمده جنگ ایران و عراق شد) و در نهایت بخشش بحرین، لکه های تنگینی است که کمتر در کتب تاریخی می توان از آنها رد پای یافت! شاید ترکان قاجاری می بایستی متهم رذیف اول بی کفایتی به نفع پهلوی ها در همیشه تاریخ لقب بگیرند! سیستم سیاه خلق تاریخ توسط پهلوی ها توانست برای چندین دهه پدر و پسر را از مظان اتهام بی کفایتی رهایی بخشد و پهلوی های بی کفایت را تبدیل به قهرمانانی کند که تمام پیشرفت و رشد جامعه محصول اقتدار آنان معرفی می شد!
جامعه امروزی تحت تأثیر جعلیات و تحریفات شدید تاریخی نمی داند که رشد و توسعه کشور در زمان قاجار آغاز شده بود!

منطقی و استدلال عقلی را با آن مرتب کرد. این جعل تاریخ و قلب حقایق، سنگ بنای تاخت و تاز و تعرض به هویت و داشته های چندین هزار ساله ترک های آذربایجان، مبنای عمل بعضی از خائقان تاریخ در ادوار بعدی شد. گرفتن هویت تاریخی مردم آذربایجان و اعطای هویت جدید ره آورد حکومت جدیدی (پهلوی) بود که بعد از حکومت قاجار توسط بیگانگان خلق شده بود.
البته پهلوی و عوامل آنها به همین موضوع بسنده نکردند و هزینه زا کردن ابراز هویت و کتمان آن با قوه قهریه نیز تداوم پیدا کرد. تغییر گسترده و غیر قابل باور نام مناطق جغرافیایی ترکی محدود به شهرها و روستاها نشد، رودخانه ها و کوهها و دشتها هم از این قتل عام فرهنگی در امان نماندند و مشمول لطف و عنایتی شدند که قبلاً مغولها با بزرگنمایی به آن متهم شده بودند! آثار باستانی و هویتی مربوط به دوران قبل از قاجار و حتی قاجار توسط عمال پهلوی در خلال وقایع آذر ماه سال ۱۳۲۵ تخریب گردید و ضربه دیگری بر پیکره و ساختار هویتی و فرهنگی و باورهای گذشته آذربایجان وارد شد.
نصب خشن ترین فرماندهان ارتش به عنوان استاندار آذربایجان در دوران پهلوی و شدت برخورد با مردم ضلع دیگر سیاستهای سرکوب هویتی در قالب یکسان سازی فرهنگی و زبانی بود.
شاید برده آخر این اقدامات پذیرش چندین ده هزار نفری از مهاجران منطقه شمال عراق در منطقه غرب آذربایجان در دوران پهلوی دوم است که کمتر به آن اشاره شده است.

دارالفنون بود، تحصیل رشته های مهندسی معدن، مهندسی شیمی در دارالفنون، وجود مدرسه عالی فلاحات تجارت و دانشسراها به عنوان بخشی از سیستم آموزش عالی در دوره قاجار وجود داشته است.
در مازندران، گیلان، آذربایجان، تهران و سیستان و فارس در زمان قاجارها راه آهن تأسیس شده بود که راه آهن میرجلوه - زاهدان، شهر ری به تهران، تبریز - جلفا - باکو بخشی از این حقایق تاریخی است.
وجود وزارت عدلیه و دادگاه و محاکم مدیون قاجارهاست جالب اینکه کسروی، مدرس و مصدق در وزارت عدلیه قبل از کودتای رضا خان بعنوان کلرمد حضور داشته اند.
احداث اولین کارخانه های نساجی، ابریشم بافی، چای سازی، باروت کوبی، گلوله ریزی، سنگار سازی، کارخانه قند، کاغذسازی، اسلحه سازی، چاپخانه چینی سازی، شمع ریزی، اولین روزنامه، پست خانه، بانک تلگراف خانه و... در زمان قاجارها انجام گرفته است.
کمتر گفته شده است که اولین بار به دستور آغامحمدخان قاجار کتیب حرم امام حسین (ع) مطلا شده است. مظفرالدین شاه، محمد علی شاه و احمدشاه در حرم امام سوم مدفون شده اند. همه اینها را هیچ گاه ندانستیم که قبل از پهلویها وجود داشته اند. مجموع برآیند ملت قلمداد کرد این لسان های بزرگ لایق بزرگداشت و نیکو داشتن های درخور شایسته می باشند و هر قدر قدمت و کیفیت خدمات و اثرات آنها بیشتر و بهتر باشد و زمان و مکان این خدمات با تنگ ها و تنگ نظری ها و گاه با دشواری ها توأم باشد، جایگاه این افراد رفیع تر می باشد.

بدون شک در اعتلای فرهنگ و مدنیت هر ملت و هر سرزمین، فرزندان، نویسندگان، شاعران و اندیشمندان آن ملت و سرزمین نقش مهمی دارند و می توان آنها را رکن رکن و حارثان حدود و سفور مرزهای هویتی یک ملت قلمداد کرد. این لسان های بزرگ لایق بزرگداشت و نیکو داشتن های درخور شایسته می باشند و هر قدر قدمت و کیفیت خدمات و اثرات آنها بیشتر و بهتر باشد و زمان و مکان این خدمات با تنگ ها و تنگ نظری ها و گاه با دشواری ها توأم باشد، جایگاه این افراد رفیع تر می باشد.
قطع و یقین کاروان و قافله تمدنی هر ملت با ظهور، رشد، نمو و فداکاری فرزندان صدیق و دلسوزان واقعی خود یک رابطه معنی داری دارد. در تاریخ ملت ها، می توان مثال ها و نمونه های بارزی از این عناصر مومن و تاثیرگذار را مثال زد.
در میان مردم آذربایجان و سرزمین باستانی این دیار می توان به افراد زیادی اشاره کرد که با قلم و اندیشه در رشد و شکوفایی این خطه ایفای نقش نموده اند و بار سنگینی از رسالت فرهنگی آذربایجان را به دوش کشیده اند.

بدون شک در اعتلای فرهنگ و مدنیت هر ملت و هر سرزمین، فرزندان، نویسندگان، شاعران و اندیشمندان آن ملت و سرزمین نقش مهمی دارند و می توان آنها را رکن رکن و حارثان حدود و سفور مرزهای هویتی یک ملت قلمداد کرد. این لسان های بزرگ لایق بزرگداشت و نیکو داشتن های درخور شایسته می باشند و هر قدر قدمت و کیفیت خدمات و اثرات آنها بیشتر و بهتر باشد و زمان و مکان این خدمات با تنگ ها و تنگ نظری ها و گاه با دشواری ها توأم باشد، جایگاه این افراد رفیع تر می باشد.
قطع و یقین کاروان و قافله تمدنی هر ملت با ظهور، رشد، نمو و فداکاری فرزندان صدیق و دلسوزان واقعی خود یک رابطه معنی داری دارد. در تاریخ ملت ها، می توان مثال ها و نمونه های بارزی از این عناصر مومن و تاثیرگذار را مثال زد.
در میان مردم آذربایجان و سرزمین باستانی این دیار می توان به افراد زیادی اشاره کرد که با قلم و اندیشه در رشد و شکوفایی این خطه ایفای نقش نموده اند و بار سنگینی از رسالت فرهنگی آذربایجان را به دوش کشیده اند.

برای همیشه از دست رفت. واگذاری منطقه راهبردی قره سو و آغری، بخشش مناطق نفت خیز خانیقین به عراق، بیلاقات زیبای قصبه فیروزه در ترکمن صحرا، دشت نامید و حق آبه های هیرمند در شرق کشور به انگلیس، اروند رود به عراق (که بعدها یکی از دلایل عمده جنگ ایران و عراق شد) و در نهایت بخشش بحرین، لکه های تنگینی است که کمتر در کتب تاریخی می توان از آنها رد پای یافت! شاید ترکان قاجاری می بایستی متهم رذیف اول بی کفایتی به نفع پهلوی ها در همیشه تاریخ لقب بگیرند!
سیستم سیاه خلق تاریخ توسط پهلوی ها توانست برای چندین دهه پدر و پسر را از مظان اتهام بی کفایتی رهایی بخشد و پهلوی های بی کفایت را تبدیل به قهرمانانی کند که تمام پیشرفت و رشد جامعه محصول اقتدار آنان معرفی می شد!
جامعه امروزی تحت تأثیر جعلیات و تحریفات شدید تاریخی نمی داند که رشد و توسعه کشور در زمان قاجار آغاز شده بود!



استاد علی خلخالی؛
ستاره تابناک آسمان ادب و فرهنگ آذربایجان

عدالتخواهانه و حق جوینانه از حدود سفور مرزهای فرهنگی و هویتی سرزمین و فرهنگ دیارشان غافل نمانده است.
این بزرگوار سالها بواسطه آزاداندیشی و دوست داشتن وطن و علاقه به سرزمین آذربایجان نادرترین نقاط کشور یعنی به شهر ایرانشهر تبعید شد و مدتی را هم در کنار مقام معظم رهبری به مبارزه با رژیم ستم شاهی ادامه داد اما هرگز اراده فولادین استاد علی خلخالی در مقابل دستگاه جهانی ساواک سست نگردید.
استاد خلخالی در عین حالی که از ادات خاصی به دکتر محمد مصدق داشت و بعنوان یک مبارز سیاسی در نشریه باختر امروز که مدیر مسئولی آنرا زنده یاد دکتر حسین فاطمی - وزیر خارجه دکتر مصدق - به عهده داشت، قلم فرسایی می کرد اما هرگز مسائل و مشکلات و شرایط آذربایجان را فراموش نکرد.
مقالات متعدد او در نشریات مختلفی چون دنیا، شورش، نیروی سوم، باختر امروز و... در سالهای قبل از انقلاب و مطالب ارزشمندش در نوبد آذربایجان، ارمغان آذربایجان و حضور مداومش در دفتر نشریه آغری و حمایت معنوی

استاد علی خلخالی سولدوزی بواسطه سالها مجاهدت و قلم فرسایی در دفاع از هویت، فرهنگ، تاریخ و زبان سرزمین آذربایجان و آزاداندیشی، نستوهی و نهراسیدن از سختی ها قطع و یقین یک چهره ماندگار، شاخص و تاثیرگذار است.
انسانی شایسته از ایل قره باپاق که از ۱۸ سالگی بواسطه روح آزاد اندیشی و دلبستگی به عدالت و حق طلبی رو در روی رژیم ضد آذربایجانی پهلوی قرار گرفت و از زندان، تهدید و تبعید سلسله انگلیسی ساز پهلوی قدم هایش نلرزید، چون با خدا و خلق آذربایجان پیمان بسته بود تا سرحد فدا شدن از خصمی که ناجوانمردانه آزادی و هویت سرزمینش را هدف قرار داده بود کینه مقدس به دل داشته باشد.
حضور پربرار در مجامع فرهنگی و مراکز ادبی، سمینارها و نشست و برخاست با بزرگان ادبی آذربایجان به استاد علی خلخالی خلخالی محبوبیت روزافزونی داده است بطوریکه می توان او را هم به عنوان روزنامه نگار، هم نویسنده، هم خطیب، هم مبارز سیاسی، هم فعال فرهنگی و هم پیشکسوت کم نظیر ستود و در مقابل بزرگی و سالها تلاش و کوشش بی منتش سرا را خم کرد.

بروفسور ذهنی، صد بهرنگی، بهزاد بهزادی، غلامحسین ساعدی، دکتر هیبت حبیب ماهر، استاد شهریار، ناظر شرفخانه ای، بروفسور صدیق، رحیم رئیس نیا، صد سرداری نیا، محمدعلی فرزانه، میرهدایت حصاری، دکتر محمدرضا کریمی و بسیاری از مفخر و مشاهیر دیگر از آن جمله اند.
اما در این میان استاد علی خلخالی سولدوزی بواسطه سالها مجاهدت و قلم فرسایی در دفاع از هویت، فرهنگ، تاریخ و زبان سرزمین آذربایجان و آزاداندیشی، نستوهی و نهراسیدن از سختی ها قطع و یقین یک چهره ماندگار، شاخص و تاثیرگذار است.
انسانی شایسته از ایل قره باپاق که از ۱۸ سالگی بواسطه روح آزاد اندیشی و دلبستگی به عدالت و حق طلبی رو در روی رژیم ضد آذربایجانی پهلوی قرار گرفت و از سال ۱۳۳۰ در کنار پیشوای آزادی دکتر مصدق به جرگه نویسندگان زمان پیوست و لحظه ای از توب و نشر و تشکیلات اهریمی رژیم شویبستی محمدرضاخلی هراسناک نشد و از زندان، تهدید و تبعید سلسله انگلیسی ساز پهلوی قدم هایش نلرزید، چون با خدا و خلق آذربایجان پیمان بسته بود تا سرحد فدا شدن از خصمی که ناجوانمردانه آزادی و هویت سرزمینش را هدف قرار داده بود کینه مقدس به دل داشته باشد.
به جرات می توان گفت استاد علی خلخالی در طول عمر ۸۵ ساله پرپرکتش با قلم و قدم و سخنانشین لحظه ای از آرمهای گذشته و تفاخر به آنان طی کرد.

جهانشاه حقیقی، سلفی تولد هنرمندی زبردست و شاعری عارف پیشه بود که در تاریکترین دوران تاریخ ایران، هویت ملی ترکان را استحکام بخشید و با حکومت ۲۵ ساله ی خود ایران را مرکز توجه جهانیان ساخت. نوشتارها در باب زندگی و آثار این سلطان شاعر متفاوت و گاه متناقض است.

از محل تولد وی تا ماهیت مذهب - ستی یا شیعه بودنش، شاعری مولد یا مقلد بودنش، سلطان عادل یا ستمگر بودنش مورد وفاق مورخان، تذکره نویسان و پژوهندگان تاریخ نوده است.

برخی او را مولد در شهر ماردین - در آناتولی دانسته اند و بسیاری دیگر نیز او را زاده ی روستایی در نزدیکی شهر خوی شمرده اند. شاید تعداد هر دو طرف نیز به یکسان باشد و امروز تعیین اینکه کدام راست گفته است سخت باشد. اما از علاقه ی خود جهانشاه به خوی و اینکه در بیشتر ناستانها در خوی به سر می برده است، شاید بتوان این علاقه را علاوه به زادگاه تلقی کرد. در هر صورت برخی از مورخین مانند طهرانی، بوداق منشی قزوینی، واله اصفهانی، سخاوی و دیگران محل تولد او را خوی دانسته اند و از پژوهندگان معاصمی دکتر علی قافزایی در کتاب شش جلدی "ایران تورک ادیبائی اثنائوزیسی" با صراحت جهانشاه را مولد خوی شناخته است.

اما در مقابل عفار قزوینی، نویدی و کتابهایی چون قیزیلباشلاز و صحائف الاخبار با روایتی از تولد این سلطان در مدرسه ای از توابع ماردین گزارش داده اند و در میان معاصران فاروق سومر تورکولوگ ترک بر این نظر تأکید دارند.

درباره ی شاعری او می توان گفت که وی در حیات خود نسخه های فراوان از دیوانش را نگار کرده و به شاعران عالمان و سلاطین و فرمانروایان مختلف فرستاده و نظرات آنان را جویا شده است. از جمله ی شخصیتهای برجسته ی زمان، عبدالرحمن جامی شاعر بزرگ فارسی گوی است که وی نیز با نامه ای منظوم و نه تفصیل نظرات تأییدی خود را بیان داشته و جهانشاه را "پادشاه دانش ماب و عارفان پناه" نامیده و با القابی چون "سلطان العارفین" "گفتارالسلامین" مورد خطاب قرار داده است.

در مورد عادل بودن یا ستمگری وی نیز نظرات متضادی را شاهدیم. برخی او را عادل، سلفی مردمی و متدین دانسته اند و برخی دیگر او را بد سیرت، ستمگر، خوشگذران و کافر نامیده اند. البته گردآوری و بررسی تمامی این نظرات و نتیجه گرفتن از آنها، در یک مقاله به نتیجه نمی رسد زیرا همین نظرات مسوق به سابقه ی عقیدتی و اندیشه ها و پیششاهی نویسندهگان آن دارد که بررسی آن را به فرصتی دیگر ولیم گذاریم. اشاره باید کرد آثار باقی مانده از این سلطان در همه ی زمینه ها - شعر و ادبیات، معماری و دیگر هنرهای منسوب بندو، مورد توجه بسیاری از مورخان، سیاحان و پژوهشگران بوده و درباره ی آنها بسیاری سخن رانده اند و شاید بتوان گفت بیشترین نوشته ها درباره ی او را بسیار فراتر از آن چیزی است که در مورد سلاطین و یا شاعران

دیگر به رشته ی تحریر کشیده شده است. خلاصه می کنیم: جهانشاه با تشکیل دولت خود و سلسله ی قره قویونلو موفق شده بر بخش بزرگی از خاورمیانه (شامل همه ایران)، قفقاز و آسیای صغیر حکم براند نظرات دو محقق بزرگ پروفسور میونسکی شرق شناس روس و فاروق سومر تاریخ شناس ترک، در این باب ارزشمند است.

منظرالادین جهانشاه حقیقی در سال ۱۳۹۷ در روستایی کوچک در نزدیکی شهر خوی آذربایجان به دنیا آمد و در سال ۱۳۶۷ در جنگ با آوزون حسن خان آغ قویونلو به قتل رسید. مورخینی چون حسن بیگ روملو - احسن التواریخ، لوبیکر تهرانی - کتاب دیاریکریه، عبدالرزاق سمرقندی و... او را که یکی از برجسته ترین حکمرانان عصر خود بود به عنوان حکمداری مقتدر، شجاع، توانا، قابل و همچنین انسانی دانش آموخته و عادل توصیف کرده اند.

شخصیت فرهنگی جهانشاه قاراقویونلو

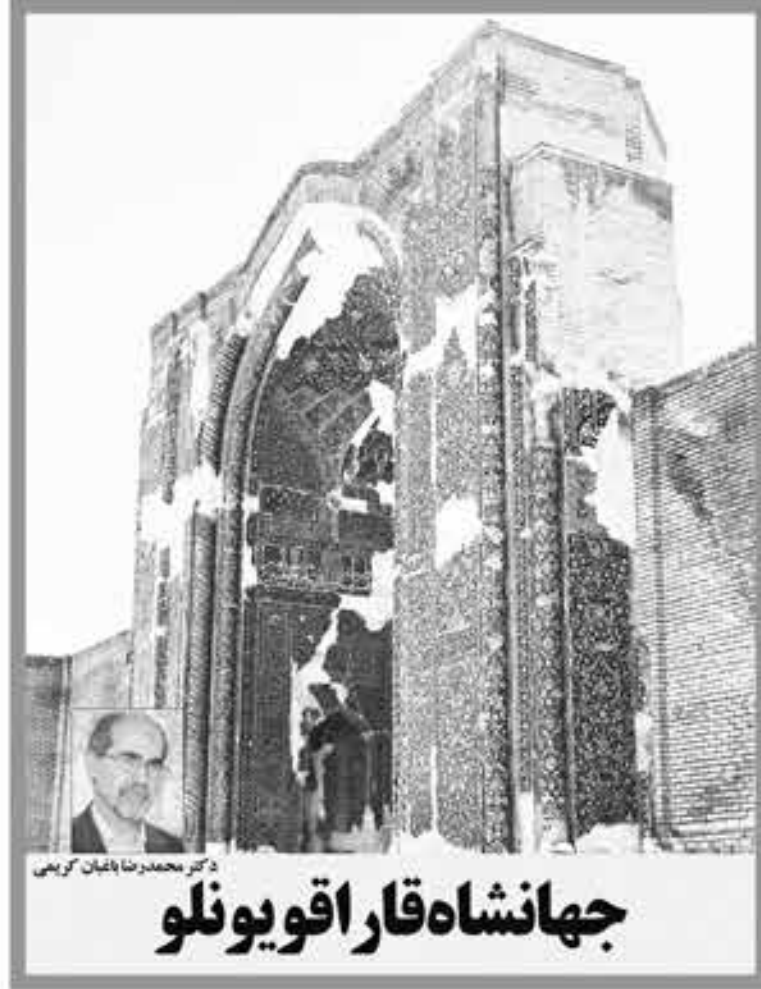
جهانشاه به اهل علم و دانش و ادب توجهی خاص داشت. دولت قاراقویونلو در عهد جهانشاه به لحاظ آنکه حاکمیت او از سوی شاهنشاهی سلطان امپراتوری تیموریان به رسمیت شناخته شده بود، از استقرار و آرامش نسبی برخوردار بود. در همین دوره استقرار و آرامش بود که جهانشاه توانست با داشتن گرایش های هنردوستانه و علمپرورانه ی خود، شهرتی فرهنگی برای دولت قاراقویونلو فراهم آورد. جهانشاه مردی فاضل، دارای تربیت علمی و فرهنگی بسیار بالا، هنردوست، زیباپسند، دوستدار علم، فرهنگ و مدنیت بود. او یکی از فرهیخته ترین و معارف پرورترین حکمرانان عصر خود و تاریخ آذربایجان بوده است. جهانشاه از دوران نوجوانی در جنگ ها و اداره دولت همراه پسرش قاریوسف اشتراک داشته و تجربه اندوخته است. او علاوه بر تربیت نظامی و دولت داری، از تحصیلات مناسبی نیز برخوردار بود. وی از بسیاری از علمای معاصر خود مانند معین الدین قاضی زاده غیاث الدین جمشید، صدرالدین دولی، صدرالدین شیرازی و خواجه زاده تلمذ کرده است.

جهانشاه به دانشمندان و فلاسفه احترام بسیار قائل و آنها را در چتر حمایت خود گرفته بود. کتابخانه ی جهانشاه از کتابخانه های نامی قرن نهم بود و کتابهایی که نویسندگان و هنرمندان برای کتابخانه او به وجود آورده اند از شاهکارهای نفیس آذربایجانی است.

شاعر و عالم مشهور جلال الدین دورانی، قبل از عزیمت به سرزمین آق قویونلوها نزد جهانشاه اقامت و در مدارس تبریز تدریس کرده و رساله حروف خود را به نام سلطان جهانشاه تألیف نموده است.

شیخ شجاع الدین ابن کمال الدین نیز کتابهای حدیقه المعارف و شرح گشن راز خود را به جهانشاه اتحاف نموده است. جهانشاه به شعرا احترام فوق العاده ای نشان داده و در حمایت از آنها فعالانه در مجالس ادبی شرکت می کرده است.

میرزا جهانشاه قبل از پادشاهی و هنگامی که امارت شیراز را بر عهده گرفته بود، به آنجا رفته و آسایش و امنیت شهر را تأمین نمود. او در شیراز نیز احترام بسیار به شعرا و فرهیگان نشان داده و پانجاه هزار تنگه (از واحدهای پول دولتهای تورک) طلائی را که



دکتر محمد رضا بابیان کریمی

جهانشاه قاراقویونلو

از شاهراخ گرفته بود، میان شعرای شهر تقسیم کرده است. بعدها فرزند او یوسف میرزا که از طرف جهانشاه به حاکمیت شیراز تعیین شده بود، روش پدر را ادامه داده است. او نیز به اکرام شعرا و فرهیگان مقید بوده است. جهانشاه در بازگاه و پیرامونش شعرای قابل و خوش ذوق را جمع کرده بود و خود نیز شعر ترکی و فارسی می گفت و حقیقی تخلص می کرد.

دوره جهانشاه: دوره ممتاز هنر معماری

فعالیت های عمرانی در دوره قاراقویونلوها بسیار چشمگیر بوده است. حکمرانان قاراقویونلو در بسیاری از شهرها و مخصوصا در تبریز پایتخت دولت قاراقویونلو مساجد، مدرسه ها، بیمارستانها و پلها ساخته اند. به ویژه جهانشاه که به جنبه های هنری معماری و شهرسازی علاقه مند بود، در راه عمران و آبادی شهرها فعالیت بسیاری کرده و به امر احداث و ایجاد مراکز و مجتمع های علمی، فرهنگی، تجارته، صنعتی و هنری اهتمام جدی داشته است.

وی مدارس و مساجدی را ساخته که از بزرگترین مدارس و مساجد عصر خود بوده اند. از جمله مجتمع محتشم مظفریه - مسجد کبود یا همان گوی میچید" که به عنوان فیروزه ی اسلام معروف است - تبریز که در زمان خود مرکز علم و ادبیات بوده است. در دوره ۳۲ ساله حاکمیت وی شهرهای بزرگ آذربایجان مانند نخچوان، گنجه و تبریز، به لحاظ شهرسازی، عمران و

تمام سطح سقف این مسجد زنگار (تقلای) با

اب طلا است و کف شبستانهای باشکوه آن به احتمال قوی مرمرین بوده است. جهانشاه آرامگاه خانوادگی خود را در بخش جنوبی مسجد در انتهای شبستان کوچک در داخل سرداب قرار داده است که از نظر یافت ساختمانی و معماری بیوندی ناگستنی با مسجد دارد. بنای اصلی ساختمان مسجد، دارای صحن وسیعی است که در آن آثاری از مجموعه های از بناهای مدرسه، حمام، خانقاه و کتابخانه ساخته شده است.

پس از لشغال شهر تبریز توسط سلطان سلیم اول پادشاه عثمانی، در جنگ با شاه اسماعیل صفوی، گوی مجید در اختیار ترکان عثمانی قرار گرفت. پس از این ماجرا در سال ۱۵۱۳، قالیهای گوی مسجد به رسم غنیمت به استانبول برده شدند و دو قطعه از این فرشها توسط سلطان سلیم اول به مسجد قاضی حسین پاشا در تاشلیجا واقع در هرزگون اهدا گردید.

عده ای نیز معتقدند فرشهای موجود در مسجد قاضی پاشا در جمهوری بوسنی هرزگوین توسط صالحه خاتمه دختر جهانشاه قره قویونلو به مناسبت افتتاح و بهره برداری از مسجد در سال ۸۲۳ شمسی به این مکان اهدا شده بودند.

جهانشاه شاعر

جهانشاه حقیقی از شاعران ترکی و فارسی سرای آذربایجان است. و میونسکی جهانشاه را رومی نائی لقب داده است. او مانند قاضی احمد برهان الدین، سلطان حسین باقرآباد سلطان احمد جلایری، هدایت الله آق قویونلو، شاه اسماعیل ختایی و... از دولتمردان شاعر آذربایجان می باشد.

اما برخلاف سیمای سپاسی و تاریخی اش، وجه ادبی و حیات فرهنگی وی یعنی شاعر بودنش چندان شناخته شده نیست. تا اواخر قرن بیستم درباره ی خلافت ادبی جهانشاه قاراقویونلو لیهامانی وجود داشت.

در سال ۱۹۲۲ و میونسکی برای نخستین بار با تکیارش مقاله و آوردن ۴ غزل فارسی و ۱۱ رباعی ترکی به ترجمه انگلیسی آنها، جهانشاه را به جهان معرفی کرد.

جهانشاه دارای غزلیات و آثاری به زبانهای ترکی و فارسی است و از آیات عربی ای که جهانشاه در اشعار خود به کار برده معلوم می شود که وی بر زبان عربی نیز مسلط بوده است.

جهانشاه قاراقویونلو با تخلص حقیقی دارای جایگاهی بسیار ممتاز در تاریخ ادبیات آذربایجان می باشد. او یکی از بهترین و عالیترین نمونه های ادبیات ترکی و شعر کلاسیک آذربایجان را آورده است.

او، یکی از اعظم ادیبان ترکی آذربایجانی و در ردیف شعرانی چون نسیمی، فضولی، ختایی و حبیبی است. در شعر ترکی می توان او را حلقه ی واسط بین نسیمی - مولوی و شاه اسماعیل ختایی - فضولی به شمر آورد. دیوان او آینه ی تمام نمای تاریخ توسعه ی زبان ترکی در قرون وسطی است.

پارای مقابله با آنها را نخواهی داشت، اما مسلمان باهلی با اینکه برای پیروزی خود مردد بود ولی مجبور به جنگ بود. مسلمان فارسی به باهلی پیشنهاد می کند الان فصل پاییز است و هوا رو به سرما و یخبندان می رود و در این مناطق برهه های سنگینی می بارد و تردد را کامل مختل می کند. بیا ما برگردیم و از راه کمدندان (قم امروز) به ری برویم که بزرگترین شهر است و مردم آنجاها مطیع ما هستند و سی هزار نفر هم از آن مناطق تیرو گرد آورده با قشون شصت هزار نفری بر مهرداد بزنیم، ولید هم تا به امروز دوام آورده است و این چند مدت را نیز خود را حفظ می کند.

مسلمان فارسی می گوید: باهلی دید مقابله با مهرداد سخت و ناممکن خواهد بود پیشنهاد مرا قبول کرد. ما با قشون خود به ری برگشتیم و سه ماه در آن مناطق برای یاری قوای اسلام نیرو جمع کردیم اما تا آماده حرکت شدیم فصل زمستان سر رسید. عده ای به مسلمان باهلی گفتند در این فصل سرما نمی توان به سمت آذربایجان رفت و به زودی برهه های سنگینی خواهد بارید و عبور قافله قطع خواهد شد و ممکن است همه قشون حتی از سرما تلف شود. اما مسلمان حساب کاری را می کرد که آنها نمی دانستند.

همراه قشون تا نزدیکی دریاچه چیچست رسیدیم. تحقیق کردیم که فرماندهی شورشیان را فردی به نام مهرداد و برادرش اسفندیار از سیلان کوه بر عهده دارند. مسلمان باهلی پیغامی به آنها فرستاد و گفت ما عزم داریم ولید را از محاصره برهائیم. اما مهرداد با قسمتی از قشون خود به مقابله ما آمد و راه را بر ما بست و به مسلمان باهلی پیغام فرستاد من نمی توانم قبول کنم که یک عرب ستمگر بر ما حکومت کند و تو هم از راهی که آمده ای برگرد و قشون خود را از آذربایجان بیرون ببر و گرنه کشته خواهی شد.

مسلمان باهلی در جواب مهرداد می گوید: من برای نجات ولید اینجا آمده ام و تا او را نجات ندهم برنخواهم گشت. در این لحظه مسلمان فارسی می گوید: من به مسلمان باهلی گفتم تو

در زبان شعرای او کلمات ناب و اسبیل ترکی وجود دارد.

در اشعار فارسی اش تأثیر مولانا جلال الدین رومی و در اشعار ترکی اش، تأثیر بارز نسیمی دیده می شود. در اشعار حقیقی کمتر شعری می توان پیدا نمود که مشابه آن در دیوان نسیمی موجود نباشد.

جهانشاه خود فیلسوفی حرفوی است و در اشعار ترکی اش کلاما به عنوان ادامه دهنده مکتب نسیمی جلوه گر می شود. بین اشعار نسیمی و حقیقی کلمات، ترکیب ها، افکار و ایفاهای انقدر به یکدیگر نزدیک هستند که جدا ساختن آنها سخت است.

او شاعری است دلپاکسته ی دنیای عشق و دلدادگی، که عطر خوش عاشقی در تمام آیات او پراکنده است. عشقی که برخاسته از لطف الهی است و عشق حقیقی در آن نهفته است.

از بزه درد ایمیش عم عشقین که عاشقه نه فکر دوتیا فویبدو و نه فکر دین و خواب اندیشه های اومانیستی در سرتاسر دیوان او ترنم می شود.

دوشدو جهله فتنه و آشوب و غلغله تا سوسبولون کؤنوردو جمالیندن اول قمر آشفته زلف و خال و رخی، چشم و غمزه سی قیلدی منی عتاب ایله ائوزومدن بی خبر

این آندیشه ها، بی شباهت به افکار خروفیایان و عمالدین نسیمی نیست.

قدین کیمی ستوده صنوبر نه پترده وار عنبر فشان ساچین کیمی عنبر نه پترده وار؟ خط رخون که ایبه سیع المئان ایمیش بو حسن ایله خطوط معنبر نه پترده وار؟ حتی با صراحت تمام از فضل اله نسیمی تبریزی نام می برد:

ففضل اله دن ایکی عالمده شاه ایمیش اول اهل دل کی یار ایله عمرونی صرف ائدر وئردی حقیقی جانینی یارین وصالینه ترک علائق ائتدی و کویبنده قویبدو سر عاشقه هاشا لیریز از زیبایی های شعر حروفیه است.

عشق جئان هر کیمین جیفینا کییم تاثیر ائدر جانینی جالاقنا قوربان قیلماسا تقصیر ائدر هر مفسر کییم اونون وجهینده گؤرود ایتین هم سجود ائیلر اونا، هم عالمه تفسیر ائدر او سطلای است که شعروش را بر تاجش ترجیح می دهد.

خاک درینده باشینی کییم که سالور ایاقینیه تاج ایله نخت خسروه، مولک جهله طعن ائدر برستی که او جنت حقیقی را در دنیای پر از جنگ و کشتار ترجیح می دهد: جنت وصلیندن آیری ای دلاراسیم منیم آشنا حالین نه بلسین غافل و بیگانه لر؟ چون بوویرن کولتومون معماری عشقیندر بر شها زان سبب معمور عشق اولدی دل ویرنه لر

اما خود قربانی همین حوادث جهان شد و رخ در تقاب کشید امید اینکه نامش را ما گرامی داریم.

نیروهای مسلمان با مشکل خاصی روبرو نمی شوند. تا مهرداد متوجه موضوع شود، مسلمان باهلی به اورمیه می رسد و بی درنگ به نیروهای محاصره کننده شهر بورش می برد. مهرداد با اندک نیروی موجود خود به مقابله بر می خیزد اما توان مقابله نمی یابد و خود را از میدان جنگ می رهاشد.

نیروی زیادی از قوای مهرداد در این تیرد نابرابر کشته می شوند و مسلمان باهلی ولید را از محاصره می رهاشد. مسلمان فارسی می گوید: ولید و سربازنش با آخرین رمق خود جنگ را ادامه می دادند و بیشتر مردم داخل قلعه به علت کمبود غذا تلف شده و از بین رفته بودند و یا در حال مرگ بودند و جز پوست و استخوان چیزی نداشتند. ولید پس از نجات با چند تن از سرن قشونش راهی مدینه می شود. بعد این واقعه برف سنگینی می بارد و مانند مسلمان باهلی را در اورمیه اجبار می نماید تا عثمان برای برگشت وی دستوری صادر نماید. (تقل از مسلمان فارسی)

گر این موضوع دقیق بررسی شود، سال های ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲ - ش اوج عصیان های ضد ستمگری در آذربایجان بوده است؛ که ادامه این عصیان ها از سال ۱۸۶ - ش توسط جاویدان در کوههای بد رهبری می شود تا به قیام بابک خرمین منتج می شود و از سال ۱۹۵ - ش عصیان خرمی ها تحت رهبری بابک علیه بی عدالتی ها در آذربایجان هدایت می شود.

منابع:

۱- عیاشه بعد از پیامبر / ترجمه ذبیح الله منصور، ۱۳۶۷ / ص ۴۴
 ۲- بلاذری / ۱۲۷۷ / ص ۹۴
 ۳- محمد بنی احمد / ۱۳۳۵ / ص ۹۴
 ۴- تاریخ طبری / جلد پنجم / صص ۵۱، ۵۲، ۳۶۵، ۳۶۶
 ۵- تاریخ اورمیه / احمد کاتبیورا / ۱۳۴۲ / صفحه ۱۳۴
 ۶- تاریخ خوی / مهدی افغانی / ۱۳۵۰ / ص ۱۳
 ۷- روزنامه تقویم تاریخ آذربایجان / اسفندیار حاجیلو / چاپ دوم / ۱۳۹۴ / صص ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴
 ۸- تاریخ طبری / جلد پنجم / صص ۲۸۰، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۲۲، ۳۲۵

قیامهای ضد استبدادی در آذربایجان



اسفندیار حاجیلو

این مناطق را نمی شناخت، مسلمان فارسی را که ایرانی بود و مناطق را خوب می شناخت به همراه باهلی به عنوان بلدچی می فرستد تا قشون وی را تا اورمیه راهنمایی کند. مسلمان فارسی که آن موقع مسئول ساخت مسجد پیامبر بود به حکم خلیفه لیبیک گفته و قشون باهلی را از سمت شام به سمت آذربایجان اورمیه هدایت می کند. مسلمان فارسی خود موضوع را چنین تعریف می کند: هوقتی ما وارد آذربایجان شدیم فهمیدیم ولید دروغ گفته است مردم نه برای خروج از دین اسلام بلکه به خاطر ستمگری و ظلم و ممالیتهای سنگین ولید علیه وی شورش نموده اند. هرج و مرج تمامی نقاط شمال آذربایجان را فرا گرفته بود. چیچست (اورمیه) در محاصره بود و خندق و باروهای بلندی دور شهر ایجاد شده بود. ما به

هزار تن جنگجو از کوفه به آذربایجان فرستاده می شد و هر چهار سال نیز نیروها عوض می شدند» (تاریخ طبری / جلد پنجم / چاپ فرهنگ اصص ۵۲-۵۱-۳۶۵-۳۶۶)

فتح اورمیه به دست اعراب

"بلاذری مستوفی" مورخ عرب (۱۷۹ ه ق) در کتاب معروف خود "مفتوح البلدان" در خصوص فتح اورمیه به دست سردار عرب به نام صدقه ابن دینار می نویسد: "شهر اورمیه که گمان می برند زرتشت از آنجا برخاسته است، صدقه ابن دینار با مردم آنجا جنگید و به آنها غلبه نمود و وارد شهر شده با برادرش در آن شهر قصرها ساختند".

از این تفصیل چنین بر می آید که در نزدیکی شهر اورمیه به سمت شرق در سه کیلومتر شهر صدقه با لشکر خود اردو می زنند. امروزه همانجا روستایی هست به نام صدقه که به نام همان سردار عرب باقی مانده است. از این محل قوای صدقه به شهر حمله می کند و کشتار مهیبی اتفاق افتاده و از هر دو طرف قوای زیادی کشته می شوند.

مهاجمین کشته های خود را در بیرون قلعه شهر و مردم داخل قلعه کشته شدگان خود را در قبرستان آغناش و قبرستان قوچ که امروزه به نام منطقه خزان معروف است، دفن می نمایند.

قیام آذربایجان

در زمان حکومت ولید ابن عقبه بر اورمیه وی بی نهایت به مردم ستم می کرد و گذشته از مالیتهای سنگین، به پهلای های مختلف جریمه های سنگینی نیز به مردم می بست و از آنها باج می گرفت تا اینکه مردم از ستمگری ولید به ستوه آمده و بر وی شوریدند. در این میان فردی از فرزندان قهرمان آذربایجان به نام مهرداد به پا خاسته و مردم را دور خود گرد آورده و شهر را به محاصره می گیرد. اما ولید به دروغ به خلیفه می نویسد مردم آذربایجان خروج کرده اند و می خواهند به دین قبلی خود برگردند و او قاطر به مهار طعنان مردم نیست و از خلیفه نیروی کمکی می کند. عثمان در جواب درخواست ولید سی هزار قشون جرز آماده نموده به فرماندهی مسلمان ربیع باهلی به اورمیه اعزام می کند ولی از آنجایی که مسلمان باهلی

طالعی ایله باریشماياندان قورخ
اوز ديلي ایله دانیشماياندان قورخ

رحمتلی پروفیسور میر حمید نطقی تورک دونیاسینین بیرینجی درجه لی دیلچی لریندن هابئله تورکولوق لاریندان ایدی. او؛ گونش ایلی ۱۲۹۹ ونجو ایله اذربایجانین خلف و غیرتالی اولغو شیخ محمد خیابانی نین اولوم و یا خود شهید اولدوغو گون تاریخ بویلو تبریزده انادان اولموشدور. او داهی هله دیری کن بیر شعرینده دوغوم گونونه بنله اشاره اندیردی.

شیخ محمد

سنین له بیر کتابخاندا گوروشدوک
گوز باشلاریندا نالیشدیق
واهیکی میزده
بیر گوزه لله ستوبشدیک
سنین گوزلرین بومولاندا
من گوزلریمی اچدیم
یتیم بوراخدیغین دونیاسین
اغیر هاولسی ایله
یستمه ین یاسی ایله
یو بودوم
گونلریمه گنجه لر حکم اتندی
موسیم لر عینی خزان حزن ایله
باشلایب ییتدی
لاکین گنجه لریمی خیالین لا دولدوردون
گوزومده نور
دیزیمده گوج
و اوره بیمده غرور اولدون
اما گوزله دییین ساعات نیچون چالمادی
نیچون اگدییین اغاخ قول - بوناق سالمادی
پارالار ساقالمادی؟
و ساغلاماز منیم ده قانایان یارام
داغ باشلارینی دومان اذیقجا
پایتیلاریم سینمه ده م قالدیقجا
منه اولوب دتر ای اولو کولکه
گول لری سوورون یئله نه دنییم
سنی ایشیرن اتله نه دنییم؟

پروفیسور نطقی عومور بویو اذربایجانین دیل و مدنیتینین انکشافیندا چاتقان مابا قوموش و دونیا تورکولولاری ایچره ادی همیشه سلام - صلواتلار یاد اولماقدادیر.

اود زامانی ایله تاریخیمیزی ترسینه عکس اندلردن اولمامیش و بونلارلا منطقی اولراق مبارزه ابارمیشدیر. اوستاد نطقی یاختی دوشونموشدورکی:

**یاشاماق یانماقدیر؛ یاناسان گرک
حیاتین معناسی یالینز اولنادیر
شام اگر یانمیر سا؛ یاشامیر دنمک
اونون یاشاماقی یانماغیندایر.**

دوغروان نا بنله اولموشدور. اوستادیمیز عومرونون اگر بیر چوخ حصه سین اذربایجاندان قیراقنا کنجیرمیش دیر؛ آنجاق اوره بی همیشه بورا اولموش و انا بوردون هوسینده دویونموشدور.

سایین عالیم مختلف ساحه لرده بیر باجاریقلی اوستاد کیمی نالیمیش و آل - الوان و چوخ گوزل شعرلری پوئزیمیزین قیمتلی هابئله ذیرلی صحیفه لرینه ایشیق سالمیشدیر. دندییمیز کیمی اونون چوخ جهلی ایشلرینه نه قدر باخلسا، آنجاق نجه دیشیرلر طالع پار اولمامیش و بیر ختیلک ایشلری هله لیک گوزدن کنجیره بیلیمه میشدیر.

سون ایللر اونون اوچون عابد مقاله لر ده پوئزاسینا بایر بیر نجه مقاله نی گوردومه ده؛ آنجاق بو دنه من اونو ابری یاشیماندا امکان قدری جالاندیرمیشدیر.

۷۵ پنجی ایل رحمتلی میرزه جعفر خامنه بی نین آل یازما دیوانینین تاپلماسینا نایل اولدوقدا، ینتی شعر نازیخیمیزی بیر دنه ده مارقلا اوخوبوب گوزدن کنجیرنده؛ بیر چوخ بیلگی لرله گورولمه میش ایشلره راستلاندیم.

داهاسونرا ۷۶ پنجی ایلین اول لرینده (آذربایجان و مکتب تجدد) باشلیقلی فارسجا شعر نو حاقیندایکی بیلگیلریمی بیر مقاله کیمی یازیب تبریزده چیخان صاحب گونده لییین اسفند اییندا کی اولز نومه سینده بیر قسمینن چایا وئره بیلدیگک داهاسونرالر همین مسئله ایله ملوس اولدوغوما اساس ینتی فیکرلر ارایا گلدی.

(بونای اذربایجاندا تورکجه ده بیرینجی سرست شعری دنین کیم اولموشدور) سوالینا بیر چوخ مطالعه و تدقیقندن سونرا اده اولان قایناقلار گوره دوشوندوک کی تبریز شاعرلریندن اولان ابکی اولوستاد یعنی رحمتلی پروفیسور حمید نطقی و رحمتلی حبیب ساهر و داهاسونرالر رحمتلی پروفیسور زهتایی ایله رحمتلی علیرضا نابدل (لوختای) بیرینجی دفعه اولراق بونای اذربایجان پوئزاسینین تورکجه بولومونده سرست شعر سویله میشلر.

بیر حبیب ساهر؛ پروفیسور زهتایی و نابدل حاقیندا آرتیق دانیشیب شعرلرین الگ - قلیبر اتمه بی باشقا بیر ماجالا ساخلایب آنجاق بورا پروفیسور حمید نطقی نین شعرلریندن دانیشماق ایسته بیریک



رحمتلی پروفیسور نطقی نین
پوئزیمیزدایثیری

دان اولدوزونا یول اچاچام-
۱۳۲۶ پنجی ایل

سوزوموزو اچمادان اونجه یئرلی اولار شعردن بیر تعریفله سوزلریمیزین آردین توناق. فیکریمیزجه شعره ان کچیجک سوز یا خود تعریف - دانیشیق دیلی ایله گرک ستجیلیب؛ داخلی ریتم و موزیک و ینتی تصویرلری اولسون. دوغروان نا نطقی نین شعرلرین ادم اوخودوقنا چوخ گوزل تصویرلرین قلاب قارشیسیندا دورورکی؛ شوپهه سیز دانیشیق دیلینده هنج ده برتله شه ییلمز. شاعریمیزین شعرلرینین بیر سیراسی دیناکتیک (اوپره دیجی) دیرسه؛ باشقالاری لیریک دیر.

بایرام
قیزلار!
ایلک باهارین دعوتینه گنتمیشدیک
ماهنی لارین؛ سازلارین
سوزلرین - صحبتلرین
گاه اتنن؛ گاه بوکسه لن؛ آهنگینه اویموشدوق
گیرر کن غوصه لری قاپیدا بوراخمیشدیک
خاطیره صادیقیندان

پروفیسور نطقی عومور بویو اذربایجانین دیل و مدنیتینین انکشافیندا چاتقان مابا قوموش و دونیا تورکولولاری ایچره ادی همیشه سلام - صلواتلار یاد اولماقدادیر. او؛ زامانی ایله تاریخیمیزی ترسینه عکس اندلردن اولمامیش و بونلارلا منطقی اولراق مبارزه ابارمیشدیر.

اوستادیمیز عومرونون اگر بیر چوخ حصه سین اذربایجاندان قیراقنا کنجیرمیش دیر؛ آنجاق اوره بی همیشه بورا اولموش و انا بوردون هوسینده دویونموشدور. سایین عالیم مختلف ساحه لرده بیر باجاریقلی اوستاد کیمی نالیمیش و آل - الوان و چوخ گوزل شعرلری پوئزیمیزین قیمتلی هابئله ذیرلی صحیفه لرینه ایشیق سالمیشدیر.

بونلارلا برابر اونون گنرچک لره قارش گوزل شعرلری ده اده اولموشدور کی حقیقتا معنالی و بوکسک انلام دانیشماقدادیرلر باخین:

**زحمت له یاشادیق
حسرت له یاشادیق
گننی دوست ساندیق
گنده نه قالدیق
اوقار گونلردن
هنج درس امدادیق
گوره سن گنرچکدن
ایندی او یاندیق؟**

دوتن گنجه
روپامده انام هله دیری ایدی
نماز قیلیردی
دوعا اندرکن؛ خسین - خسین یولاشجا
اغلابیردی.

شاعرین شعرلرینین اتیندا بیر سیرا تاریخ لردن یاختی بیر سندلر اده اتمک مومکون اولور. اونون بیر شعرینین تاریخی ۱۳۲۶ پنجی ایله قاییدیر. بنله لیک له او دورورون الیمیزه کنجین درگی لرین گوزده کنجیرنده ینتی شعره راستلانا بیلیمیریک و یانتیز اوستاد نطقی نین شعرلرین گوره بیلیریک همین شعری تقدیم اندیریک:

فال
اوبوشلرینده ساخلانان سیری
دودلاقلاریندان اوپره نه چه یم
کیچیک و بوموشاق
قوش بالاسی تک قورخاق ایلی
اوبوجلاریمدا اوخشا باچاقام
سنین عطرینله
سرخوش گویلرده قاندا چالراق
ز چه اذربایجان پڑمان و معیون بینمت؟

غومه زن در بحر محنت زار و محزون بینمت؟
از چه روی دادا غرق آتش و خون بینمت؟
خشم گستر گیر، ای آماج تیر روزگار
این چنین مغروش، ای زخمی پلنگ جاشکار

قطره های اشک جاری گردد از چشمان من
آتشی سوزنده اقتد بر دل و بر جان من
تا به گردون سر نماید ناله و افغان من
گر به یاد آرم ستم هائی که دیدی از خسان
در لباس دوستی مشتی گروه ناکسان

گر ترا جان بر لب آمد کارد برستخوان رسید
این ستم هاری آری بر تو از خصمان رسید
این ز دشمن بر تو آمد هان نه از ایران رسید
نو مهین پیوند پاک خندان کشوری
بیکر فرخنده ی ایران زمین را چون سری

از زبان کس قیاس دل نمودن خود خطالت
اشنا باشد دل ما گر زبان نا اشناست
از خدائی زبان آنکس که گوید دل جدالت
او خود از هر کس فزون ایران ما را دشمن است
بایدش خاموش کردن؛ زآنکه خصم میهن است

ای نسیم صبح گاهی ای صبا ی نیک بی
کوه و هامون در نورد و راهها بنمای طی
تا به اذربایجان بر؛ این پیام از ملک ری
گو بر ایشان گر زبان ما ز یکدیگر جدالت
روح ما و قلب ما و فکر ماها با شماست
دل دمی خوشدار؛ حرمان شیوه ای هرمن است
تاسحر گاهان چه زاید تیر شب استن است
ساقیا می ده که این شب را صیاحی دیگر است
باز ایها ملک ایران تا اید جاوید باد
از شکوه و فرهی تابنده چون خورشید باد

- قایناقلار - ایضاح لار:**
۱- ادبیات لوجافی - اوستاد یحیی شیده
بیرینجی جلد ۱۳۲۶، تبریز - نوبل کنفروشی
سی
۲- هر رنگدن - دوقتر حمید نطقی؛ چاپا
حاضریرلایان؛ کریم مشروطه چی - سونمز؛ تبریز
کنفروشی ارگ ۱۳۷۵
۳- وارلیق زورنالی
۴- اقدام روزنامه سی؛ جمعه ۱۰ بهمن ۱۳۲۰
مطابق با ۱۲ محرم ۱۳۶۱ برابر با ۳۰ ژانویه
۱۹۴۲، تهران
۵- ایشیق - علیرضا نابدل / اوختای اصص ۶-۷
۶- اذربایجان و مکتب تجدد - رضا همراز؛
وارلیق زورنالی ۷۸ پنجی ایل، تهران
۷- شخصی یادداشت لار

→ رحمتلی پروفیسور زهتایی نین (پروانه نین سرگذشتی) کیتابی ۱۳۲۵ ده ۱۳۵۰ پنجی ایلرده کی شعرلرین ایفا اندیر. پروانه نین سرگذشتی باشلیقلی شعر گونش ایلی ۱۳۲۶ پنجی ایلین آخر ایی قوشلوموشدور. صص ۵۱-۵۶ بو شعر سرست شعر فورماسیندا قلمه ایشیمشدر.

دشک همین پوئما ایلکین سرست شعرلریمیزدن اولوب و بنله لیکله پروفیسور زهتایی بونای اذربایجاندا ایلکین سرست شعر یازیب یا خود قوشانلاردان اولموشدور.

بلکه ده زهتایی؛ ساهر و دوقتر نطقی کیمی نهنگ شاعرلرین فیکر و دوشونجه لریندن قیدلاندن، لوختای تخلص او علیرضا نابدل ده ۴۱ پنجی ایل لرده تبریز ده ینتی قالب لاردا شعرلر قوشوموشدور. (پروانه نین سرگذشتی / م. شسترلی / ابرلین مترقی ترک روشنگرلر جمعیتی نین نشریه لری سیراسیندا) داهی نازیخی؛ آرشدریجی و شاعر پروفیسور زهتایی نین شاهین زنجیره عنوانلی کیتابیندا بیر سیرا اوزون منظومه لر ده وارکی اوزلوک لرینده مارقالی دیلار.

باخین - شاهین زنجیره / پروفیسور دوقتر محمد تقی زهتایی (کیریشی) / تبریز؛ نشر اختر؛ پای ۱۳۷۸.

++ رحمتلی علیرضا نابدلین ایشیق عنوانلی مجموعه سیندن بیر ینتی قالبی داکای شعرلریندن بیر گه لوخوباق؛

یاقلیز قارا آماج
یاقلیز قارا آماج
داغ اته بینده
تک اوتوروسان
بولو گوزلورسن؟
سن تک قالب سان
من تک قالمیشام
سن چوخ یازیق سان
یا من یازیغام؟
یاقلیز قارا آماج
تردیمیز بیری
باخ بورا گوروم
کیمی گوزلورسن؟
کیمی گوزلورسن؟ دره نین تکین یتنه
گوزلورسن؟
یازسیز - یولدانش سیز
تک یاشاماقا
محکوم اولوبسان؟
۱۳۲۶/۱۳۲۶ تبریز



ایکینجیسیز

کیتیرمک ایستهدی و گنیردی، اما اونو سوزلره چنوبرمهدی، اتله جه او فیکیر خفیف تسومه دؤنوب دوداقلارینا قوندو. دوداقلاریندایکی او تسومه ده بوخویا گنشدی.

جمیله آرخلسینی اونا چنوبرن ارینه نیفرته (اما بو نیفرت او قدر بویوک ایدی کی، اوز ایچینه ساده بیر سئوکی سئلینی ده بیغا بیلیمشیدی) باخیب او دا هیگه ایله آرخلسینی سامیره چنوبردی. «کیشیلره نه وار کی، هر شئی نظر اقاتا چؤندره بیلیرلر. اما تاریخما، سامیر معلم، بو صحبتیمیز بورا ایتیمهدی، هنج بیتمهدی.»

سامیر بوخو گوزوردو، بوخودا هر شئی بیر-بیرینه قاریشمیشدی. رنگلر، چالارلار، اؤزونه مخصوصاقلار لازیمسیز نفروعات کیمی ایتیب اریتمیشدی

گویله یتر، داغلا دنیز، اغاجلا جای، اسنلار - قادیلار، کیشیلر، بالاجا اوشاقلار، کوزیملر، قوجالار، قازیلار، نولر، بیتلار، بوللار، تارلار، منشلر، بولاقلار، ایترلر، بییشکلر، اتلار، قویونلار، اؤکوزلر جامیشلار - هر شئی بیر - بیری نین ایچینده ایدی، هر شئی سانکی بیرنفسه دنیلمیش محتشم بیر سوزه چنوبرلمشیدی.

بو سوز اولنن وار ایدی، اولنن ده اولینده وار ایدی، سادهجه اونو گوزرکم، دویماق، هنیرتیسینی انتشیتک هامی یا هر زامان قسمت اولموردو او سوز انلاشیلمازان تدریجا انلاشیلانا چنوبرن موسیقی کیمی دوقولوردو، او وار ایدی، اونو هنج کیم ایشتمیردی.

سامیر غریبلی بوخونو حیات کیمی یاشا بیری. اونون ایندییه قدر گوزلری سانکی قابیلی ایدی، ایندی ایندی گوزمه به باشلامیشدی و گوردو گلرینی اؤزوندن باشقا دا کیسه گؤسترتمک ایسته بیری.

«باخ، دفته باخ، بودور سنه دتمک ایسته دیکریم، گوزورسن او، بوتوو یوخ دنییل، وار، سن بوتو گوزورسن؟ بس دنییردین ستومیرم سنی!! ایندی ایندین!!»

بوخودا گوردو گلری اول گوردو گلریندن چوخ فرقلی ایدی. اما فرق نده ایدی - بوتو درک اده بیلمیردی، بوتو سوزه گنیرمک، سؤیلمک اسان دنییلدی بلکه هنج ممکن دنییلدی. هاردا سا بختی نین درنلیبینه او حس اندیردی کی، ایندی گوردو گلری نین رنگی بوخودور.

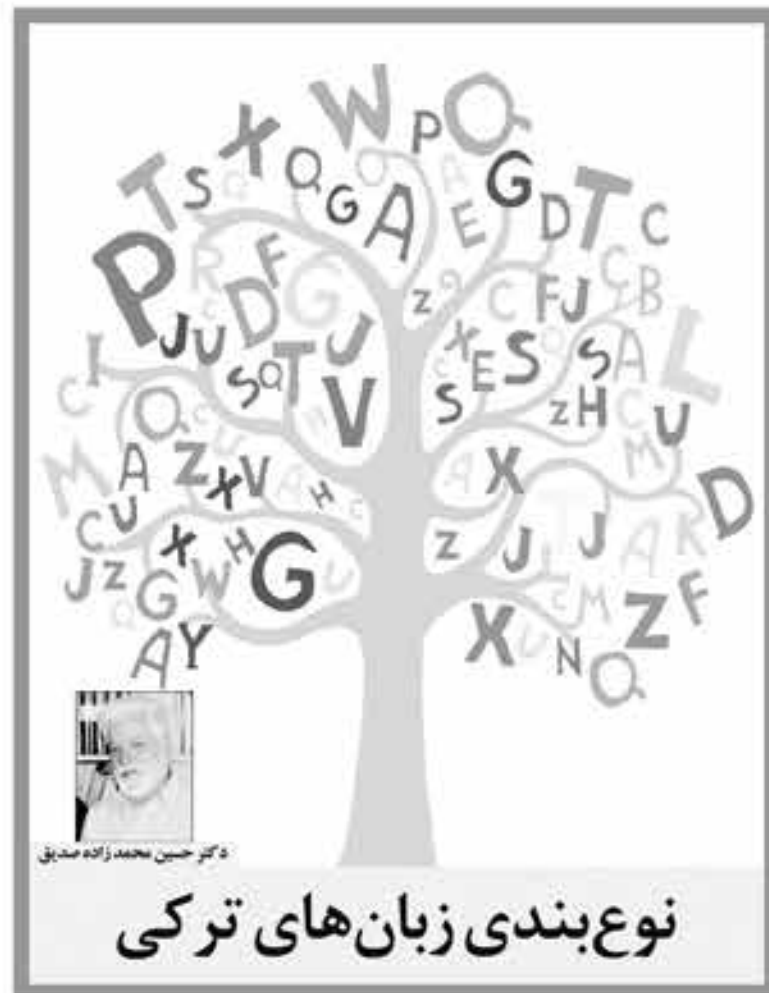
رنگ آنجاق بیردن چوخ اولان ندمه موجود اول ییلر. ایکینجی اولماسا رنگلر مختلفشمز، باشقا اولان نینسه اوستونو اؤزته ییلمز. بوخودا دا ایکینجی یوخ ایدی، هر شئی بیرین، واحدین ایچینده ایدی ایکینجیسیز دنیا وارمیش وارمیش اولمایا بیلمزدی، اما بوتو اینتلار بوخودو، جمیله ده بوخو گوزوردو.

او، بوخوسوندا گوزوردو کی، عؤمور-گون بولدانشی، سامیر فضا فیرلا-فیرلا اوندان اوزاقلاشیر، ایکیشیر، حتی اولچلشیر، دؤزدلشیر. «هو قدر سامیر منیم نییمه گرکدیر؟ منه بیری بسدیر، بونلارین آخی بیری منیم سامیرمدیر، او بیریلر منیمکی دنییل.

هاسیدی او؟ هاسیدی منیم سامیریم؟ منی ستون، منی دنیلار قدر ستون سامیریم هاسیدیر؟» بوسولالارین آرسیندا جمیله عملی-باشلی چاشیب قالمیشدی.

بوخولار اتله اونا گوزه بوخودور کی، سحرسی گون اوندولماغا محکومدلار، گنجه گلدی یتنه ده هن «ستوریم - ستوریم» صحیتی یاناقدا باشلامدیمی، باشلادی.

اوجوز - بوجاقسیز فضا اینه بیر-بیری نین ایچینده ان مختلف ماهینلر اوچور، بیرلشیر، ابریلیر، یتنه بیرلشیر، بیر محتشم واحد عمله کتیریردیلر. البته کی، سامیرلرین هامیسی بو اوچان واحدین ایچینده ایدیلر. بیریندن باشقا بو سامیر اؤز لوینین مطبخینده اوتوروب سحر یتمه ییتی ییتیردی و جمیله نین دلمه ندیسی جایی گوزلره-گوزله به گنجه گوردوبو بوخونو جدی-جهدهل یادینا سالماغا چالیشیردی.



دکتر حسین محمدزاده صدیق

نوع‌بندی زبان‌های ترکی

علت تفرق و گوناگونی زبان توالمند و سرشار ترکی، حوادث تاریخی، شرایط اقلیمی و ویژگی‌های آوایی بوده است. هیچ‌یک از زبان‌های مرده و زنده‌ی جهان به اندازه‌ی زبان توالمند ترکی دارای انواع، گونه‌ها، لهجه‌ها و شیوه‌های فراوان نیست. هم از این روی، اگر محمود کاشغری را نخستین زبان‌پژوه شناخته شده بدانیم، باید بگوییم که ده قرن است دانشمندان و زبان‌پژوهان پیرامون نوع‌بندی گویش‌ها، لهجه‌ها و شیوه‌های زبان ترکی اظهار نظر می‌کنند.

اما باید اذعان کرد که نخستین بار در سال ۱۸۸۳م از سوی رادلف (Radolf) برای زبان‌های ترکی یک شجره‌ی علمی تدوین شد. او زبان‌ها و نیز زبان‌های ترکی را بر اساس پراکنندگی اقلیمی و ویژگی‌های موجود آوایی، به گروه چهارتایی بدین گونه تقسیم کرد: ۱. گروه شمال غرب ۲. گروه غرب ۳. گروه آسیای مرکزی ۴. گروه جنوب

دو زبان ترکی یاقوتی و ترکی چوواشی در این تقسیم‌بندی راه نداشت. تنها جین دنی (Jean Deny) در «دستور زبان ترکی» این نظریه را پذیرفت و بعدها «قُد کرش» ترکی‌پژوه روس، نظریه‌ی او را بدین گونه اصلاح کرد:

۱. گروه شمال شرق ۲. گروه غرب ۳. گروه آسیای مرکزی ۴. گروه‌های دیگر

در سال ۱۹۱۶م «نمِت» (Nemeth)، ترکی‌پژوه مجارستانی، زبان یاقوتی و چوواشی را یکی گرفت و زبان‌های ترکی دنیا را به دو دسته‌ی زیر تقسیم کرد:

۱. ترکی گروه «س» چوواشی و یاقوتی ترکی گروه «جی» زبان‌های ترکی به غیر از چوواشی و یاقوتی

او تلفظ حرف «س» به جای «جی» در آغاز کلمه‌های ترکی را اساس گرفته بود. مثلا، کلمه‌ی «هیومرتا» در ترکی چوواشی «سیمیردا» و در ترکی یاقوتی، «سیمیت» تلفظ می‌شود. در سال ۱۹۲۱م. سامیولیوچ (Samyolovich)، محقق ترکی‌پژوه روسی، زبان‌های ترکی را بر اساس ویژگی‌های آوایی تقسیم‌بندی کرد. او نیز مانند نمِت، ویژگی‌های آوایی را در نظر می‌گرفت و تلفظ حرف «ج» به جای «ژ» در انجام کلمات را مد نظر گرفته بود.

مثلا، کلمه‌ی «نوقوز» را در ترکی چوواشی «نیخیبر» تلفظ می‌کنند: ۱. گروه «ج» و یا گروه چوواشی ۲. گروه «ژ» و یا گروه یاقوتی

مثال برای گروه «ژ» - «ج» ۱. گروه زبان‌های که کلمه‌ی «ایاق» را «آیاق» تلفظ می‌کنند، مانند ترکی یاقوتی. ۲. گروه زبان‌هایی که کلمه‌ی «ایاق» را «اواق» تلفظ می‌کنند، مانند ترکی سویت، تووا، اوران‌ها و غیره.

۳. گروه زبان‌هایی که کلمه‌ی «ایاق» را «ازاق» تلفظ می‌کنند، مانند ترکی شور و غیره. مثال برای گروه «ج» - «جی»، گروه زبان‌های ترکی که این کلمه را «ایاق» و «ایاق» تلفظ می‌کنند، مانند ترکی ترکیه، آذربایجان و غیره. در گروه زبان‌های موسوم به «ایاق»، بی‌افزودگی «قن» که با تغییر آوایی در برخی از زبان‌ها «ان» شده است، جزء بنیادهای آوایی در برخی از زبان‌ها «ان» شده است، جزء بنیادهای آوایی شمرده می‌شد.

مثلا، دو کلمه‌ی «قازان» و «بازان» در ترکی آذربایجان در میان برخی از ترکی‌زبانان

در این نمودار زبان ترکی آذری از شاخه‌ی اوغوز و آن هم از تنه «هون غربی» جدا شده است و یادم‌های ذکر شده، منسوب به گذشته‌ی پربار و غنی زبان ترکی آذربایجان است.

زبان ترکی آذربایجان، زبان کوهانه صلوات‌التصافی موزون و دارای قوانین آوایی موزیکال ذاتی است، واکه‌ها در این زبان به دو نوع ثقیل و خفیف تقسیم می‌شوند و این ناشی از «هائون بزرگ هماهنگی آوایی» در آن است. این زبان را در ایران همیشه «ترکی» نامیده‌اند و در متون کلاسیک اسلامی ترکی، عربی و فارسی نظیر دیوان لغات‌الترک، الادبک، صورة الارض، المسالك و المعالک، مروج الذهب، حدود العالم، نزهة القلوب و غیره گاه آن را اذیه، آذره، آذی، آسی، آزی و آذری نیز نامیده‌اند.

سازمان‌های فرانسوی‌ترب ترکی‌ساز صهیونیستی شاهنشاهی در ایران، از کودتای رضاخان به این سو، به سرکردگی احمد کسروی -حاشم‌نند تپهکار ایرانی- تلاش ورزید که «آذری» را منسوب به زبان فرضی موهومی بکنند که گویا با فارسی همریشه بوده است و تا دوره‌ی صفویه زبان همگانی مردم آذربایجان به شمار می‌رفته است. مخالفان این نظریه‌ی کسروی ساخته، تاکنون نتوانسته‌اند دستور زبان و یا تاریخ ادبیاتی برای این زبان فرضی بنگارند و یا حتی کتابی و یا شاعری وابسته به آن کشف کنند و فقط ایباتی چند از تالش، تاتی، گیلکی و کردی را به این زبان فرضی منسوب ساخته‌اند. براساس این نظریه‌ی باطل، در گذشته ترکی‌سبزی در ایران شتاب داشت. گرچه بنادپشان موفقیت‌های نسبی هم به دست آوردند، اما نتوانستند از میل و علاقه‌ی مردم به حفظ زبان مقدس ترکی، این ناموس ملی آذربایجان بکاهند و حتی یک روستا را هم نتوانستند در آذربایجان از خود بیگانه کنند و از بیکر مام میهن اسلامی جدا سازند و تقدیم پان‌ایرانیست‌های صهیونیست کنند.

زبان ترکی آذری پیوسته بر گویش‌های محلی رایج آذربایجان نظیر تاتی، تگلّی، گیلکی، آسوری، عبرانی، ارمنی و غیره نفوذ و برتری داشت و در طول قرون و اعصار همه‌ی گویش‌ها و لهجه‌ها و نیز زبان‌ها و زبان‌ها را تحت سیطره‌ی خود قرار داد و فراگیر شد. مردم آذربایجان نتوانستند ارزشمندترین متون فرهنگی بشریت را در این زبان ایجاد و ابداع کنند.

به برخی از این آثار ارزشمند می‌توان به کوتاه‌ی چنین اشاره کرد:

۱. قوتادغوبیلیغ، یا «سعادت‌نامه» که از سوی یوسف اولو خاص حاجب در سال ۴۴۸ ه.ق. در ۶۶۴۵ بیت به نظم در آمده است. این منظوی در بحر «مقارب مثنم مقصور» سروده شده است و سرمشق تألیف و تنسیق بسیاری از «پندنامه»ها و «هیاست‌نامه»های ترکی و فارسی بوده است.

کتاب به ترکی سره سروده شده است و در سرتاسر آن فقط ۸۵ لغت عربی با مفاهیم دینی و عرفانی به کار رفته است. از این اثر ارزنده تاکنون سه نسخه‌ی خطی با ارزش به دست آمده که کهن‌ترین آن‌ها در سال ۸۱۸ ه.ق. استخاس شده است.

۲. نهج‌الفرادیس: در سده‌ی پنجم در شرح احکام دینی و مسایل عرفانی تألیف شده است. نسخه‌های خطی به دست آمده از این کتاب، مربوط به سده‌ی هفتم و هشتم هجری است. کتاب به نثر بسیار زیبایی تألیف شده است و مخزن واژگان آن غنی است.

۳. عنیه الحقایق: اثر ادیب احمد یونکانی بن محمود در اواخر سده‌ی ششم به نظم درآمده است. این اثر در ۹ باب در شرح احادیث نبوی در فضیلت دینداری و فواید علم و جواهردردی در بحر «مقارب مثنم مقصور» سروده شده است.

۴. دیوان حکمت: اثر خواجه احمد بسوی منظوی به سال ۵۲۵ ه.ق. به نظم در آمده است. اثر عرفانه‌ی بسیار با ارزشی است که تأثیر عمیقی در تکوین ادبیات عرفانی در ترکی و فارسی داشته است. از شعرای فارسی زبان، عطار نیشابوری از او تقلید کرده است. خواجه احمد بسوی، یابی مکتب عرفانی «یسویه» نیز هست.

۵. کتاب دده قورقود: دارای دوازده جمله منظوم و متنوع که نسخه‌ی خطی به دست آمده از آن در سال ۲۴۶ ه.ق. استخاس شده است. از این جمله‌های مردمی با رها فیلم ساخته شده و آثار متعددی در باب آن‌ها تألیف و تصنیف شده است. «دده قورقودپژوهی» اکنون در اغلب دانشگاه‌های دنیا در رشته‌های «زبان و ادبیات ترکی» گرایش خاصی به شمار می‌رود.

۶. قارا مجموعه: اثر عرفانی بسیار ارزنده از شیخ صفی‌الدین اردبیلی که نسخه‌های خطی چندی از آن در کتابخانه‌های ایران و جهان موجود است و برای نخستین بار در سال ۱۳۷۸ به جهان علم شناساننده شد. این مجموعه‌الگوی تألیف بسیاری از متون عرفانی ترکی و فارسی بوده است.

۷. هزاران اثر نظم و نثر که برای نشر معارف اسلام خفته است. بنیاد همه‌ی زبان‌ها، نیز زبان‌ها، گویش‌ها و لهجه‌های ترکی هزاره‌ی دوم و سوم میلادی بوده است و از دسته‌ی زبان‌های «آلتایی و قفقازی» منشعب شده‌اند.

در هزاره‌ی اول میلادی شاخه‌های پربار و متنرفقی با نام «زبان ترکی» (= تورکجه) بازشاخه شده و از آن تاریخ به این سوی، دارای شجره‌ی مشخص گشته است.

آذربایجان مهد علم و فرهنگ است. وجود مراکز علمی بی‌نظیر از قدیم الایام در این منطقه و به تبع آن ظهور عالمان بزرگ و از طرفی علم دوستی مردمانش از جمله علل و عوامل این مهم هستند.

تا جایی که از نظر خدمت به علم و دانش و معرفت‌های بشری، هیچ نقطه‌ی از خاک ایران قابل مقایسه با این منطقه نمی‌باشد. ظهور عالمان بی‌نظیر در هر رشته از علوم از این سرزمین در طول تاریخ دلیلی بر این مدعاست. هر چند که پرداختن به شرح حال و خدمات این عالمان در این نوشته ممکن نیست، اما باید به این مسئله اذعان کرد که سهم عمده‌ای از فرهنگ و تمدن ایران دستاورد عالمان بزرگ آذربایجانی است.

در این نوشته سعی داریم به طور اجمال در مورد علم و فرهنگ منطقه در دوره‌ی اتابکان آذربایجان مطالبی را بیان کنیم. لازم به ذکر است که «اتابکان» امرای ترک تبار بودند که تربیت شاهزادگان سلجوقی را در اختیار داشتند. ولی در مواقعی که فرصت می‌یافتند به عنوان مدعیان سلطنت نیز مطرح می‌شدند. از مهمترین این اتابکان که در تاریخ ایران از معروفیت خاصی برخوردارند اتابکان آذربایجان می‌باشند.

در مورد نفوذ و اهمیت این سلسله که توسط شمس‌الدین ایلدگز (۵۴۱ - ۵۶۸ م) بنیاد نهاده شد در «دانشنامه ایران و اسلام» آمده است: «در نیمه‌ی دوم قرن ششم بیشتر آذربایجان در دست اتابکان آذربایجان بوده و این اتابکان حتی بر فرمانروایان خود که پادشاهان سلجوقی بودند، تحکم می‌کرده‌اند و ارسلان شاه سلجوقی در حقیقت آلت دست اتابک ایلدگز بوده است».

قدرت‌یابی این سلسله با شمس‌الدین ایلدگز انجام گرفته است. ایلدگز بعد از مرگ «طغرل بن محمد سلجوقی» با زور از ازدواج کرده و به این ترتیب به دربار سلجوقیان نزدیکتر گردید. اتابکان بعدی آذربایجان یعنی «حصرالدین جهان پهلوان محمد» و «مظفرالدین قزل ارسلان» نمره‌ی این ازدواج مدبرانه بودند.

گفتنی است که این دو پادشاه از قدرتمندترین فرمانروایان اتابکان آذربایجان به شمار می‌رفتند، زیرا با مرگ آنان سلسله اتابکان آذربایجان نیز رو به ضعف و انحطاط گناشته و از دوران پاشکوه قبیله‌ی خود فاصله گرفت؛ که این مسئله سرانجام به سقوط این سلسله توسط جلال‌الدین خوارزمشاه منجر گردید.

از جمله مسائل مهم دوره‌ی اتابکان می‌توان به توجه این خاندان به شعر و شاعری اشاره نمود. تا جایی که دربار این سلسله مرکز تجمع شعری معروف وقت بوده است.

در کتاب «تاریخ مفصل ایران» در این زمینه آمده است: «اتابکان آذربایجان مخصوصا شمس‌الدین ایلدگز و دو پسرش جهان پهلوان و قزل ارسلان در تاریخ ذکری به خیر دارند، زیرا که عنمای از گویندگان بزرگ به قصایدی قزّه ایشان را مدح گفته و نام ایشان را جلوی ساخته‌اند و مشهورترین ایشان ظهیرالدین فارابی و خالق‌ی شروئی و ابوالدین اخیسکتی... می‌باشند».

«نظامی گنجوی» «خسرو و شیرین» را به اسم اتابک قزل ارسلان تمام کرده است. مؤلف «تاریخ جهان آرا» نظامی گنجوی و ظهیر فارابی را جزه مخاطبان قزل ارسلان ذکر می‌کند.

گفتنی است که نظامی گنجوی ملاقاتی تیز از نزدیک با قزل ارسلان داشته است: «هو اُنظامی ا هواره شیفته‌ی زادگاهش گنجه بود، تنها یک بار تقریبا در سال‌های ۱۱۸۵ - ۱۱۸۷ میلادی از این شهر بیرون رفت و در سی فرسنگی آن یا فرمانروای آذربایجان، قزل ارسلان شاه که از آنجا می‌گذشت، دیدار کرد».

«حکیم نظامی از مردم گنجه آذربایجان، استاد بی‌رقب اندیشه و لفظ است و شاعری است که گذشت قرون شملاذی چیزی از طراوت و قوت شعر او نمانده است... هو خالق‌ی از تاریخ ۵۵۶ هجری یعنی آغاز سپهسالاری قزل ارسلان به او پیوست و قصاید بلند و فصیح در مدح او سرود».

و هم اوست که در مدح قزل ارسلان می‌سراید: «عادلت خسروان عالم الا قزل ارسلان ندیدم». در این دوران تبریز به عنوان مرکز اتابکان آذربایجان از رشد و رونق افزونتری نسبت به سایر مناطق آذربایجان برخوردار شده بود. تا جایی که خاقانی شروئی اکثر اشعار خود را در تبریز که پایتخت ایلدگز زبان بود، سروده است. در این مورد در تاریخ کمبریج آمده است: «هو اخالق‌ی در سال ۵۸۰ م. آهنگ تبریز کرد یا بدان شهر گریخت، اما از آنجا فراتر رفت؛ از تبریز عزیمت بغداد کرد و از جاهای مختلف دیدار نمود، لذا تبریز مقر اصلی وی باقی ماند. بسیاری از اشعار دیوانش متعلق به این دوره است».

در کتاب «آذربایجان و نهضت ادبی» در مورد «هجیر بیلقانی» نیز آمده است: «اختصاص وی به دربارهای اتابکان بوده و گاهی هم حشمت و مکنت یافته است. از مدحجویان او ا شمس‌الدین ایلدگز اتابک اعظم که امجیراً در مدح او ایباتی لطیف دارد و او را ملک شش جهت و اسکندر ثانی می‌خواند. ملک شش جهت اسکندر ثانی که فلک ا پیش قدرش سخن از جاہ قدرخان نکند».

با توجه به مطالب بالا می‌توان به رشد و رونق شاعری در این دوره بی‌بردا که این امر ریشه در

پی‌نوشت‌ها:

۱. نشریه چیچک - خرداد ۱۳۸۰. ۲. A.Samyoloviç,El, c. IV, s. ۶۲-۸۵۶. ۳. A. Dilaçar, Dil, Diller ve Dillerik, Ankara, TDK, ۱۹۶۸, s. ۸۴-۹۲.



مجید هزارتاز معاونین ادبی

آذربایجان در دوره اتابکان

توجه امرای آذربایجان به تشویق شعرا و علمای وقت داشته است. از مسائل مهم دیگر در دوره‌ی اتابکان می‌توان به وجود کتابخانه‌ی عظیم و پربار در آذربایجان اشاره نمود که در عصر خود از مهم‌ترین مراکز علمی ایران به شمار می‌رفته است.

متأسفانه مورخین و نویسندگان داخلی و خارجی تاکنون از این کتابخانه و نقش آن در رشد علم و فرهنگ در منطقه سخنی به میان نیاورده‌اند و این مسئله به طور دقیق و جدّی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. در حالی که این کتابخانه به عنوان مؤسسه علمی - تحقیقاتی در زمان خود نقش اساسی را ایفا می‌کرده است.

کسی که برای اولین بار این مکان علمی سخنی به میان آورده است، سعدالدین اروینی مترجم کتاب «هرزبان نامه» از زبان طبری قدیم به زبان فارسی (۶۰۷ - ۶۲۲ م) می‌باشد.

او که از طرف مؤسس این کتابخانه یعنی ابوالقاسم ربیع‌الدین هرون بن علی بن ظفر ندان، وزیر اتابک ازبک بن محمد بن ایلدگز، مأمور به ترجمه‌ی کتاب فوق شده بود، در ذیل کتاب «هرزبان نامه» به این کتابخانه و هدف مؤسس آن اشاره کرده و می‌نویسد: «خواجه جهان ربیب اللبّیا و الدّین - لاجرم خالصه نیت و طوئیت بر آن گمشت که در جریده محلسن اعمال، بزرگترین مبرتی و فاضلترین حسنتی نیت کند و حجت‌های آخرت بدان مسجل گرداند. آخر جوامع ابدشه مبارکش بر جامع تبریز مقصور آمد تا دارالکتبی در او وضع فرمود».

روایتی سپس به عالمی اشاره می‌کند که با دستور و مساعدت ربیب‌الدین مشغول نسخه برداری از کتب گرانمای عصر در این مرکز علمی بوده‌اند: «ده نسخ را مؤنت ابیاری کردن ا استخاس کفایت کرد و اسباب فراغت ایشان ساخته فرمود تا بر دوام علی مرورالایام ملازم آن موضع شریف می‌باشند و از هر سواد که مسرح [مانشا] نظر ایشان باشد، نسخه‌ها بر می‌گیرند».

با توجه به اهمیت این مرکز علمی، که در آن کتابخانه‌های مهم به وسیله‌ی دانشمندان عصر و با پارای اتابکان آذربایجان نسخه برداری می‌شد است، اما می‌توان گفت که کتاب «دده قورقود» نیز در این مرکز علمی جمع آوری و یا استخاس شده است؟

به نظر نگارنده این مسئله باید مورد نقت و پژوهش دقیق قرار گیرد و احتمال این مسئله نیز وجود دارد. لازم به ذکر است که داستان‌های دده قورقود ریشه در دوران باستان دارد ولی زمان به کتابت درآمد آن از بحث‌های مطرح در میان محققین است؛ تا جایی که پروفیسر خودیاف «کتابت داستان‌ها را مربوط به قرن ۱۰-۱۱ میلادی می‌داند». اما روشناذ استاد الاسانید پروفیسور دکتر جواد هیبت اصل این داستان‌ها را مربوط به عصر (۶-۷ م) دانسته، اما برای کتابت آن قرن ۱۵ را نیز مطرح کرده است. علامه قزوینی در مقدمه تصحیح خود بر ترجمه اروینی، شرح حال مؤسس این کتابخانه یعنی ربیب‌الدین، وزیر دانشمند اتابک ازبک را آورده و در مورد این کتابخانه نوشته است: «ربیب‌الدین مذکور، وزیر فاضل و هنرپرور و علم دوست بود و در تبریز کتابخانه‌ی باشکوهی تأسیس نمود».

مشتمل بر انواع کتب در اصناف علوم و فنون از طب و تفسیر و احادیث و کلام و تاریخ و ادبیات و اسماز و حکایات و غیره‌ها... از نسخ‌های گرانمای این مرکز علمی، می‌توان به تفسیر کبیر محمد بن جریر طبری که امروزه در

کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود، اشاره نمود: «هو از نفایس و نوادر نسخ عظیم النظیر کتابخانه‌ی ملی پاریس نسخ‌نایست منحصراً به فرد از ترجمه تفسیر کبیر محمد بن جریر طبری معروف، صاحب تاریخ کبیر - و این نسخه برای همین کتابخانه که ربیب‌الدین وزیر در تبریز بنا نهاده بود، استخاس و یا ایتیاغ شده بوده است و در ورق آخرین به خط جلی بر زمینه آب طلا این عبارت مسطور است: لخرانه کتب العولی المعظم دستور الاعظم - ربیب‌الدنیاء».

متأسفانه تاکنون مورخان و محققان به این کتابخانه و مرکز علمی اتابکان آذربایجان تیرداشته‌اند. لذا ارزش این مرکز برای جهان علم آشکار نگشته است؛ در حالی که آذربایجان با داشتن چنین مرکزی برای علم و دانش، به یقین یکی از مراکز مهم فرهنگی - علمی مشرق زمین، در آن دوران به شمار می‌رفته است. امید است که با تسلی به منابع مأخذ معتبر و قدیمی نقاط تاریک تاریخ آذربایجان هر چه بیشتر برای جهان علم روشن گردد.

منابع:

- ۱- دانشنامه ایران و اسلام، ج۱، تهران ۱۳۵۲، ص ۵۴. ۲- تاریخ مفصل ایران، عباس اقبال، تهران ۱۳۲۵، ص ۲۸۷. ۳- تذکره‌ی میخاذه ملا عبدالنسی قزوینی، تهران ۱۳۴۴، ص ۱۲۵. ۴- تاریخ جهان آرا، غلاری کلشلی قزوینی، تهران ۱۳۷۰، ص ۳۲۶. ۵- تاریخ ایران (کمبریج)، ج۳، تهران ۱۳۷۱، ص ۵۲۶. ۶- دیوان خاقانی شروئی، به کوشش ضیاءالدین سخاذه، تهران، بی تا، ص ۳۹. ۷- دیوان خاقانی شروئی، همان، ص ۵۱۰. ۸- تاریخ ایران (کمبریج)، ج۳، همان، ص ۵۴۱. ۹- آذربایجان و نهضت ادبی، قنیه، تهران ۱۳۲۶، ص ۳۶۵. ۱۰- تاریخ تبریز از دوران باستان تا برآمدن مغولان، مجیدر، معاونین ادبیین، تبریز ۱۳۸۰، ص ۱۶۵. ۱۱- هرزبان نامه، ترجمه اروینی، به تصحیح محمد قزوینی، تهران ۱۳۲۲، ص ۲۷۷. ۱۲- هرزبان نامه، همان، ص ۳۰۰. ۱۳- به نقل از نگامی نوین به تاریخ دبیرین ترکان ایران، رحمانی فر، تبریز ۱۳۷۹، ص ۱۴۹ - ۱۴۸. ۱۴- تورک‌لرین تاریخ و فرهنگنیه بیر باخیش، دکتر جواد هیبت، اولبلیق، تهران ۱۳۷۷، ص ۸۲. ۱۵- هرزبان نامه، همان، مقدمه قزوینی «لازم به ذکر است که شهر تبریز به علت موقعیت جغرافیایی و اهمیت تاریخی خود شاهد جنگ‌های فراوان و همچنین زلزله‌های ویرانگری در طول تاریخ بوده که یکی از آثار فاجعه آمیز این حوادث طبیعی - آسانی، آسیب بدین مراکز علمی این شهر از جمله کتابخانه‌های بی‌نظیر آن (برای مثال کتابخانه مربوط به دوران اتابکان آذربایجان، کتابخانه‌های موجود در ربع رشیدی دوره ایلخانیان و...) بوده است که طی آن آثار و کتابهای زیادی از جمله کتابهایی که به زبان ترکی نگارش یافته بودند از بین رفته‌اند. برای مثال منابع از وجود «تورقو ز نامه‌ای» به زبان «لوپوغری» در دربار چاهشاه قراقوبیلو در تبریز خبر می‌دهند که متأسفانه امروزه خبری از آن نسخه در کتابخانه‌های تاریخی تبریز، در فریار خود با آنکا به نسخه‌ای از اوغوز نامه به زبان ابوغری به سفیر عثمانی گفته بود که جنش قرا یوسف بیگ و سلطان مراد از تبار اوغوز خان بوده‌اند.» (تنگر، تاریخ خردا ترکمن‌ها، قاروق سومر، ترجمه دکتر وهاب ولی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۰، ص ۲۱۹) ۱۷- دیوان دعویدار قس، شاعر سده‌ی ششم و هفتم، به تصحیح علی محدثه تهران ۱۳۶۵، ص ۲۳۳ - ۲۳۲.

مقدمه: سیزدهمین داستان جدیداً پیدا شده دده قورقود چنانچه در مقاله «جنگ و حماسه شهابخانه لورمیه» مندرج در «اغری ۶ مرداد ۱۳۹۸» اشاره کرده بودم دارای دو «جوی» (داستان) است که برای «اولین بار در مطبوعات کشور» اولین داستان ترجمه و منتشر شد و این «دومین و آخرین» داستان است که به زبان فارسی ترجمه و منتشر می شود.

متن ترجمه از ترکی آذربایجانی به فارسی را روزی آغازان، ازدهای مدافع برشیده قدرت دهنده اسلامیت، سالور آغازان! سب قونور، براننده از قوم ایبور (۱)، شوزیده سر از قوم آذوقندر (۲)، در سیلان بیلای گور، در ساری قمیش کیشلاق گور، بر هیبت از هشتاد هزار دلاور، شمشیر پهن پولاد، نوک نیز ستان، نوک تیرهای صهار (۳) تیز پیکان، قمضه های استوار گمان، لشکر آذربایجان، بیکلریگی پادشاه آدوران! فرزند اولاش ایعتلی آغازان

در «ق منغان» برنده گمت و شکارها کرد هنگام عصر گفت: «سر دارانما کسی با من نیاید همگی به لشکرگاه برگردید من به تنهایی شکار کرده می آیم» بعد از فرستادن سرداران به اردوگاه، سب قونور (بولوطی رنگ) را به سوی تپه «ق منغان» راند غروب شد ولی اونتولاست شکاری بکند

گفت: «پروردگارا! من از سردارم جدا شدم میدی آنا حالا نکرده ام، کمکم کن! با دست خالی به لشکرگاه برنگردم» به نخجیرگاه های هموار چشم گرداند در دامنه «قارداغ» در هفت جای شعله های متعل مانند و در هفت جای دوده های غلیظی دیدن آغازان فکر کرد چراغ های اردوگاه خویش است. سب به سوی آن روشنایی هاراند

از آن سوی از اردوگاه «لته قیلباش» - که دایه آغازان بود - در لشکرگاه شنید که آغازان به تنهایی به شکار رفته است. طافت نیلوره چهار نعل به دنبال آغازان تاخت آغازان، تا رسید جیز خوبیده ای به سان تپه دیدن چیزی به سان بیضه متلاطم، آوا به ماری زمینی ایعتلی ازدهای بر خورد آنچه در هفت جای مثل مشعل شعله می زده چشم های ازدها بود آنچه در هفت جای مثل دود غلیظ بلند می شد بخار دهان ازدها بود آنچه مثل جنگل در تلاطم بوداموی های پال اگرین ازدها بود، تا ازدها را دید تمام وجودش از خشم و هیجان پر شد، همه چیز برایش روشن گردید

آهنگ جنگ با ازدها را نمود وقتی به عقب نگاه کرد «لته قیلباش» را در خدمت حاضر و آماده دید. بالته منورت کرد او گفت: «لته جانم! این ازدها را که مثل تپه ای خوبیده است، می بینی؟ آیا به این ازدها حمله بکنم یا از کنارش رد شده بگذریم؟! چه صلحت می بینی؟! لته جانم بگو»

جنگ سالورغازان با ازدهای هفت سرا!

(سیزدهمین و تازه ترین

داستان پیدا شده دده قورقود)

برای اولین بار در مطبوعات کشور



دکتر حسین حبیبی اهری وحید



لته با خود گفت: «این آغازان دلاوری بی همتاست اگر بگویم به سوش ترو شاید به من خشمگین گردد» لذا گفت: «سرورم! تو بزنگر از کوه «قره داغ» مقابلمان هستی، نترس تو اب صاف و تند و خروشان رودهایی، نترس تو اسب نر ایقدرت! ایلتخی های اسبانی، نترس

تو شتر نردسته های شترانی، نترس، تو فوج گله های، نترس، تو سردار دلاورانی، نترس، تو قهرمان شجاع دلبرانی، نترس به آن مار حمله کن ازدها که می گویند در حقیقت نوعی مار است به آن مار حمله کن!»

عزیزان! سب را جولان داده به سرعت به سوی ازدها تاخت دید ازدها خوبیده است با خود گفت: «کشتن هر خوبیده ای دور از مردی است زندگی با حيله شایسته جوانمرد نیست» تیزی صهار از ترکش کشید و به سوی ازدها انداخت ازدها بیدار شد و دم تکان داد آهسته آهسته کوه چرخید و زهر پراکند زمین رنگین گردید دم زد و میکید آغازان و اسبش چون بوته کوچک کنگری که در پیش باد افتاده باشد به سوی کلم ازدها رفتنی شد

غازان نعره کشید و به خدا التماس کرد: «ای خدای متعال! که هر که را خواستی بلندش کردی و هر که را خواستی بر زمین ذلت زدی، خیلی ها تو در آسمان می جویند در صورتیکه تو در قلب مومنان و زبان صدقانی پروردگار! کسالی که به تو «جک» بگویند (به

وحدانیت تو اعتراف کنند) دهانشان را می بوسم، هر که به تو «دو» بگوید (برایت شریک قابل شود) از دهانش می گویم آختابا نتر می کنم! بر روی رندهای جاری یل بسازم

دست از با افتادگان را بگیرم، عربان ایی لباس آرا لباس بیوشانم فقط کاری بکن! که آخر عمری لگویند آغازان را ماری بلعید پروردگار! خودت مرا نجات بده»

اگر به روز بدی افتادی به خدا التماس کن، هر کسی به خدا متوسل شود از درگاهش! محروم باز نمی گردد آغازان اهم! که به خدا متوسل شد بین او و ازدها صخره ای به اندازه انالی پیدا شد

غازان وقتی به پشت آن صخره رسیده از اسب پیاده شد و نیزه خود را به زمین زد سپر برگرفت دلاور تا جان دارد به سپرش جان می دهد (آن را تمیز نگه می دارد)، آن سپر نیز در ساعتی و لحظه ای به درخش می خورد ازدها هر قدر کوشش کرد آغازان را با میکیدن به کاشش بکشد آن آ نیزه و سپر نگذشت او از پشت صخره در آید آغازان در پشت آن صخره جای خود را محکم کرد

از هیبت ازدها یک چشم آغازان خون آلود شد، آغازان به چشمش خشم گرفت او گفت: «ای چشم نامردم! ز شمشیر پهن پولاد منی ترسیدی، از تیرهای صهار نمی ترسیدی، زمانی که گرز شازده متی (۴) کافر بر سرم کوبیده شد از ازدها را من نکشتم، یابرداری و همت تو آن را

خاکهایی که امروزه ارمنستان نامیده می شود و فتح آنها اشاره نمود در کتاب «تاریخ ارمنستان» آمده است. آشوت اول در سال ۸۹۱ میلادی وفات یافت پسرش سمیات اول به جای او بر تخت نشست (۸۹۲-۹۱۴) او نیز مانند پدرش با دشمنی و عناد فرما رومیان آذربایجان که از امرای دست نشان اعراب بودند مواجه شد، زیرا اینان هیچکدام سیاست دولت بغداد را در اعطای استقلال به ارمنستان تصویب نکرده بودند و همیشه به آن به چشم کشوری زیردست می نگریستند

در تاریخ «کمبریج» در مورد عصیان محمد در مقابل خلیفه و جنگ های او با همسایگان آمده است اندکی بعد محمد آنقدر قدرت در خود یافت که به دولت خلیفه بشورد و گویا از پرداخت خراج ولایت خود به خلیفه سرباز زد شاید در همین ایام بود که وی لقب افشین بر خود نهاد که لقب سنتی شاهان تورک اشروسا بود این لقب بر روی سکه ای که وی در سال ۲۸۵ قمری در برده ضرب کرد نقش شده است. وی در همان سال دوباره به قدرت خلیفه تسلیم شد، ظاهر خود را برای جنگ جدیدی با سمیاط آماده می کرد و خلیفه حکومت وی بر آذربایجان و خاک امروزی ارمنستان را ایفا نمود محمد تا قلب سلطان نشین باگراتید رخنه کرد بعدها قازص را گرفت و بخشی از خزاین شاهی را با خود آورد

در «تاریخ طبری» در ذکر حوادث سال ۲۸۵ هـ - که در آن زمان محمد از اذربایجان و ارمنیه راه محمد بن ابی الساج داد، وی بر آن ناحیه تسلط یافته بود، معتقد خلعتها برای او فرستاد با چند موکب

بعد از مرگ محمد بن ابی الساج (۲۸۸ هـ - ق)، سپاهیان و اطرافیان او، فرزندش دیوداد را به فرماتروانی آذربایجان انتخاب می کنند که این کار با عکس العمل شدید یوسف، برادر محمد مواجه شده و در طی جنگی که رخ می دهد دیوداد شکست خورده و از قدرت کناره گیری می کند و حکومت آذربایجان به دست یوسف، عموی دیوداد می افتد

در مورد این حوادث، در «مجله فصیحی» در ذیل سال ۲۸۸ هـ - که آمده است وفات محمد ابن ابی الساج، والی آذربایجان و جلوس دیوداد ابن محمد بن ابی الساج المذکور به قائم مقامی پدر و جنگ کردن یوسف بن ابی الساج با برادرزاده خود دیوداد و شکست دیوداد از جبهه برادر او یوسف می توان به حملات آنان به



اولین دولت تورک بعد از اسلام در آذربایجان ایران



وحید ابراهیمی باستان شناس

بعدها به تبع پدر خود، در دستگاه خلافت نفوذ یافته و برای خود جای پای پیدا می کند

در کتاب «طبقات سلاطین اسلام» در این زمینه آمده است ابوالساج دیوداد که حکمران کوفه و اهواز بود تا سال فوت خود یعنی سنه ۲۶۶ هجری این مقام را داشت و پسرش محمد حاکم حجاز بود ولی در سال ۲۶۹ والی لیب و در سال ۲۷۶ هجری حکمران آذربایجان شد

«باسورت» نیز در این زمینه می نویسد ابوالساج دیوداد اول حکومت بغداد و خوزستان داشته اما چون پسرش محمد در سال ۲۷۶ قمری ۸۸۹ میلادی به حکومت آذربایجان منصوب شد، خانواده ساجی به تاحیه ای دست یافت که برای مدتی نزدیک به چهل سال پایگاه قدرت او بود

ساجیان در دوران حکومتشان لشکر کشی های متعددی علیه شاهزادگان ارمنی مانند باگراتید و اردزرویند فرمانروای وانسبورگان کردند و آنها را به اطاعت از خود واداشتند

و یک زن دیگر خارج شدند و راه منطقه ای که امروزه ارمنستان نامیده شده است را در پیش گرفتند. چهار نفر مستحفظ از دور سوارانی دیدند و گزارش دادند که ما چنین عده ای را دیدیم و نمی دانیم چه مردمی بودند، ابوالساج فرمانده مستحفظین بود فرمان داد سپاهیان سوار شوند و به دنبال آن باشند، با یک را با همراهان دیدند که به آبی رسیدند و نشستند، مشغول صرف ناهار شدند، چون سپاهیان را دید سوار شد و رفت و معاویه و برادرش با مانر با یک و زن دیگر اسیر شدند

ابوالساج اسرا را نزد افشین فرستاد و خود به دنبال با یک رفت. با یک در کوهستانهای ارمنستان امروزی به سیر و فرار خود ادامه داد ابوالساج بعد از ماجرای با یک باز با سیاسی قوی در دستگاه خلیفه کوشید و بدین ترتیب توانست که یکی از رجال متنفذ دربار خلیفه عباسی گردد

بعد از ماجرای با یک هم در دفع عصیان منکبجور که شوهر خواهر افشین بود و ولایت آذربایجان را از جانب او داشت و با اینهمه تیز بر ضد افشین و هم بر ضد خلیفه طغیان کرد، پیروز شد

ابوالساج در دنبال توقیف و محاکمه افشین نسبت به خلیفه وقادار ماند و مثل تعداد دیگری از بیگ های تورک اشروسا شمشیر خود را با اینده نگری در اختیار فرمان خلیفه عباسی گذاشت وقتی افشین از کار با یک فراتعت یافت و از جبال بازگشت، منکبجور را بر آذربایجان گماشت که قلمرو افشین بود و نه دست وی بود

منکبجور در شهر با یک در یکی از منزلهای وی، مالی گزاف به دست آورد و آنرا برای خویش نگه داشت که نه افشین و نه معتمد را از آن واقف نکرد. متصدی آذربایجان مردی بود شیعه به نام عبیدلله پسر عبدالرحمان که به معتمد نوشت و این ماجرا را به او خبر داد

وقتی معتمد به افشین گفت که منکبجور را معزول کند و دیگری را به جای او بفرستد، افشین، ابی ساج دیوداد را که نیز از نزدیکان و کسان خود او بود با سپاهی گران به آذربایجان گسیل کرد. به هر حال در این ماجرا منکبجور به دست سردار تورک خلیفه یعنی بغاه اسیر شده و غائله خاتمه می یابد

بعد از این حوادث، ابوالساج دیوداد به مناصب گوناگونی در دستگاه خلافت دست یافته و فرزندان او محمد و یوسف ابن ابوالساج نیز

اهمیت و اعتبار سلسله بنی ساج با کشته شدن یوسف از میان رفت پس از یوسف خندان وی تا سه سال ۳۱۸ هـ - همچنان در آذربایجان حکومت داشتند. ابوالسافر فتح پسر محمد افشین برادرزاده ابوقاسم یوسف پس از وی به جای او نشست و تا زمان مرگش این سمت را داشت. در از دیبیل به دست یکی از غلامان خود به نام مفلح الجوسفی مسموم شد (شعبان سال ۳۱۷ هـ) و حکومت آذربایجان نصیب مفلح شد و سلسله بنی ساج رو به ضعف نهاد

بالاخره حکومت تورک ساجیان به دست حکام تاریخی قلمرو حکومت ساجیان در دوران فرماتروایی یوسف ساجی بر بیشتر مناطق آذربایجان و خاکهایی که امروزه ارمنستان نامیده می شود، که شامل مناطقی بین رزنجان تا دربند با حد شرقی دریای خزر بود، واقع شده بود به عبارت دیگر در دوران اقتدار ساجیان خصوصاً در دوره فرماتروایی یوسف ساجی، شهرها و مناطق مختلف در آن سوی آراز نیز تحت فرماتروایی سلسله تورک ساجیان بوده است

از کارهای یوسف بعد از رسیدن به حکمرانی می توان به انتقال پایتخت از مراغه به از دیبیل و همچنین به جنگ های او با پادشاهان ارمنی اشاره کرد. گفتنی است که خلیفه نیز بعدها برای تضعیف ساجیان، از سمیاط شاه ارمنی پنهانی حمایت می کرد. شاه سمیاط کوشید تا با پیشنهاد تبعیت مستقیم به خلیفه المکنفی خود را از سیادت ساجیان رهایی دهد. چون سمیاط دعوتهای یوسف را برای رفتن به نزد وی رد کرد، امیر ساجی به سرزمین وی تاخت. در سال ۲۹۰ قمری میان دو طرف قراردادی بسته شد و سمیاط تاجی از یوسف دریافت کرد و بدین ترتیب سیادت وی را تصدیق نمود. بعدها به علت تیره شدن رابطه یوسف با خلافت بغداد، خلیفه، شاه سمیاط را بر علیه یوسف شوراند و یوسف نیز در جنگی که در سال ۹۱۳ میلادی رخ داد، شاه سمیاط را گرفته و سپس او را به قتل رساند. در نهایت یوسف در جنگی که با قرامطه داشت (۳۱۵ هـ - ق) شکست خورده و اسیر گشت و سرانجام به دست ابوطاهر فرمطلی کشته شد

مورخین یوسف را مهم ترین امیر تورک های ساج می دانند زیرا بعد از کشته شدن او، این خاندان تضعیف شده و فرماتروایی آنان در آذربایجان خاتمه می یابد



حاج میر جبار توتونچی

حاج میر جبار توتونچی

از مفاخر اورمیّه:

جبار باشد پدرم این جعفر است هر دو حسین نژاد همین گوهرم یکی است

حاج میر جبار توتونچی معروف به میر جبار مشروطه‌چی از سادات جلیل القدر حسینی فرزند آقا میر جعفر و پدر شاعر نام آور مرحوم میر جلال صابر در سال ۱۲۷۶ هجری قمری در محله عسکرخان اورمیّه دیده به جهان گشود پدر وی از تاجر معروف و عمده توتون و از مردان خیراندیش و نیکوکار عصر خود بود. وی مقدمات عربی و فارسی و علوم متداول را در زادگاهش فراگرفت و سپس از ستین جوانی در سفرهای تجاری متعددی که به همراه پدرش به مسالک روسیه و عثمانی داشت فوت و فن تجارت را تجربه کرد و آموخت.

پس از فوت پدر تجارت توتون را پیشه خود ساخت و به مرور به توتونچی لشنار یافت. میرجبار از مجاهدان پیشگام و صدر جنبش مشروطه و از نخستین کسانی بود که قدم در راه آزادیخواهی گذاشت و قهرمانانه بیرق غیرت و مبارزه برافراشت.

میرجبار برای استقرار و استمرار نهضت مشروطیت در اورمیّه فداکارهای فراوانی از خود نشان داد و در تمام جنگ های ملیون یا قوای مستبدین در دوران استبداد صغیر و مقلبه با نهجانت و وحشیانه اشرار و آشوبگران محلی شرکت فعال داشت. همچنین ضمن عضویت دائم در کمیسیون اعلاّه که زیر نظر انجمن ولایتی فعالیت می نمود، بیشتر اموال و دارائی خود را نیز برای مصارف انقلاب و مساعدت به خانواده های مجاهدان داوطلبانه در اختیار انجمن قرار داد.

قوای مشروطه طلبان اورمیّه که از اواخر پانز ۱۲۸۷ شمسی برای یاری رسانیدن به آزادیخواهان خوی و سلماس به آن نواحی رفته بودند پس از آزادسازی شهرهای فوق در اواخر همان سال به اورمیّه بازگشتند تا این شهر را هم که در تصرف محتشم السلطنه حکمران دست نشاندۀ محمد علی شاه بود، آزاد سازند. قشون آزادیخواهان اورمی به ریاست باقرخان رئیس اسماعیل خان افشار، میرزا محمود سلماسی و امیر حشمت در ۲۳ فروردین ۱۲۸۸ شمسی شبانه با یک هجوم ناگهانی اورمیّه را فتح کردند.

بعد از آزاد سازی اورمیّه از سلطه حامیان استبداد و ورود قوای ملیون به شهر، حاج میرجبار اولین کسی بود که وارد دارالحکومه شد و به دستور باقرخان، محتشم السلطنه را بازداشت کرد.

امور و تأمین امنیت و آسایش اهالی زحمت زیادی کشید و مصدر آثار و خدمات ارزشمنندی گردید. با آغاز تجاویز و انتقال علنی و خصمه روسها به آذربایجان در سال ۱۳۲۷ قمری میرجبار بار دیگر لوی مردانگی و مجاهدت برافراشت و به همراه جمعی از مجاهدان و آزادیخواهان وطن پرست اورمیّه به مقابله با متجاوزان روسی برخاست.

در این هنگام در اورمیّه نیز همانند دیگر شهرهای آذربایجان اوضاع آشفته و وخیم بود و سر رشته تمام کارها در دست کنسول روس و اجلال الملک حکمران دست نشاندۀ آنان بود که با حمایت اربابان روسی خود مشغول دستگیری و حبس و شکنجه و اعدام آزادیخواهان بودند.

مجاهدین مشروطه اورمی به محض آنکه از توطئه پلید روسها آگاهی یافتند تعدادی از آنها از جمله میرزا حبیب اله افشار، باقرخان رئیس، ابراهیم خان خیاط، بهادرخان افشار، عبدالعلی حریری، میرزا خلیل افشار و حاجی میرجبار توتونچی به شهینتری عثمانی که در آن زمان به واسطه نزدیک بودن قشون عثمانی مورد ملاحظه و اعتماد بود، پناهنده شدند.

بیشتر پناهندگان مجبور به ترک وطن و تبعید به خاک عثمانی شدند اما عدماي از این مجاهدان جان بر کف از جمله حاج میرجبار تن به تبعید نداده و بدون ذره ای تردید و ترس از زندان و مرگ در شهر ماندند و جهاد مقدس خود را بر ضد لشغالگران روسی ادامه دادند.

از این تعداد مشهدی اسماعیل افشار و مؤید التجار به دستور اجلال الملک دستگیر و پس از چند روز حبس به مأموران روسی تحویل داده شدند بعد از آن ابوطالب عزیززاده، حاج صمد ذکتاب، ملک التجار، وکیل التجار و میرجبار و چند تن دیگر توسط دژخیمان روسی گرفتار و در لشکرگاه متجاوزان به بند و زنجیر کشیده شدند.

حاج میرجبار در اواخر سال ۱۲۹۰ شمسی ناچاراً اهل و عیال و مال و متاع خود را ترک و به وان مهاجرت کرد و از آنجا هم به استانبول که در آن ایام پایگاه انقلابیون و آزادیخواهان مبارز آذربایجان به شمار می رفته، عزیمت نمود.

عاقبت بعد از مدتها دوری و دره به دری در اواخر سال ۱۳۳۱ قمری به اورمیّه بازگشت و در بحبویه جنگ جهانی اول علیه رقیم آنکه از سوی کنسولگری روسیه و تشکیلات قوای مسلحه جیلوها آسیب بسیار دید و امواتش به وسیله تجاویز گران نلراج گردید باز هم از تلاش و مبارزه دست برنداشت.

به هنگام هجوم اشرار و سواران اسماعیل آقا سیمیتقو به اورمیّه با بزرگواری و از خودگذشتگی دهها خانواده بی سرپرست و سرگردان و بی بضاعت را در منزل خود پناه داد و علاوه بر عهده دار شدن مخارج زندگی و نگهداری آن بیچارگان، از قتل عام وحشیانه آنان به دست مهاجمان نیز جلوگیری کرد.

مرحوم حاج میرجبار توتونچی مردی وطن پرست و غیرتمند، مجاهدی پرشور و فداکار و تاجر امین و صداقت پیشه بود.

حاج میرجبار توتونچی دلاور مرد مبارز و مجاهد راستین و بی بدیل انقلاب مشروطه در اواخر عمر به زیارت مکان مکرّمه مشرف شد و سرانجام در اسفند سال ۱۳۱۲ به مرض سکنه قلبی دیده از دنیا فرویست.

منبع:

نام آوران اورمیّه (بازبینی و اضافات) - تألیف: علی بابایی نیولوی

در پنجمین لایه (فرهنگ آشل میانی) غار آزیخ که دارای ده لایه است مورخ بزرگ محمد علی حسین اف استخوان چانه پایینی انسانی را پیدا کرده است که قدمت آن به ۴۰۰ هزار سال قبل می رسد و صاحب آن «استخوان» را «آزیخ آنتروپ» نامیده است.

اجاق «صاحب کف» که در معنای «سنان های غار» است شکل اسلامی (صاحب الکف) به خود گرفته است. ولی اجاق خطوط انسانی یاستنی را گم نکرده است. در اجاق «قارا آتلی» نیز که به عنوان لینه تاریخی مربوط به قرون ۹-۷ م است مراسم مربوط به قبل اسلام حفظ شده است. نسبت به سایر پیرها غارهای اجاق خیلی محافظه کار بوده اند. براساس مشاهدات زلیک پامبولسکی، صلیبی که یک ارمتی به نام آکوپاسیان در اجاق ساری بیگ نصب نموده بود هیچ تغییری نتوانسته بود نه در نام اجاق و نه در کاراکتر موجود در ماهیت آن به وجود آورد.

در آذربایجان اینه های غار - اجاق (غار - پیر) زیاد است. ولی قسمت زیادی از آنها هنوز هم بررسی نشده است. یادگیری و تحقیق غار - اجاق های بنفشه، غار قارا اینک، کوه سلوان، واقم، قارا کاهلار، کنار آن آغ کاهلار، آرمودولتالا و غیره می تواند اطلاعات ما را در مورد معابد و مکان های مقدس زیاد کند.

در میفولوزی ملل ترک توت های سنگ، صخره و کوه از معابد مقدس هستند انواع مختلف اعتقاد به سنگ موجود است. در اجاق «دده گوش» به نیروی شفابخش سنگ مقدس باور داشته و با کشیدن سنگ به سر، سینه و دست ها درد را به سنگ انتقال می دهند و دانش پیر امیدگاه عروسانی است که در آرزوی فرزند هستند فولکلورشناس بهلول عبدالله یف در مقاله «بافیش یارده قیدلر» (یادداشت هایی درباره باران) می نویسد که در کوه بابا داغ - واقع در منطقه اسماعیلی - «هزره پیری» وجود دارد. این اجاق // پیر مخصوص نسل شیخ است. این سنگ بران که نام «بابا دانی» را از نام کوه بابا اخذ نموده در این نسل قرار داشته است. آنها همین سنگ را در خنوت و در جای با احتیاط گذارده و حفظ می کردند.

درباره سنگی که بران می آورد در منابع چینی نیز، در آثار محمود کاشغری، در آثار ابن فقیه (قرن دهم) و آثار شرق شناسان روس معلوماتی وجود دارد. ملل مختلف ترک به این سنگ «پاداه»، «ساناه»، «جاناه» و «سنگ چای» نیز می گفتند که درباره این موضوع عبدالقادر ایپان در کتاب شامنیسم به شکل وسیعی مطالبی نوشته است.

از این نظر، در لجه باکو «قمیر» نامیدن سنگ جای جالب است. چون قاهر (کامیر) اصطلاح قلمچی لبق به شمار می رفته که در معنای «روح محافظ» بوده و در زبان قرقیز نیز به شکل گسترده ای به کار می رود.

وجود اعتقاد به سنگ در نزد انسان دارای تیر سنگی حالت طبیعی می باشد سنت ستایش به سلاح که ادامه همین موضوع می باشد در آیین شمشیر (مقدس) نیز خود را نشان می دهد. عادت مقدس شمردن مکنی که سنگ های غیرعادی وجود دارد مدت زیادی ادامه داشته است. در زیر درخت اجاق تاریخی سنگی به اندازه انسان وجود دارد.

جایگاه محکم داشتن سنگ، صخره و کوه در عبارات و تعبیرها به ویژه در قوشماهای با ردیف «داغ لارا» وجود نقش اساسی در تفکر فلسفی نیز یادگار دوران باستان می باشد. زمالی که هرودوت از ترک های ساقاریت می کند، می نویسد که آنها مراسم قربانی و سایر آیین ها را در مکان های بلند برگزار می کردند.

اعتقاد به کوه، سنگ، صخره به شکل منجمد در بعضی از اسامی اجاق ها باقی مانده است. کوه چولپان، اولغان داغ، مارال داش، دیک داش، پتری داش، نیت دانی از جنس همین اجاق ها می باشند. جغرافیای چنین اجاق هایی گسترده است: بوغورخان قایلاغ داش، داش پیر (خاقلار)، گلین قایلسی (داش کسن) و س.

در اکثر مناطق آذربایجان به اجاق هایی که در ارتباط با توت (درخت) به وجود آمده اند، رویه رو می شویم. اجاق های با نام توت آغاج، توت، موساللا، پالید // بلوط، تک داغداغان، درخت سیود، چنار، نایش (درخت اداس)، زغال، آچایی، کامو، قلاخ، بالیخ، کوهنه خوندات و قافقان پیرهایی هستند که با درخت در ارتباط می باشند. البته اجاق های درخت متأثر از شرایط بومی و انواع درختی که در آنجا می روید می تواند با یکدیگر متفاوت باشد.

مثلاً: ترک های سبیری به درخت قاپین، ترک های آذری نیز بیشتر به درخت های داغداغان، چنار، بلوط و توت ستایش می کنند. حتی مردان مسن می گویند که هر جا که داغداغان باشد، آنجا اجاق است. در آذربایجان اجاق های «داغ - داغان آغاجی» (جبراییل)، «تیر خنار بابا» - داغداغان آغاجی (شاماخی)، پیر «چنار آغاجی» (خاچماز) و روستای دخت، «چنار پیری» (خاچماز، روستای چنار قالا)، پیر «هیخلی چنار» (نوه چی، قالاتلی) و «وئیس بابا» (آغاج) از اجاق های مشهور است. اجاق های ماتیق بابا (بلوط) و قارا آغاج نیز آیین ستایش به درخت را زنده نگه داشته است.



معابد «پیر» و «اجاق»

اعتقادات و معابد ما

عبارت قبا آغاج موجود در داستان های دده قورقود در معنای توتیم به کار رفته است. احتمال دارد که اجاق قلمقان نیز در نامش دارای مفهوم «قملار» باشد. چون که تکرار کلمه در زمان های قدیم علامت جمع را می رسانده است. اگر چه اجاق تاریخی نیز با سنگ مرتبط است، ولی به خاطر اینکه سنگ موجود در آنجا زیر درخت قرار دارد، خود درخت «تاری» (نشانه خدا) محسوب می شده است.

چون که آیین قربانی دادن در اجاق ها و پیرها عمر هزاران ساله دارد دچار تغییرات شده است. خود قربانی هایی که به روح های خوب و بد داده می شدند به دو نوع (خوندار و بی خون) تقسیم می شوند. عادتاً در اجاق ها و پیرها قوچ، گوسفند، گوساله و خروس به عنوان حیوان قربانی ذبح می شد.

در آذربایجان اینه های غار - اجاق (غار - پیر) زیاد است. ولی قسمت زیادی از آنها هنوز هم بررسی نشده است. یادگیری و تحقیق غار - اجاق های بنفشه، غار قارا اینک، کوه سلوان، واقم، قارا کاهلار، کنار آن آغ کاهلار، آرمودولتالا و غیره می تواند اطلاعات ما را در مورد معابد و مکان های مقدس زیاد کند.

در میفولوزی ملل ترک توت های سنگ، صخره و کوه از معابد مقدس هستند. انواع مختلف اعتقاد به سنگ موجود است. در اجاق «دده گوش» به نیروی شفابخش سنگ مقدس باور داشته و با کشیدن سنگ به سر، سینه و دست ها درد را به سنگ انتقال می دهند و دانش پیر امیدگاه عروسانی است که در آرزوی فرزند هستند. وجود اعتقاد به سنگ در نزد انسان دارای تیر سنگی حالت طبیعی می باشد. سنت ستایش به سلاح که ادامه همین موضوع می باشد در آیین شمشیر (مقدس) نیز خود را نشان می دهد.

قلم های سبیری به این «بالاما» می گویند. احتمال دارد که عبارت «ایپلمه» (دیونه) نیز نشانه همین اعتقاد باشد. شخص ایپلمه کسی است که به پیر (در اینجا به شفا) نیاز دارد. قسمتی از اجاق ها در کنار آب های معدنی با اهمیت، در کنار معادن نمک و در کنار گذاره آتش نشان قرار دارد. بدان سبب نیز در بین اجاق ها براساس سازگاری با انواع بیماری چنان وضعیتی خود را نشان می دهد. مثل اینکه اختصاصی شده اند.

مثلاً اجاق وئس آغاجی برای معالجه تب اجاق یوسف آغامالی (قوبا) برای زردی و دندان درد، اجاق سید غریب (صایرآباد) برای کچی دهان و سر درد، دده گوش برای شکست شدن، بیماری عصبی، نارایی، دوز دانی (تخچوان) برای تنگی نفس (اسم) مناسب می باشد.

برخی از اجاق ها متناسب با نام بیماری نام گذاری می شوند: قوتور (بیماری جرب)، زگیل، کلی (دبولنگی)، پتل (باد) و یا روماتیسم) و س. به چنین اجاق هایی در سایر مناطق نیز می توانیم برخورد کنیم: همان طوری که اسامی اجاق های پتل سویو (قوبا)، پتل پیری (قوتقاشن) مشاهده می شود. «پتل» با معالجه روماتیسم در ارتباط می باشد.

اجاق پتل بابا نیز وجود دارد. که افراد دارای روماتیسم از آنجا تنها در برخی هفته ها و روزهای خاص زیارت می کنند. ولی به اجاق «ذلی پیر» که دارای چشمه و سنگ فونلو (مبارک) بود هم ایپلمه های ارمتی و هم آذری (آذربایجان) برده می شدند. تحلیل زبان شناسی اسامی اجاق ها نشان می دهد که در سیستم اسامی اجاق ها بیشتر کلمات دارای مفهوم رنگ و اسامی مشخص، قبیله، اجاق، بله داده، آنا ونه و برخی از کلمات دارای مفهوم دینی به کار می روند. در ترکیب اسامی اجاق ها کلماتی چون آغ، قارا،



معابد «پیر» و «اجاق»

مترجم: میر علی رضایی مؤلف: فریدون جمیل اف

ساری و گوی که هم صرافا با مفهوم رنگ و نیز بارمزهای معینی مرتبط بوده به شکل وسیعی انتشار یافته اند: آغ بیل پیری (قوبا)، آغ بابا پیری (آغ کاشا (لریک)، اجاق قارا پیری (آغ داش)، قارا آتلی بابا (قوبوستان)، قارادونلو پیری (ساری بابا پیری (زاگانالا)، ساری پیغمبر (بیلگان)، ساری سیدان (سالیان)، ساری آنا (مینگیچویر)، پیر ساری بیگ، گوی ایمام (کنجه).

به خاطر اینکه قسمت اعظمی از اجاق ها با مکان مقدس و یا مزار اشخاص مقدس در ارتباط است در نام اجاق آنتروپونیم ها نیز جای دارند. حضرت بابا (قوبا)، بابا سمید (صایرآباد)، پیر حسین (شاماخی)، بابا رحمن (لنکران)، پیر خلیل آتلا (دوه چی)، سید اسماعیل (شامخور)، شیخ بابا (قوتقاشن)، سید توغاره (آغ دام)، شیخ صفی (مساللی)، سید احمد (استارا)، شیخ زاهد (لنکران) البته پیر مانکن نیز می گویند، صوفی حمید (قاضی محمد).

همان طوری که از مثال های داده شده مشاهده می شود، کلمات بابا، پیر، شیخ و سید در اسامی اجاق ها بیشتر به کار می رود. کلمات بابا، آنا، ننه و دده که در معابد به کار می رود، با اعتقاد قدیمی مرتبط بوده و نشانه هایی از رئیس خانواده، نسل و قبیله را در خود نگه می دارد: بابا دانی، دیری بابا (شاماخی)، آل دده (تووزر)، آتلی بابا (خاچماز)، دده گوش، پیر خلیل آنا، مقبره دده سورا (لریک)، اهالی روستای سورا به این «پیره سورا» نیز می گویند، حیدر بابا و س.

مزار زلتی هم که در ادوژ بعدی شامنیسم (قلمچی لبق) با پاختیچی گری، چوپچولوکه، فال گیری و تور که چاره ها مشغول بودند، به اجاق های شفابخش تبدیل شده است. در جبراییل پیر مازان ننه، در قیرستان قاراپیریم روستای آغ داش حتی سه «تیه پیر» یعنی نیگار ننه، عایشه ننه و تورقه ننه موجود هست. اکثر اجاق هایی که در ترکیب اسامی آنها کلمه «بابا» وجود دارد، در جای بلندی چون کوه و در صخره ها قرار گرفته که این نیز با اعتقاد روح کوه در ارتباط است.

در افسانه منشاء ساقاها شجره اولین تاریخی با «بابای» (خدای آسمان) آغاز می شود. بابای در معنای پدر تاریخی (تاریخی) و مادر آن نیز آبلایا) در معنای مادر بزرگ، تنه بزرگ است. کاربرد اسامی قومی نیز در اسامی اجاق ها جالب است.

اسامی قبیله و نسل چون سلطان خلیج (قوبا)، پیرسات (شاماخی)، قارادونلو، آزاد، تورکان، شیخ لاز و غیره کاراکتر محلی امکان مقدس را مطرح می کند که این نیز نشان می دهد که هر معنی اجاق های محلی را قدیمی تر حساب می کنند.

تحلیل قومی زبان شناسی اجاق هایی که در ترکیب آن اتونیم وجود دارد برای اتونومیک ملت ما اسناد لازم می دهد.

